



نقطه عطف

استراتژی جامع نوینی برای مواجهه با افراط‌گرایی خشونت‌طلب

مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی؛
کمیسیون مواجهه با افراط‌گرایی خشونت‌طلب

نویسندگان:

شانون گرین

کیت پراکتر

ترجمه‌شده در

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

دی‌ماه ۱۳۹۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان گزارش: نقطه عطف: استراتژی جامع نوینی برای مواجهه با افراط‌گرایی خشونت‌طلب
TURNING POINT: A New Comprehensive Strategy for Countering Violent Extremism

نویسندگان: شانون گرین و کیت پراکتر

Shannon Green & Keith Proctor

ناشر: مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی

Center for Strategic and International Studies

تاریخ انتشار: نوامبر ۲۰۱۶

گروه ترجمه: محسن محمودی، جواد عرب یارمحمدی

ناظران: ابوالفضل غیاثوند، ابوالقاسم اسکندری

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

دی‌ماه ۱۳۹۵

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.
هرگونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

فهرست مطالب

۴	ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی
۵	خلاصه مدیریتی
۷	یادداشت رؤسای کمیسیون
۱۱	مقدمه
۱۹	«مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب» چیست؟
۲۴	بیان مسأله
۲۹	یافته‌های پژوهش؛ برداشت‌های جهانی از افراط‌گرایی خشونت‌طلب
۳۲	آینده این تهدید
۴۲	یک استراتژی جدید جامع برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب
۴۴	۱. تقویت ایستادگی در برابر ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه
۵۲	۲. سرمایه‌گذاری در پیشگیری جامعه محور
۶۳	۳. اثرباع بازار جهانی ایده‌ها
۷۰	۴. تطبیق سیاست‌ها و ارزش‌ها
۷۴	۵. به کارگیری ابزار نظامی و انتظامی
۸۱	سازماندهی حکومت ایالات متحده برای بدل شدن به رهبری کارآمد در مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب

ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط‌زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کوشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌هاست.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیل‌گران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

حسام‌الدین آشنا

سرپرست مرکز بررسی‌های استراتژیک

خلاصه مدیریتی

ایالات متحده در جریان حملات تروریستی ویرانگر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نزدیک به ۳ هزار نفر از شهروندان خود را از دست داد. در آن روز، مسأله‌ای که آرام آرام رو به وخامت گذاشته بود و به ندرت در غرب به آن توجهی صورت گرفته بود، به طرزی قدرت‌مندانه و هراسناک بر صحنه جهانی عرض اندام نمود.

آن حادثه و حوادث پرشمار دیگر باعث شد که تریلیون‌ها دلار به بخش‌های نظامی، سازمان‌های اجرای قانون و جوامع اطلاعاتی تزریق شود. با این حال، معضل افراطگرایی خشونت‌آمیز شدیدتر و فوری‌تر شد. با وجود تلاش‌های بسیار برای خاموش کردن شعله‌های زبانه‌کشیده خشونت، جنبش‌های افراطی قدرتمند جدیدی سربرآوردند. گروه‌های تروریستی در سراسر جهان از فن‌آوری، رسانه‌ها، مساجد و مدارس مذهبی و تبلیغات چهره به چهره برای عرضه ایدئولوژی، توجیه خشونت، و قانع کردن تازه سربازان‌شان به اینکه عظمت و افتخار تنها از مسیر قتل عام غیرنظامیان بی‌گناه میسر است، بهره گرفته‌اند.

اشاعه ایدئولوژی‌های افراطی و حملات تروریستی روزافزون اضطراب و ترس را در جهان حکم‌فرما ساخته است. بر اساس نظرسنجی که از سوی کمیسیون مبارزه با افراطگرایی خشونت‌طلب^۱ صورت گرفته: افراد مایل بودند تا از هر وسیله‌ای برای توقف قتل خونریزی استفاده کنند؛ از اقدام نظامی برای کنترل سفت و سخت‌تر مرزها و اوراق شناسایی اجباری تا نقض حریم خصوصی، و پذیرش محدودیت بر آزادی بیان. گسترش و افزایش قابلیت‌های فزاینده گروه‌های تروریستی، و این احساس که پاسخ دولت‌ها به تهدیدات ناشی از چنین گروه‌هایی کافی نیست، موجب پدید آمدن اختلافات عمیق سیاسی و دامن زدن به حمایت از راه‌حل‌های پوپولیستی شده است.

هیچ راه‌حل ساده‌ای برای این معضل وجود ندارد. نه نیروی نظامی و انتظامی و نه تحریم‌های اقتصادی به‌تنهایی نمی‌توانند جواب‌گو باشند. ما نمی‌توانیم مرزهای خود را ببندیم و امیدوار باشیم که مسأله حل شود. همچنین، ما نمی‌توانیم در مسیر تلاش برای سرکوب افراطگرایی خشونت‌طلب، تعهدمان را به حقوق بشر و آزادی بیان کنار بگذاریم.

از بین بردن جذابیت ایدئولوژی‌های افراطی، نیازمند زمان درازی است، مبارزه‌ای که نسل‌ها به طول خواهد انجامید. ایالات متحده و متحدانش باید با نگرش خصمانه و آخرالزمانی افراط‌گرایان مبارزه کنند با همان میزان از تعهدی که در برخورد با نموده‌ها و نشانه‌های خشونت‌طلبشان به خرج می‌دهند. ما نیاز فوری به استراتژی جامع نوینی برای مواجهه با افراطگرایی خشونت‌طلب داریم، استراتژی که قاطع و مبتنی بر قدرت سخت و نرم باشد و نیز متحدان کلیدی و شرکایمان در دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی را برانگیزاند.

^۱ Commission on Countering Violent Extremism (CVE)

زمان آن برای آمریکا و متحدانش فرا رسیده که از افراط‌گرایی جلوگیری کنند و نسلی کاملاً جدید به کار بگمارند. این مسأله‌ای است که همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همه بخش‌های جامعه باید با یکدیگر برای به زانو درآوردن این بلای جهانی فعالیت کنند. اما هیچ‌کدام به تنهایی از پس این مسأله برنمی‌آیند. ایالات متحده و متحدانش، به‌ویژه در کشورهای با اکثریت مسلمان، و بخش خصوصی نقشی اساسی ایفا می‌کنند که عبارت است از تهیه و تدارک رهنمودها، حمایت سیاسی، تأمین مالی و فراهم آوردن تخصص.

هدف این کمیسیون، طرح‌ریزی و بیان روشن آن چیزی است که دولت آتی ایالات متحده، در همکاری تنگاتنگ با شرکای دولتی و غیردولتی، باید برای کاهش جذابیت ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراطی انجام دهد. این طرح دارای هشت بخش اصلی است:

۱) **تشدید پایداری در برابر ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه:** جامعه بین‌المللی باید مشارکت جهانی جدیدی حول محور اصلاح نظام آموزشی جهت جلوگیری از تعلیم و ترویج ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه در مدارس ایجاد کند. در عین حال، ما باید تلاش‌های خود را برای ارتقای احترام به تنوع مذهبی دو چندان کنیم، ریشه‌های اشاعه عدم مدارا را بخشکانیم و انعطاف‌پذیری جامعه در مقابل قرائت‌های افراط‌گرایانه را تقویت کنیم.

۲) **سرمایه‌گذاری جامعه‌محور:** دولت‌ها باید تلاش‌های جامعه مدنی را در راستای شناسایی و در هم شکستن افراط‌گرایی و توان جذب نیرو از سوی آن‌ها، و بازسازی و اتحاد دوباره کسانی که تسلیم ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه شده‌اند تقویت کنند. جامعه و رهبران مدنی در خط مقدم چالش افراط‌گرایی خشونت‌طلب قرار دارند، بنابراین آنها نیازمند تأمین مالی، حمایت و تشویق بیشتری هستند.

۳) **اشباع بازار جهانی از ایده‌ها:** شرکت‌های فن‌آوری، صنعت سرگرمی، رهبران جوامع، نمایندگان مذهبی و سایرین باید به‌طور نظام‌مندتری برای رقابت و پیشی جستن از قرائت‌های افراط‌گرایان وارد میدان شوند. این وظیفه همه شهروندان است که هر جایی که موقعیتش را پیدا کردند، با ایده‌های افراط‌گرایان مقابله کنند.

۴) **هماهنگی سیاست‌ها و ارزش‌ها:** ایالات متحده باید حقوق بشر را در مرکز مبارزه با افراط‌گرایی خشونت‌طلب قرار دهد، اطمینان حاصل کند که تعاملاتش با بازیگران داخلی و خارجی، حاکمیت قانون، کرامت انسانی و پاسخگویی را ارتقا می‌بخشد. به‌ویژه، ایالات متحده باید کمک‌ها و مساعدت‌های امنیتی خود به شرکای خارجی‌اش را بررسی کند تا اطمینان یابد که آنها به شیوه‌هایی عادلانه و پایدار مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۵) **به کار گرفتن ابزارهای نظامی و اجرای قانون:** جامعه بین‌الملل نیازمند ایجاد یک ظرفیت نظامی و موازنه جدید به منظور بیرون راندن سریع گروه‌های تروریستی که یک قلمرو سرزمینی را کنترل می‌کنند، دفع

و مقابله با تهدیدات فوری، برهم زدن طرح‌هایی که افراط‌گرایان خشونت طلب برای افزایش قدرت‌شان در سر می‌پروراند، و محافظت از امنیت ما و امنیت متحدان و شرکای ما هستند.

۶) فعال کردن نقش رهبری کاخ سفید: دولت آتی باید ساختار سازمانی جدیدی را ایجاد کند که در رأس آن یکی از دستیاران رئیس‌جمهور در کاخ سفید قرار بگیرد، به این جهت که بر کلیه تلاش‌های مربوط به کمیسیون مبارزه با افراط‌گرایی خشونت طلب نظارت کند، سمت و سوی روشنی به آن بدهد و در مقابل نتایج آن را پاسخگو نماید. این کمیسیون دریافته است که رهبری اجرایی قدرتمند و استوار برای ارتقا و هماهنگی تلاش‌های داخلی و بین‌المللی مبارزه با افراط‌گرایی خشونت طلب ضروری است.

۷) گسترش مدل‌های کمیسیون مبارزه با افراط‌گرایی خشونت طلب: ایالات متحده و متحدان و شرکای اش به فوریت نیاز به گسترش زیست‌بوم^۲ مبارزه با افراط‌گرایی خشونت طلب، ایجاد خط‌مشی‌های منعطف برای تأمین مالی، اجرا و تکرار تلاش‌های موفق برای مقابله با ایدئولوژی‌ها، روایت‌ها و مظاهر افراط‌گرایی خشونت طلب دارند.

۸) تأمین مالی فزاینده: ایالات متحده باید تعهد خود را به مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب از طریق التزام به اختصاص بودجه سالانه یک میلیارد دلاری به تلاش‌های داخلی و بین‌المللی کمیسیون مبارزه با افراط‌گرایی خشونت طلب نشان دهد. این منابع به‌عنوان کاتالیزوری برای تسریع سرمایه‌گذاری سایر کشورها، بخش خصوصی و سازمان‌های بشردوستانه، عمل خواهد کرد.

ما می‌توانیم روند و خط‌سیر این تهدیدات را تغییر دهیم. انجام چنین کاری مستلزم چیدن تمامی این قطعات در یک استراتژی جامع و سرمایه‌گذاری در برنامه‌های کمیسیون مبارزه با افراط‌گرایی خشونت طلب، مشارکت و سیاست‌گذاری در مقیاس کلان و در طول دهه آتی یا بیشتر است.

یادداشت رؤسای کمیسیون

ما در سرتاسر حیات کاری خود، شاهد انهدام و ویرانی‌های بسیاری بوده‌ایم که افراط‌گرایی خشونت طلب به بار آورده است. هزینه‌های این خشونت تنها به خسارات جانی محدود نمی‌شود، بلکه خسارات سنگین دیگری هم با خود دارد و حس امنیت، انسجام اجتماعی و هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی ما را سلب نموده است. از زمان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تلاش‌های پردامنه‌ای برای مقابله با تروریسم صورت گرفته که در زمینه جلوگیری از یک حمله بزرگ و پیچیده دیگر در خاک ایالات متحده، تا حد زیادی کارآمد و مؤثر بوده‌اند. با وجود این، گروه‌های تروریستی همچنان در گوشه و کنار جهان عرض اندام می‌کنند، رشد و گسترش می‌یابند و خطر گمراه ساختن یک نسل کامل از جوانان مسلمانان و ایجاد بی‌ثباتی در هر کشوری در جهان را همراه دارند.

^۲ ecosystem

رویکردهای کنونی برای مقابله با این تهدید فزاینده کافی نیستند. ما بی‌درنگ نیازمند یک پارادایم جدید هستیم، پارادایمی که افراطگرایی خشونت طلب را به‌عنوان چالشی جهانی و نسلی به رسمیت بشناسیم و از تمام ابزار موجود برای شکست آن استفاده کنیم. در این نبرد، راه‌کارهای نظامی و اجرای قانون ضروری هستند. ما کماکان نیازمند آن هستیم که تروریست‌ها را در میدان نبرد شکست دهیم، طرح و برنامه‌های ایشان را خنثی سازیم و از مرزهایمان مراقبت کنیم. اما تا وقتی ایدئولوژی‌های آن‌ها را شکست نداده‌ایم، هرگز نخواهیم توانست بر خشونت ناشی از این گروه‌ها غلبه کنیم.

ما باید ذات و ماهیت دشمن را خوب بشناسیم. این کمیسیون بر سازمان‌های تروریستی متمرکز شده که مدعی هستند دین اسلام منشاء الهام و انگیزه آن‌ها است و اسلام اهداف شرورانه آن‌ها را توجیه می‌کند. از آنجا که آنها اسلام را تحریف می‌کنند و مسلمانان را هم به‌عنوان نیروهای تحت امرشان و هم به‌منزله قربانی مورد هدف قرار می‌دهند، چهره این دین صلح طلب و رحمانی را مورد حمله قرار داده‌اند. این تهدیدی ایدئولوژیک است که پاسخی جسورانه و قاطع از جانب غرب و متحدان غربی ما را می‌طلبد. ما برای تشدید مبارزه و مقابله با قرائت‌های افراط‌گرایانه نیازمند جامعه مدنی و بخش خصوصی هستیم. ایالات متحده باید رهبری مبارزه را برعهده داشته باشد، اما نمی‌تواند به تنهایی در برابر این چالش قرار بگیرد.

ما در یک نقطه عطف قرار داریم. تداوم مقابله گاه و بی‌گاه با ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه که دستاوردی نازل دارد، تضمین می‌کند که حملات تروریستی – و خونریزی‌های مربوط به آن – برای مدت نامعلومی ادامه می‌یابند. ایالات متحده و متحدان آن برای غلبه بر مصیبت افراط‌گرایی خشونت طلب، نیازمند یک استراتژی جدید جامع هستند که اهمیت و اعتبار داشته باشد، قادر باشد اتحادهای درستی شکل دهد و بتواند راهنما و رهنمودی عملی برای سیاست‌گذاران باشد. این گزارش به ارائه یک استراتژی از این دست می‌پردازد تا ملت‌ها، آیین‌ها و فرهنگ‌ها بتوانند در صلح و آرامش کنار یکدیگر به‌سر برند و شهروندان ما بتوانند فارغ از ترس تروریسم زندگی کنند، ترسی که جان بیگناهان زیادی را گرفته است.

هدف و فرآیند

در پاییز ۲۰۱۵، جان هارمر^۲، رییس و مدیر اجرایی مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی^۴، از ما درخواست نمود ریاست کمیسیونی را برعهده بگیریم که برای دولت بعدی ایالات متحده به تهیه و تدوین یک استراتژی مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب می‌پرداخت.

^۲ John Hamre

^۴ CSIS, Center for Strategic and International Studies

اندیشکده مستقر در واشینگتن، دی.سی. در ایالات متحده آمریکا است. این مرکز در خصوص مسائل سیاست، اقتصاد و امنیت بین‌الملل در سراسر جهان با تمرکز بر روابط بین‌الملل، تجارت، فناوری، دانش مالی، انرژی و ژئواستراتژی فعالیت می‌کند.

این کمیسیون متشکل از هر دو حزب است که شانون گرین^۵، عضو ارشد و مدیر ابتکار عمل حقوق بشر مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، مدیریت آن به عهده دارد و ۲۳ تن از مدیران بخش عمومی - خصوصی - شرکت‌های فناوری، جامعه مدنی، جوامع دینی و دانشگاهیان اعضای آن را شامل می‌شدند. خوان زاراته^۶ و فرح پاندیت^۷ در کانون این تلاش بودند. آن‌ها در مقام مشاوران و نمایندگان ویژه خدمت می‌کردند، تجربه بی‌نظیر، دانش تاریخی، انرژی و شور و حرارت خود را در خدمت شکل‌دهی به تحلیل و رهنمودهای کمیته گذاشتند.

این کمیسیون از زمان شروع به کار علنی خود در فوریه ۲۰۱۶، در ماه‌های فوریه، ژوئن، سپتامبر و نوامبر در واشنگتن دی. سی، ماه مارس در نیویورک و ماه آوریل در سیلیکون ولی^۸، شش مرتبه تشکیل جلسه داده و با بیش از صدها کارشناس و وکیل در سرتاسر ایالات متحده، اروپا، جنوب آسیا، شرق آسیا، آفریقا، جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه مشورت و تبادل نظر کرده است. پژوهش گسترده و مطالعه‌ای که در چین، مصر، فرانسه، هند، اندونزی، ترکیه، بریتانیا و ایالات متحده انجام شد، بر غنای این مشاوره‌ها و تبادل نظرها افزود و آن‌ها را تحکیم کرد.

ما بی‌درنگ نیازمند یک پارادایم جدید هستیم، پارادایمی که افراطگرایی خشونت‌طلب را به عنوان چالشی جهانی و نسلی به رسمیت بشناسیم و از تمام ابزار موجود برای شکست آن استفاده کنیم.

گزارش حاصل از این فرایند، طرحی کلی در اختیار دولت بعدی می‌گذارد که چگونه به نحوی کارآمد با آفت افراطگرایی خشونت‌طلب در داخل ایالات متحده و فراسوی مرزهای آن مبارزه کند. ما تلاش کردیم که برای رئیس‌جمهور جدید، مسیری روشنی برای آینده ترسیم کنیم، شیوه‌ای برای فائق آمدن بر اختلافات عمیقی که برای تلاش‌ها در مبارزه با افراطگرایی خشونت‌طلب، ایجاد مزاحمت کرده بود. این گزارش پس از تشخیص چالش، به طرح خطوط کلی یک استراتژی جامع می‌پردازد و سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در قدرت نرم را با تلاش‌های بی‌وقفه ارتش و مجریان قانون تلفیق می‌کند. گزارش حاضر برای اجرای این استراتژی، خواهان درهم آمیختن منابع، رهبری محکم و قاطع ایالات متحده و گسترش مشارکت عمومی - خصوصی برای افزایش تدریجی مداخلات برای مقابله با افراطگرایی خشونت‌طلب می‌شود. همه اعضای کمیسیون با تمام رهنمودهای این گزارش موافق نیستند. گرچه، در مجموع این سند بازتاب اجماع نظر درباره این چالش پیش‌روی ما و بهترین راه مبارزه با آن است.

^۵ Shannon N. Green

^۶ Juan Zarate

^۷ Farah Pandith

^۸ Silicon Valley

با اینکه حکومت ایالات متحده، مخاطب اصلی این گزارش است، حکومت‌های دیگر، بخش خصوصی و جامعه مدنی هم خطاب قرار می‌گیرند. امید قلبی ما این است که این گزارش به سیاست‌ها و برنامه‌های کارآمدتر و قاطعانه‌تر برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب منتهی و نهایتاً مانع حملات تروریستی آینده شده و ابزار لازم برای پس راندن فریاد اغواگر افراطگرایی را در اختیار افراد و جوامع بگذارد.

تونی بلر

نخست‌وزیر پیشین بریتانیا

لئون پانه‌تا

رییس پیشین آژانس مرکزی اطلاعات
و وزیر دفاع پیشین ایالات متحده

مقدمه

پانزده سال پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، افراط‌گرایی خشونت‌طلب گسترش روزافزونی یافته، در میان نسل جدید حامیانی پیدا کرده و اکنون بیش از پیش بر جهان سایه گسترانده است.^۱ در تمامی اطراف و اکناف از آفریقا تا اروپا، قفقاز تا شرق آسیا، شمال تا جنوب آمریکا، تهدید افراط‌گرایی خشونت‌طلب در فضاهای واقعی و مجازی در حال رشد و گسترش است و هزاران نیروی تازه نفس را اغوا نموده و همدلی بسیاری را برانگیخته است.

مرکز دین و ژئوپلیتیک^۲ تنها در یک روز از ماه فوریه ۲۰۱۶، حوادث تروریستی در سوریه، بمب‌گذاری‌های انتحاری در کامرون، بمب‌های جاده‌ای در سومالی، تخریب یک مدرسه دخترانه از سوی طالبان در پاکستان، گردن‌زنی روحانی هندو در بنگلادش، دستگیری مظنونان تروریستی در اندونزی، گردن‌زنی‌های جاسوسان در مصر به دست دولت اسلامی (داعش)، عملیات علیه الشباب در کنیا، نگرانی‌ها از خشونت مرتبط با القاعده در مالی و بورکینافاسو، دستگیری‌های روسیه در ارتباط با تروریسم و تحرکات برای مقابله با افراط‌گرایی و تثبیت صلح در فیلیپین را گزارش کرد.

تبعات افراط‌گرایی خشونت‌طلب وخیم و دامنه‌دار هستند. گسترش ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه بر وخامت بحران‌های انسانی، آزار و اذیت مدافعان حقوق بشر، تخریب بناهای تاریخی و فرهنگی مهم، تهدیدهای متوجه کثرت‌گرایی مذهبی، نابودی دستاوردهای آموزشی و توسعه، بر دامنه ترس و ناامنی در جوامع افزوده است. بحران فاجعه‌بار پناهندگان و مهاجرانی که امروز شاهد آن هستیم و به رقم بی‌سابقه ۶۵ میلیون نفر آواره منتهی شده، عمدتاً از خشونت دولتی همراه با ظهور داعش در سوریه و عراق ناشی شده است. افراط‌گرایی خشونت‌طلب حتی در حال تغییر چشم‌انداز سیاسی و زدودن مرزهای ملی بوده و با انجام این کار، مشغول محو آثار و نشانه‌های مردم، تاریخ و فرهنگ‌هایی شده که جهان‌بینی آنان را تهدید می‌کنند.^۳

ماهیت تهدید

یکی از معضلات سیاسی مهم فراروی مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب، این مسأله بوده که تهدید پیش‌روی خود را چه خطاب کنیم. برخی با هیاهوی بسیار از اصطلاحاتی چون «افراط‌گرایی اسلامی رادیکال»

^۱ Tony Blair, former prime minister of the United Kingdom (remarks at “CSIS Commission on Violent Extremism,” CSIS, Washington, DC, February ۲۳, ۲۰۱۶, <https://www.csis.org/events/csis-commission-countering-violent-extremism>.

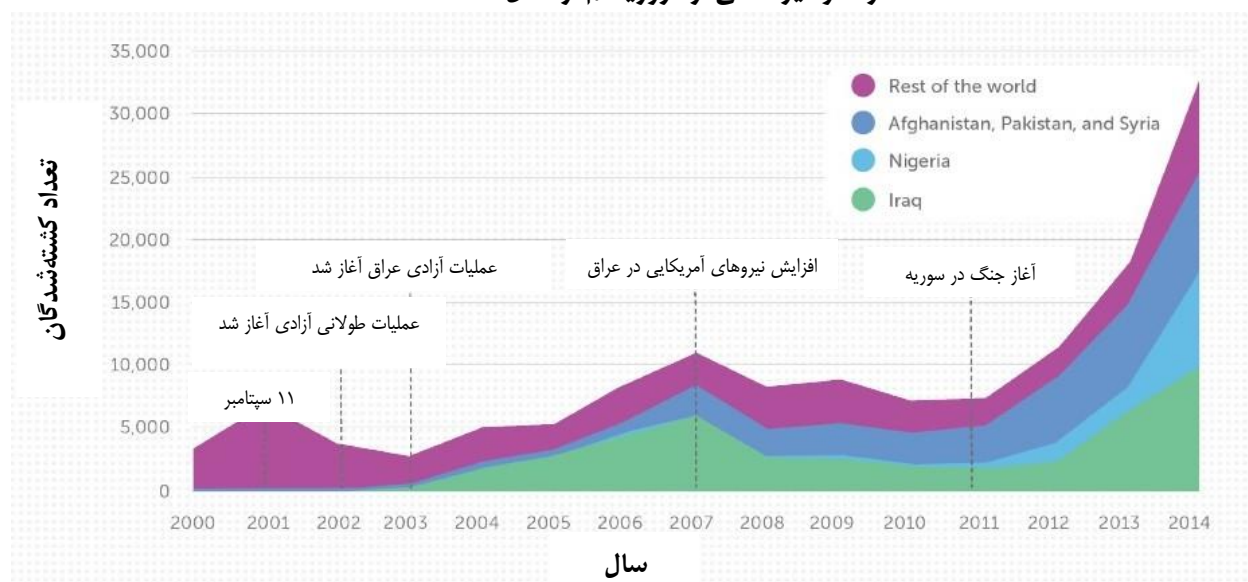
^۲ Center for Religion and Geopolitics

^۳ Farah Pandith and Juan Zarate, “Winning the War of Ideas,” in Global Forecast ۲۰۱۶, ed. Craig Cohen and Melissa Dalton (Washington, DC: CSIS, ۲۰۱۵), http://csis-prod.s3.amazonaws.com/srfs-public/legacy_files/files/publication/۱۵۱۱۱۶_Cohen_GlobalForecast۲۰۱۶_Web.pdf.

برای توصیف این پدیده و ارتباط آن با اسلام، استفاده می‌کنند. برخی دیگر با همان شور و حرارت می‌گویند، واژگانی که از اصطلاحات اسلامی استفاده می‌کند، شدیداً دزدساز است، زیرا باعث سردرگمی می‌شوند؛ باعث بیزاری و بی‌تفاوتی شرکا و متحدان مهم می‌شوند؛ مفاهیم پیچیده مذهبی را به تداعی محدود و عموماً منفی از خشونت تقلیل می‌دهند؛ و به ادعای مشروعیت تروریست‌ها کمک می‌کنند.

این کمیسیون برای تعیین اینکه در طول گزارش، چه ادبیات و اصطلاحاتی مورد استفاده قرار بگیرد، از سه اصل پیروی کرد: (۱) باید ذات و ماهیت دشمن و ایدئولوژی‌های پیش‌روی ما در داخل و خارج، صریح و روشن باشد؛ (۲) باید مطلوب نظر شرکایی باشد که در پیشبرد اهداف معمول ما راهگشا و مؤثر هستند؛ و (۳) باید مطمئن شویم که قرائت‌های مطرح شده از جانب دشمنان و مخالفان ما را تقویت نمی‌کنند.

مرگ و میر ناشی از تروریسم از سال ۲۰۰۱



اصطلاح «افراط‌گرایانه» را به کار بردیم. گرچه در بین این گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب تفاوت‌های زیادی وجود دارد، همگی آن‌ها این ویژگی‌ها و خصایص را دارند:

- تمایل به استفاده از زور و خشونت برای بازگرداندن جامعه به «شکل نابی» از اسلام و ایجاد تلقی خود از یک اجتماع جهانی ایده‌آل؛
- «کافر» خواندن مسلمانانی که بینشی مشابه با آن‌ها ندارند و محکوم ساختن آنان به شکنجه یا مرگ؛
- تفسیر به مطلوب از متون، آموزه‌ها و سنت‌های اسلامی برای توجیه دیدگاه‌های‌شان و حمایت از قرائت‌های آنان؛ و
- استفاده گزینشی از الهیات اسلامی برای مشروعیت بخشیدن به خشونت و متقاعد ساختن «مؤمنان راستین» برای هدف قرار دادن حکومت‌های خود، قدرت‌های غربی و حتی شهروندان.

افراطگرایی خشونت طلب حتی در حال تغییر چشم انداز سیاسی و زدودن مرزهای ملی هستند و با انجام این کار، مشغول محو آثار و نشانه‌های مردم، تاریخ و فرهنگ‌هایی شده که جهان بینی آنان را تهدید می‌کنند.

این کمیسیون تحلیل و رهنمودهای خود را بر این شکل از افراطگرایی خشونت طلب متمرکز ساخته که جدی‌ترین و مستقیم‌ترین تهدید امنیت ملی و فراملی را متوجه ایالات متحده، متحدان آن و جوامع سرتاسر جهان می‌کند. گروه‌هایی مانند القاعده، داعش، بوکو حرام، طالبان و دیگران جاه طلبی‌های منحصر به فرد خود را دارند: به دنبال این هستند که مرزها را دوباره ترسیم نمایند؛ هویت و باورهای مسلمانان در گوشه و کنار جهان را تعریف کنند؛ و رفتارهایی نفرت‌انگیز مانند برده‌داری، تجاوز و خشونت بی‌جهت علیه شهروندان را بدل به امری عادی کنند. افراط‌گرایان خشونت طلب، در تعقیب این اهداف، مشخصاً مسلمانان را هدف می‌گیرند تا آن‌ها را به صفوف خود جذب کرده و برای برافروختن نزاع و درگیری در سراسر جهان تحریک‌شان می‌کنند. این کمیسیون توجه داشت که سازمان‌های تروریستی در خلاء فعالیت نمی‌کنند، بلکه از گروه‌های افراط‌گرای دیگر، چه راست‌گرا و چه چپ‌گرا، قدرت و شتاب می‌گیرند. بنابراین، گرچه این گزارش بر افراط‌گرایان خشونت طلبی تمرکز می‌کند که خود را نماینده اسلام معرفی کرده یا از آن الهام می‌گیرند، رهنمودهای همه‌جانبه‌تری برای پرداختن به عدم تساهل و نفرت فزاینده هم ارائه می‌نماید.

ریشه‌های ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه

جهان‌بینی افراط‌گرایان مدرن ناگهان از ناکجا آباد سر بر نیاورده، بلکه دهه‌ها است که سنجیده و حساب شده پرورش و گسترش یافته است. همان‌طور که در طول قرن بیستم، بسیاری از دولت‌های عرب و دارای اکثریت مسلمان به دیکتاتوری‌های سکولار نظامی تبدیل شدند، نهضت‌های اجتماعی مختلف نیز برای تعریف رابطه اسلام با دولت به رقابت برخاستند. این مسأله، ظهور ایدئولوژی‌های مذهبی اسلامی را که برای راهنمایی و دلگرمی به مؤمن در چارچوب ساده‌سازی دستورات دینی و در قالبی شدیداً شورانگیز و پرکشش طراحی شده بودند، شتاب بخشید.

در اوایل کار، تشکیلات و مقامات مذهبی در تلاش برای ارائه طرحی کلی برای تغییر اجتماعی-سیاسی، نقش محوری ایفا کردند. روحانیونی مانند محمد عبده^۱، محمد رشید رضا^۱ و سید جمال‌الدین اسدآبادی^۲

^۱ شیخ محمد عبده، فقیه، حقوقدان و اصلاح‌گر دینی مصری و به روایت طرفدارانش از اندیشمندان مسلمان و از پیشگامان نواندیشی دینی در دنیای اسلام است. در مورد سیاست و حکومت، وی معتقد بود که مردم هر کشور بایستی آزاد باشند تا باتوجه به تاریخ و شرایط روزمره جامعه خود نوع و روش حکومت خود را تعیین کنند. او معتقد بود که مسلمانان نمی‌توانند فقط متکی به منابع نوشته شده توسط روحانیان رسمی باشند و بایستی برای بهبود شرایط روزمره و زمان خود، به عقل و منطق توسل جویند. او بیان می‌داشت که اسلام مردم را تشویق به تفکر می‌نماید و تقلید کورکورانه را از سنت جدا می‌دانست. به گفته او بزرگ‌ترین دارایی‌های مذهب، استقلال اراده و استقلال فکر و عقیده است. او معتقد بود که رشد تمدن غرب در اروپا بر این دو اصل استوار بود.

درصدد بازتعریف رسالت اسلام در جهان مدرن برآمدند. این متفکران اساساً در چارچوب اصلاح مذهبی و فکری می‌اندیشیدند و مشغول سازماندهی مقاومت نشدند. فراخوان آن‌ها برای دست بردن به اسلحه، نه جهاد بلکه *اجتهاد* بود، تفسیری مستقیم از کتاب آسمانی با هدف رهایی مسلمانان مدرن از قید پیش‌انگاره‌های قرون وسطایی که عامل عقب ماندگی مسلمانان تلقی می‌شدند. با این حال، ناکامی آنها، هم نظری و هم عملی، خیلی زود با غافلگیری از ظهور نهضت‌های اسلامی مانند اخوان المسلمین، جماعت اسلامی و حزب التحریر توأم بود. این نهضت‌ها با اینکه اصلاحات را کاملاً کنار نگذاشتند، اولویت اصلی خود را کسب قدرت قرار دادند. آن‌ها سوءاستفاده دولت‌های مسلمان از قدرت را منشاء مشکل تصور کرده و درصدد ایجاد تغییر در خارج از نظام بودند و در صورت لزوم، از توسل به زور هم ابایی نداشتند.

اعضای کمیسیون درباره رابطه بین سازمان‌های افراط‌گرای خشونت طلب امروزی و این نهضت‌های اسلامی قدیمی، نقطه‌نظرات متفاوتی داشتند. برخی از اعضای کمیسیون بین اخوان المسلمین و دارودسته‌اش، پیوندی مستقیم قائل شده و می‌گویند که گروه‌های تروریستی معاصر مانند داعش، القاعده، بوکو حرام و دیگران، پیامد طبیعی و محصول برنامه سیاسی و جهان‌بینی نامتساهل آنان هستند. به باور آنها، نمی‌توان ایدئولوژی مورد حمایت این گروه‌ها و خشونت را از هم تفکیک کرد. خشونت در این باور اصلی افراط‌گرایان ریشه دارد که همه‌چیز باید تابع ایدئولوژی آن‌ها باشد و آن‌هایی که به چنین ایدئولوژی پای‌بند نیستند، گمراه‌اند و باید به زور مجبور به پذیرش آن شوند. برای مثال، گروگان‌گیری دختران از سوی بوکو حرام ریشه در این باور بسیار رایج دارد که زنان باید تابع مردان باشند. ایده اینکه کاریکاتورست‌ها باید کشته شوند، در این باور ریشه دارد که کسانی که این کارتون‌ها را چاپ می‌کنند، مرتکب عملی سزاوار مجازات شده‌اند. یکی از پژوهش‌های اخیر به این پیوند می‌پردازد. در بررسی که پیرامون زندگی صد تروریست برجسته انجام شد، بیش از نیمی از آن‌ها، پیش از پیوستن به نهضت‌های خشونت طلب با گروه‌های افراط‌گرای غیرخشونت طلب ارتباط داشته‌اند.^۳ در این پرتو، نادیده انگاشتن ارتباط نزدیک بین ایدئولوژی و خشونت، یک خطای استراتژیک بزرگ است.

^۱ محمد رشید رضا، از اصلاح‌طلبان اولیه اسلام‌گرایی سلفی بود که اندیشه‌هایش بر اسلام‌گرایان سده بیستم مؤثر بود و بر فلسفه سیاسی ایجاد دوباره خلافت اسلامی تأثیر گذاشت. دیدگاه‌های سیاسی رشید رضا در مقایسه با امثال سید جمال‌الدین اسدآبادی و حتی کوکبی از جایگاه خاصی برخوردار نیست و به تنهایی نتوانست جنبشی ایجاد کند، اما با این وجود نوشته‌هایش بر اندیشه افرادی چون بنا بنیان‌گذار اخوان المسلمین تأثیرگذار بوده است. همچنین عقایدش درباره خلافت و بازگشت آن به اعراب حس ملی‌گرایی اعراب را تقویت کرد، در واقع او بیش از پرداختن به مشکلات جهان اسلام به مسائل کشورهای عربی پرداخت.

^۲ او با نام‌های جمال‌الدین افغانی و سید محمد بن صفدر الحسین نیز نام برده می‌شود. اندیشمند سیاسی و مبلغ اندیشه اتحاد اسلام بود. وی همچنین از اولین نظریه پردازان بنیادگرایی اسلامی محسوب می‌شود. سید جمال‌الدین اسدآبادی اولین متفکر مدرن و فعال اجتماعی بود که نسبت به بیماری‌های اجتماعی جوامع مسلمان و ضعف‌های موجود در آن هشدار داد؛ و در مقابل قدرت‌های غربی، اسلام‌گرایی را تبلیغ نمود. تأثیر او بر کشورهای اسلامی، مخصوصاً ایران و مصر شایان توجه است.

^۳ Mubaraz Ahmed, Milo Comerford, and Emman El-Badawy, "Milestones to Militancy" (Tony Blair Faith Foundation, Centre on Religion and Geopolitics, April ۲۰۱۶),

دیگران معتقدند هرچند که خشونت همواره نقش مهمی در برنامه‌های نهضت‌های اسلامی اولیه ایفا نموده است، اما اعمال خشونت، به واسطه این واقعیت که آنها خواستار کسب مقبولیت عمومی در سطح جامعه بودند، محدود می‌شد. بر مبنای این دیدگاه، افراطگرایی خشونت طلب از شریانی کاملاً متمایز از کنش‌گرایی مسلمانان نشأت می‌گیرد. این افراطگرایی کار خود را با محکومیت گسترده نه تنها حکومت‌های دارای اکثریت مسلمان، بلکه کل جوامع اسلامی آغاز می‌کند. محوریت تکفیر در این ایدئولوژی را می‌توان در نام یکی از اولین نمایندگان این گروه‌ها دید: سازمان *التکفیر و الهجره*^۱ (تکفیر و هجرت از جامعه اسلامی مدرن). به گفته پروفیسور شِرمَن جکسون^۲، پژوهشگر نامدار اندیشه و فرهنگ اسلامی و یکی از اعضای کمیسیون، این نخستین گام برای توجیه خشونت‌آمیزترین و غیرانسانی‌ترین برخورد با دشمنان در مقام مرتدانی که به دین خیانت می‌کنند- است. همچنین بر دیدگاه این گروه‌ها مبنی بر اینکه تنها نمایندگان راستین اسلام هستند هم صحنه می‌گذارد، دیدگاهی که به نیروهای بالقوه جدید که اغلب تشنه آمرزش، حس تعلق یا هویت هستند، القا می‌شود. بر مبنای این منطق، مخالفت با این گروه‌ها، مخالفت با اسلام نشان داده می‌شود؛ و عدم مخالفت با غرب نیز به منزله مخالفت با این گروه‌ها است. برخلاف تشکیلات مذهبی و نهضت‌های اسلامی قدیمی که، دست‌کم در نظر، شریعت را در خدمت جامعه تلقی می‌کردند، افراطگرایی خشونت طلب معاصر، تمایل دارد که شریعت را اقدامی تنبیهی علیه جامعه تصور کنند. به زعم این دسته از اعضای کمیسیون، فعالیت افراط‌گرایان خشونت طلب برای کسب قدرت سیاسی آشکارا با مشغله‌های نهضت‌های قدیمی‌تر تفاوت دارد، زیرا در برابر جامعه هیچ گونه حس مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی ندارند. از این شریان است که گروه‌های تازه‌تری مانند القاعده و داعش پدید می‌آیند (هم از نظر ایدئولوژی و هم نیروی واقعی).

علی‌رغم این اختلاف نظرات، تمامی اعضای کمیسیون هم‌عقیده‌اند که افراطگرایی خشونت طلب، آن‌گونه که اکنون مشاهده می‌کنیم، در کوره مباحثات و مناظرات ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک نیمه دوم قرن بیستم شکل گرفته است. حمایت سعودی‌ها از افراطگرایی در دهه ۱۹۶۰، به عنوان تلاشی در راستای مقابله با ناسیونالیسم عربی به پرچمداری جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، آغاز شد. موفقیت ظاهری این

<http://tonyblairfaithfoundation.org/sites/default/files/Milestones-to-Militancy.pdf>.

^۱ التکفیر و الجهاد عنوانی است که برای سازمان تندرو جماعت المسلمین بکار می‌رود. این سازمان توسط شکر مصطفی در دهه ۶۰ میلادی در مصر بنیانگذارده شد. این سازمان منشعب از اخوان المسلمین است.

^۲ Sherman Jackson

استراتژی در کمک به مهار ناصرگرایی^۱ به بخش‌هایی از نخبگان حکومت سعودی میدان داد که با تبلیغ ایده‌های افراط‌گرایانه، معتقدند بودند که می‌توانند این موجود سرکش را کنترل نمایند.^۲ با این حال، حتی سعودی‌ها هم از تأثیرات مرگبار افراط‌گرایی خشونت‌طلب در امان نیستند. در نوامبر ۱۹۷۹، گروه‌های شبه‌نظامی به رهبری جهیمان العتیبی، واعظ تندروی سعودی، مسجدالحرام در مکه را به تصرف خود در آورده و ظهور مهدی موعود یا منجی را اعلام کردند. بحران گروگان‌گیری گسترده و طولانی مدتی پیش آمد. «تصرف مکه» منادی حوادث وحشناک در راه بود.^۳ تقاضای شبه‌نظامیان، سرنگونی خانواده سلطنتی، توقف صادرات نفت به غرب و اجرای تفسیری افراطی از شریعت بود که از تقاضاهای ۱۵ سال پیش بن‌لادن حکایت می‌کرد. با این حال، بعد از این حمله، عربستان سعودی به جای تغییر رویه، حمایت خود از افراط‌گرایی را مضاعف کرده و شاید احساس می‌کرد که برای نشان دادن مشروعیت مذهبی خود مجبور به انجام این کار است.^۴

اوایل همان سال، انقلابی به رهبری جوانان در ایران، رژیم از روحانیون را با ایدئولوژی فراملی به قدرت رساند و هژمونی تصور شده عربستان سعودی بر مذهب و جریان‌ات مذهبی را در خطر تضعیف قرار داد.^۵ استراتژی تهران برای صدور انقلاب از طریق گروه‌های شبه‌نظامی خود، مشخصاً حزب‌الله، باعث تشدید جنگ نیابتی خطرناک بین گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب رقیب شد.

تهاجم شوروی به افغانستان در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹، مسیر تاریخ را تغییر داد. اگر افغانستان را گورستان امپراتوری‌ها^۶ بدانیم، در عین حال عرصه را برای نسل جدیدی از افراط‌گرایان خشونت‌طلب نیز فراهم ساخته است. ایالات متحده و عربستان سعودی که مشتاق بودند کمونیسم را مهار نمایند، سلاح، پول و کمک نظامی خود را در اختیار جنگجویان افغان و خارجی گذاشتند که از گوشه و کنار جهان به افغانستان رفته بودند. این شبه نظامیان، نیروهای شوروی را زمین‌گیر کرده و شاید پایان جنگ سرد را سرعت بخشیدند، اما موفقیت آنان باعث ظهور یک نهضت افراط‌گرای خشونت‌طلب دشمن عربستان سعودی و قدرت‌های غربی شد.

^۱ Nasserism

یک ایدئولوژی ملی‌گرایانه سوسیالیستی عربی که از شعارهای ناصر الهام گرفته است: آزادی، سوسیالیسم و یگانگی سرزمین‌های عرب.

^۲ Zalmay Khalilzad, "We Misled You": How the Saudis Are Coming Clean on Funding Terrorism," Politico, September ۱۴, ۲۰۱۶, <http://www.politico.com/magazine/story/۲۰۱۶/۰۹/saudi-arabia-terrorism-funding-۲۱۴۲۴۱>.

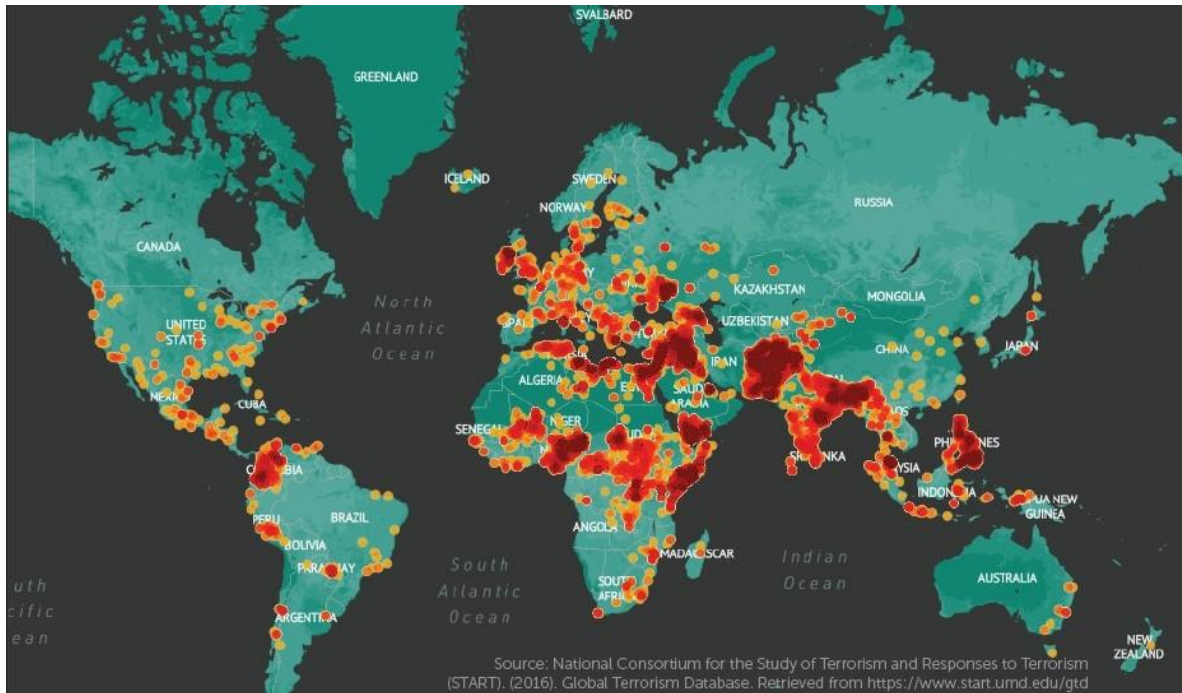
^۳ Yaroslav Trofimov, The Siege of Mecca: The Forgotten Uprising in Islam's Holiest Shrine and the Birth of Al Qaeda (New York: Doubleday, ۲۰۰۷).

^۴ Peter Mandaville, Global Political Islam (New York: Routledge, ۲۰۰۷).

^۵ Gilles Kepel, Jihad: The Trail of Political Islam, trans. Anthony F. Roberts (Cambridge: Belknap Press of Harvard University Press, ۲۰۰۲).

^۶ برخی از مورخان، افغانستان را «گورستان امپراتوری‌ها» دانسته‌اند. این اصطلاح از این باور ناشی می‌شود که هر امپراتوری که افغانستان را اشغال نموده، سرانجام از بین رفته است. شاید بارزترین مثال برای این باور، سقوط امپراتوری شوروی باشد.

حملات تروریستی جهانی از سال ۲۰۱۲



به دنبال عقب‌نشینی نیروهای شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹، یک شبکه تروریستی جهانی به وجود آمد. القاعده تحت رهبری اسامه بن‌لادن، مأمون و پناهگاه شبه‌نظامیان آبدیده نبرد و شدیداً با انگیزه افغانستان شد. القاعده مظهر گونه‌ای جدید از تروریسم شد: فراملی، دارای بودجه بالا، زبردست در ماهیت نمایشی تاکتیک‌های تروریستی و تمرکز بیشتر بر «دشمن دور»^۱ تا خودکامگان عرب. بمب‌گذاری سال ۱۹۹۲ در عدن، بمب‌گذاری سال ۱۹۹۳ مرکز تجارت جهانی، بمب‌گذاری سال ۱۹۹۸ سفارت ایالات متحده در نایروبی و دارالسلام، حمله سال ۲۰۰۰ به کشتی یو.اس.اس کول همگی پیش درآمد تراژدی ۱۱ سپتامبر بودند.^۲

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و پس از آن

در بیشتر قرن بیستم، گسترش ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه عمدتاً بدون مخالفت غرب ادامه پیدا کرد. حملات تروریستی مرگ‌بار ۱۱ سپتامبر خطر را به درون ایالات متحده کشاند و باعث پاسخی شد که شدیداً بر اقدامات دفاعی و اطلاعاتی و تمهیدات نظامی و انتظامی مبتنی بود. هدف از این تمهیدات، خنثی کردن فرصت‌های در تیررس تروریست‌ها برای طرح‌ریزی و اجرای حملات پیچیده به خاک آمریکا بوده است، از جمله: تحکیم و توسعه موانع فیزیکی پیرامون محل‌های حساس و زیرساخت‌های حیاتی؛ بهبود رویه‌ها و تجهیزات امنیتی، بررسی‌های هویتی و بازرسی اثاثیه در فرودگاه‌ها؛ افزایش فرایندهای شناسایی و بازرسی برای محموله‌های ورودی به ایالات متحده از راه بندرگاه‌ها، مرزهای زمینی و تأسیسات پستی؛ تقویت

^۱ far enemy

^۲ Lawrence Wright, *The Looming Tower: Al-Qaeda and the Road to ۹/۱۱* (New York: Alfred A. Knopf, ۲۰۰۶).

ظرفیت‌های تحقیق و پیگرد قانونی پرونده‌های مرتبط با تروریسم؛ شدیدتر کردن کنترل‌ها بر افرادی که وارد ایالات متحده می‌شوند؛ و تربیت پرسنل برای اجرای کارآمد و مؤثر این تمهیدات.

بیش از ۲۶۳ واحد حکومتی برای پاسخ به حملات ۱۱ سپتامبر ایجاد یا دوباره سازمان‌دهی شدند.^۱ وزارت امنیت داخلی^۲ بارزترین نمونه این واحدها بود که تمام یا بخش‌هایی از ۲۲ دپارتمان و آژانس فدرال مختلف را در هم ادغام کرد تا برای محافظت از ایالات متحده برابر تروریسم، رویکردی متحدتر و هماهنگ‌تر پدید آورد و همچنین اداره امنیت حمل و نقل^۳ که امنیت فرودگاه‌ها را متمرکز و استانداردسازی کرد. *قانون اصلاح نظام اطلاعاتی و جلوگیری از تروریسم سال ۲۰۰۴*^۴ باعث تقویت و افزایش همکاری اطلاعاتی شد که موقعیت رییس اداره اطلاعات ملی و مرکز ملی ضدتروریسم در ادغام و تکمیل اطلاعات مرتبط با تروریسم را تثبیت کرد.

از نظر بین‌المللی، ایالات متحده مبالغ هنگفتی را روی مقابله با تروریسم و ایجاد قابلیت دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی متحدان و شرکای خود سرمایه‌گذاری کرده است. بنا بر تخمین‌ها، کنگره از زمان ۱۱ سپتامبر، برای هزینه‌های عملیاتی مرتبط با جنگ ۱/۶ تریلیون دلار به وزارت دفاع اختصاص داده است. وقتی این رقم را با ۱۲۳/۳ میلیارد دلار تخمینی برای هزینه‌های مرتبط وزارت خارجه و عملیات‌های خارجی جمع کنیم، وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و اداره توسعه بین‌المللی آمریکا برای فعالیت‌ها و عملیات خود از زمان حملات ۱۱ سپتامبر مجموعاً بیش از ۱/۷ تریلیون دلار دریافت کرده‌اند.^۵ این بودجه را می‌توان با بیش از ۱۰ سال بودجه فدرال برای آموزش و پرورش مقایسه کرد. به همین ترتیب، بودجه‌های اطلاعاتی به نحو چشمگیری افزایش پیدا کرده‌اند. در سال ۲۰۰۷، کنگره رقم ۴۳/۵ میلیارد دلار را به برنامه اطلاعات ملی^۶ اختصاص داده است.^۷ ده سال بعد، بودجه درخواستی برای برنامه اطلاعات ملی به ۵۳/۴

^۱ Dana Priest and William M. Arkin, "A Hidden World, Growing Beyond Control," Washington Post, July ۱۹, ۲۰۱۰, <http://projects.washingtonpost.com/top-secret-america/articles/a-hidden-world-growing-beyond-control/print/>.

^۲ Department of Homeland Security (DHS)

^۳ Transportation Security Administration (TSA)

^۴ Intelligence Reform and Terrorism Prevention Act of ۲۰۰۴

^۵ Susan B. Epstein and Lynn M. Williams, "Overseas Contingency Operations Funding: Background and Status," Congressional Research Service, July ۱۳, ۲۰۱۶, <https://www.fas.org/sgp/crs/natsec/R۴۴۵۱۹.pdf>.

^۶ National Intelligence Program (NIP)

^۷ Office of the Director of National Intelligence, "DNI Releases Budget Figure for FY ۲۰۱۷ Appropriations Requested for the National Intelligence Program," press release, February ۹, ۲۰۱۶, <https://www.dni.gov/index.php/newsroom/press-releases/۲۱۵-press-releases-۲۰۱۶/۱۳۱۵-dni-releases-budget-figure-for-fy۲۰۱۷-appropriations-requested-for-the-national-intelligence-program>.

میلیارد دلار افزایش یافت.^۱ منابع انسانی و مالی چشمگیری که از زمان ۱۱ سپتامبر به امور امنیتی اختصاص داده شده، از برخی جهات، امنیت ما را بیشتر کرده است. ورود تروریست‌ها به ایالات متحده سخت‌تر شده و اگر هم وارد خاک ایالات متحده شوند، انجام یک حمله پیچیده برای ایشان کاری بسیار دشوارتر شده است.^۲ با این حال، همان‌طور که حکومت ایالات متحده و متحدان و شرکای آن، قابلیت‌های ضدتروریستی خود را افزایش داده‌اند، تروریست‌ها به سرعت وارد عمل شده‌اند تا در پاسخ از شکاف‌های موجود استفاده کنند. آن‌گونه که دیوید کیلکولن^۳ توضیح می‌دهد، این تلاش‌ها برای مقابله با تروریسم، اجرای قانون و اقدامات اطلاعاتی، «فشار تدریجی شدیدی بر سازمان‌های تروریستی» وارد کرد، زیرا خیلی بعید است تکنیکی که یکبار مؤثر بوده، بار دیگر هم، دست‌کم به همان شکل پیشین، تأثیرگذار و کارگر باشد.^۴ گروه‌های تروریستی با انتخاب هدف‌های نرم‌تر، انجام حملات ساده‌تر و تکیه بر هسته‌های غیرمتمرکز و بازیگران فردی (به اصطلاح «گرگ‌های تنها»^۵)، شناسایی و مختل کردن این طرح و نقشه‌ها را برای مجریان قانون دشوارتر می‌سازند. این گروه‌ها در استفاده از رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های دیجیتال مدرن برای هدف گرفتن نیروهای جدید، ساخت برند و سهم بازار خود و گسترش دسترسی جهانی، بسیار کارکشته و ماهر شده‌اند. بنابراین، تهدید تروریستی امروزی، در مقایسه با تهدیدات آغاز قرن، انفرادی‌تر و فراگیرتر شده و مقابله با آن هم دشوارتر شده است. در نتیجه، شیوه‌هایی که حکومت ایالات متحده در گذشته برای جلوگیری از حملات تروریستی گسترده استفاده کرده است، احتمالاً در آینده نمی‌توانند برای جلوگیری از حملات غیرمتمرکز به همین اندازه کارآمد و مؤثر باشند.

«مقابله با افراطگرایی خشونت طلب» چیست؟

حوزه مقابله با افراطگرایی خشونت طلب با پذیرش این واقعیت به وجود آمد که عملیات‌های نظامی و انتظامی برای شکست تروریست‌ها در میدان نبرد و خنثی کردن طرح و نقشه‌های آن‌ها ضروری هستند، اما برای برانداختن ایدئولوژی‌ها و نارضایتی‌های بنیادینی که انگیزه جذب تعدادی زیادی از نیروهای جدید

^۱ Office of the Director of National Intelligence, “DNI Releases Budget Figure for National Intelligence Program,” press release, October ۳۰, ۲۰۰۷,

https://www.dni.gov/files/documents/Newsroom/Press/۲۰Releases/۲۰۰۷/۲۰Press/۲۰Releases/۲۰۰۷۱۰۳۰_release.pdf.

^۲ Steven Brill, “Is America Any Safer?,” Atlantic, September ۲۰۱۶,

<http://www.theatlantic.com/magazine/archive/۲۰۱۶/۰۹/are-we-any-safer/۴۹۲۷۶۱/>.

^۳ David Kilcullen

^۴ David Kilcullen, Blood Year: Islamic State and the Failures of the War on Terror (London: C. Hurst, ۲۰۱۵).

^۵ lone wolves

در بحث مرتبط با تروریسم گرگ تنها به شخصی گفته می‌شود که به تنهایی و بدون اینکه با گروهی ارتباط سازمانی داشته یا از آن کمکی دریافت کند در حمایت از آن گروه، جنبش یا عقیده دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زند. از آنجا که گرگ‌های تنها با گروه‌های تروریستی ارتباط مشخصی ندارند و به تنهایی دست به عملیات می‌زنند شناسایی آن‌ها برای نیروهای امنیتی دشوار است.

برای پیوستن به گروه‌های افراط‌گرای خشونت طلب است، کافی و بسنده نیستند. کاخ سفید در استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۰۶، این درک و برداشت را منعکس نمود. این استراتژی اهداف کوتاه‌مدت خود را «استفاده از نیروی نظامی و دیگر ابزار قدرت ملی» برای توقف فعالیت‌های و منابع حمایتی تروریست‌ها تعریف کرده و در عین حال تأکید دارد که موفقیت در بلندمدت، در گرو «پیروزی در نبرد عقاید خواهد بود، زیرا این عقاید هستند که می‌توانند سرخوردگان را به قاتلانی راغب به کشتن قربانیان بی‌گناه بدل نمایند».^۱

رقابت عقاید نهایتاً به مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب معروف شد.^۲ مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب به ابزار غیرقهری و درازمدت مورد استفاده در تلاش برای مقابله با ایدئولوژی‌ها و روایات افراط‌گرایان اشاره دارد که از جاذبه و گیرایی آن‌ها کاسته و نهایتاً تهدید خشونت را خنثی می‌سازد.^۳ مؤلفه‌های مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب که اساساً بر وجه ایدئولوژیک تمرکز کرده‌اند، در طول زمان توسعه یافته‌اند تا به حل و فصل نارضایتی‌ها از زیرساخت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بپردازند که می‌توانند برای رادیکال شدن و جذب نیروی تروریستی راهگشا و مؤثر باشند. مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب شامل: تلاش برای کاهش حمایت عمومی از نهضت‌های افراط‌گرای خشونت طلب؛ ایجاد انعطاف‌پذیری در جوامع محلی؛ ارائه جایگزین‌های مسالمت‌آمیز برای نیروهای بالقوه؛ بازداشتن افراد تندرو از ارتکاب اقدامات جنایی؛ و توان بخشی و ادغام دوباره افرادی که دوران محکومیت خود را گذرانده‌اند یا به هر شکل دیگری، تهدیدی امنیتی به شمار نمی‌روند، می‌شود. با اینکه بحث‌های گسترده‌ای درباره تعریف و حدود دقیق مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب وجود دارد، این رویکرد اساساً طیفی از مداخلات با هدف جلوگیری از جذب نیرو و رادیکال شدن افراد در سازمان‌های افراط‌گرای خشونت طلب را در برمی‌گیرد.

لزوم یک استراتژی جامع جدید

^۱ George W. Bush, The National Security Strategy of the United States of America (Washington, DC: The White House, March ۲۰۰۶), ۹, <http://usa.usembassy.de/etexts/nss۲۰۰۶.pdf>.

^۲ حکومت ایالات متحده، مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب را «تلاش‌های متمرکز بر جلوگیری از تمامی اشکال خشونت افراط‌گرایانه مبتنی بر ایدئولوژی [تعریف می‌کند] تا ممانعت از جذب نیروی موفق گروه‌های تروریستی هم در این تعریف گنجانده شود. این تلاش با اقدامات اخلاص‌گر متمرکز بر توقف اقدامات تروریسم از جانب کسانی که متعهد به خشونت شده‌اند، تفاوت دارد.» ر.ک.

U.S. Department of Homeland Security, "A Comprehensive U.S. Government Approach to Countering Violent Extremism," n.d.,

<https://www.dhs.gov/sites/default/files/publications/US/۲۰Government/۲۰Approach/۲۰to/۲۰CVE-Fact/۲۰Sheet.pdf>.

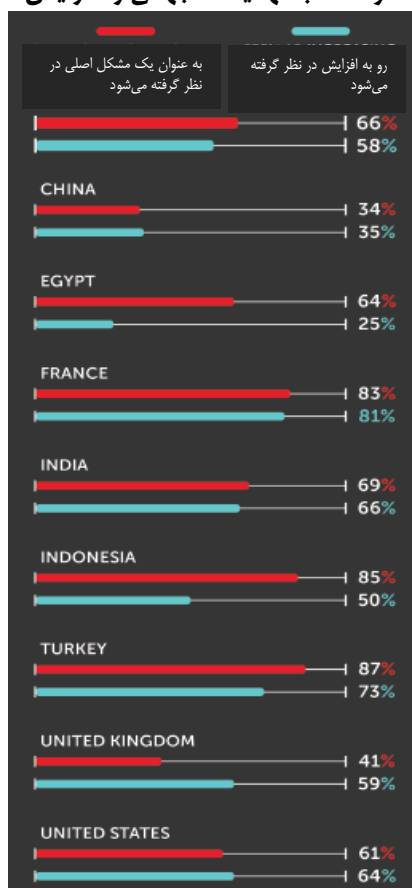
^۳ اصطلاح «جلوگیری از افراط‌گرایی خشونت طلب»، خصوصاً در داخل سازمان ملل و کشورهای اروپایی کشش پیدا کرده است. از نظر برخی، جلوگیری از افراط‌گرایی خشونت طلب نشانگر یک تلاش مبتکرانه و درازمدت برای پرداختن به شرایط زیربنایی و علل ریشه‌ای مرتبط با حمایت از افراط‌گرایی خشونت طلب است، حال آنکه مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب بیشتر واکنشی است. کمیسیون این تمایز و تفاوت را قائل نیست. به‌خاطر اهداف این گزارش، مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب، تلاش‌های بازدارنده در سطوح جامعه‌ای، اجتماعی و فردی را هم شامل می‌شود.

علی‌رغم پیشرفت‌های امنیتی که در ۱۵ سال گذشته صورت گرفته، ایالات متحده و متحدان آن هنوز برای کاستن از جاذبه و گیرایی ایدئولوژی‌ها و روایات افراط‌گرایانه و مهار جذب نیرو و بسیج تروریسم، از یک استراتژی کارآمد برخوردار نیستند که حمایت گسترده هر دو حزب را داشته باشد. چهره‌های عوام‌گرای هر دو سوی آتلانتیک از این شکاف و ترس ناشی از حملات تروریستی استفاده کرده‌اند تا راه‌حل‌های انزوای طلبانه خود را به دیگران بقبولانند.

با این حال، بستن مرزهای مانع تأثیرگذاری یا الهام‌بخشی ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه بر مردم نمی‌شود و جلوی ارتکاب حملات هولناک با توسل به ابزار موجود را نمی‌گیرد. پس تا وقتی در سرتاسر جهان، افرادی هستند که جذب گروه‌های افراط‌گرای خشونت طلب و ایدئولوژی‌های انقلابی مورد حمایت آن‌ها می‌شوند، ما باید برای حفاظت از امنیت خود از قابلیت‌های نظامی، اطلاعاتی و انتظامی مان استفاده کنیم. با این حال، تا زمان شکست خود این ایدئولوژی‌ها، به امنیتی پایدار دست نخواهیم یافت.

ما برای اینکه در نسل بعدی با توانایی، وحدت عمل و تسلیم‌ناپذیری وارد نبرد ایدئولوژیک شویم، نیازمند یک استراتژی جامع جدید هستیم. این استراتژی باید بر کاهش چشمگیر تعداد افرادی که جذب سازمان‌های افراط‌گرای خشونت طلب می‌شوند و همچنین حصول اطمینان خاطر از اینکه چنین گروه‌هایی و ایدئولوژی‌های آنان نتوانند در ایالات متحده و سراسر جهان تکیه‌گاه پیدا کنند، تمرکز کند.

افراط‌گرایی خشونت طلب تهدیدات جهانی را افزایش داده است



موفقیت مستلزم کاستن از جذابیت و مشروعیت روایات افراط‌گرایانه و ارائه جایگزین‌های هدفمند برای جوانان است تا برای یافتن معنی، حس تعلق و منزلت، جذب نهضت‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب نشوند. این استراتژی باید رویکردهای قدرت نرم و سخت را به طور متناسب به کار بگیرد و به جامعه بین‌المللی این امکان را بدهد که مستقیم، منسجم و با شتابی بیشتر از تلاش‌های افراط‌گرایان خشونت‌طلب به ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه و مظاهر آن‌ها پردازد.^۱ بنا به ضرورت، چنین تلاشی باید مورد تأیید و درخواست تمامی طیف‌های سیاسی باشد و متحدان و شرکای مختلف در جامعه مدنی، جوامع بشردوستانه و بخش خصوصی را جذب نماید؛ و باید باعث رهبری قدرتمند کشورها و جوامع اسلامی شود که اکثریت آن‌ها هیچ هم‌دلی و هم‌فکری با داعش، القاعده یا دیگر سازمان‌های تروریستی ندارند.

در گزارش حاضر، این کمیسیون به ارائه چنین استراتژی جامعی می‌پردازد، درس‌های به دست آمده طی یک دهه گذشته را درهم می‌آمیزد و تمامی برنامه‌ها، سیاست‌ها و قابلیت‌های لازم برای تغییر این شرایط و ذهنیتی که به گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب بال و پر داده را در یک ردیف قرار می‌دهد. این استراتژی بر مبنای اصول زیر است:

- **صرف تمام توان.** ایالات متحده و متحدان آن برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب باید با بکارگیری پرسنل توانمند، حمایت مالی و ساختارهای پاسخگو، عملیاتی بی‌وقفه و شبانه‌روزی راه بیاندازند. تا به امروز، مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب در مقایسه با جنبه‌های نظامی، انتظامی و اطلاعاتی این جنگ، گذرا و کم ارزش بوده است. ما باید منابع و توجه اختصاص یافته به مبارزه علیه قرائت‌های افراط‌گرایانه را به نحو چشمگیری افزایش دهیم و برای آنانی که در برابر رادیکال شدن و جذب در گروه‌های افراط‌گرا آسیب‌پذیر هستند، مسیرها و مجراهای تازه‌ای پدید آوریم.
- **اتخاذ رویکردی جهانی.** در گوشه و کنار جهان می‌توان رد و نشانی از تهدید افراط‌گرایی خشونت‌طلب یافت. داعش، تازه‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین نمود این معضل است اما اگر این مسیر و روند را تغییر ندهیم، بی‌شک آخرین آن نخواهد بود. با اینکه همه تمرکزها متوجه نابودی داعش در سوریه و عراق است، جامعه بین‌المللی باید فشارها بر دیگر گروه‌های تروریستی، از جمله القاعده، بوکوحرام، حزب‌الله و الشباب که همچنان به حملات مهلک و ویرانگری دست می‌زنند را نیز حفظ کند. با این حال، مقابله با سازمان‌های تروریستی موجود کافی نیست. ما باید به مسأله گسترش ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه در

^۱ اینجا قدرت نرم به توانایی شکل دادن به ترجیحات و انتخاب‌های دیگران از طریق جاذبه و گیرایی، به جای زور و قهریه (قدرت سخت) اشاره دارد. فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی، ارز رایج قدرت نرم هستند. ر.ک.

Joseph S. Nye Jr., *Soft Power: The Means to Success in World Politics* (New York: Public Affairs, ۲۰۰۴). Also Richard L. Armitage and Joseph S. Nye Jr., coauthors, *A Smarter, More Secure America: Report of the CSIS Commission on Smart Power* (Washington, DC: CSIS, ۲۰۰۷), https://csis-prod.s3.amazonaws.com/srfs-public/legacy_files/files/media/csis/pubs/۰۷۱۱۰۶_csissmartpowerreport.pdf.

آفریقا، اروپا، جنوب و جنوب شرقی آسیا، منطقه قفقاز، روسیه و جاهای دیگر بردازیم تا مانع این شویم که گروه‌های تروریستی در اشکال جدید دوباره احیا شوند.

- **ایجاد شراکت‌های پویا.** ماهیت دشمن که غیرمتمرکز، جهانی، متعهد و دارای منابع جمعی هستند، شراکت‌های متمرکز و انعطاف‌پذیر بین و درون حکومت‌ها، بخش خصوصی و جامعه مدنی را ایجاد می‌کند. این امر، چیزی بیش از تعاملات و برنامه‌های آزمایشی را می‌طلبد که در یک دهه و نیم گذشته مسلط شده‌اند. در عوض، این امر مستلزم مهار استعداد، تخصص و مهارتی است که در خارج از حکومت وجود دارد.

- **استقبال از تجربیات.** با اینکه درباره چگونگی و چرایی جذابیت و مطلوبیت ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه اطلاعات بسیار زیادی در اختیار داریم، تاکتیک‌های تروریستی، بی‌وقفه در حال تحول و دگرگونی هستند. بنابراین، ما به جای جستجو برای یک راه‌کار واحد، باید روایت‌ها و ایده‌های بدیل بی‌شماری را عرضه کرده و اجازه دهیم که محکم‌ترین روایت و ایده غالب شود. این برنامه‌ها همیشه موفق و نتیجه‌بخش نخواهند بود، اما باید از مخاطره‌جویی و ابداع سنجیده و عاقلانه حمایت کرده و برای درس گرفتن از موفقیت‌ها و شکست‌های شرکت‌کنندگان، تلاشی منسجم‌تر انجام دهیم. این رویکرد مستلزم نظارت دقیق است تا اطمینان حاصل شود که مخالفان این ایدئولوژی که تلاش می‌کنیم آن‌ها را شکست دهیم، این فرایند را مصادره به مطلوب نکنند.

- **احتراز از واکنش‌هایی که به نفع افراط‌گرایان خشونت‌طلب تمام می‌شوند.** تروریسم بر اساس پاسخی نامناسب به تهدیدات ذهنی و عینی رشد و ترقی پیدا می‌کند. به عنوان نمونه، داعش هدف واضح و مشخص ایجاد شکاف بین حکومت‌ها و مردمان آن‌ها و همچنین بین مسلمانان و غیرمسلمانان در کشورهای غربی را در سر می‌پروراند. حملات تروریستی باعث رعب و وحشت شده و اغلب به ظهور موجی از احساسات ضد اسلامی منتهی می‌شوند که فرصت جذب نیروهای جدید را در اختیار تروریست‌های می‌گذارد. یکی از نیروهای پیشین القاعده در ایالات متحده توضیح می‌دهد، «افراطیون و مأموران عضوگیری عاشق اسلام‌هراسی هستند. این هراس، عضوهای جدید را به همراه خود می‌آورد».^۱ بسیار مهم است که حکومت‌ها در مواجهه با این پویایی، از سخنان و واکنش‌هایی که باعث رنجش و بیگانگی اجتماعات اسلامی می‌شوند، پرهیز کنند. در ایالات متحده، این رویکرد مستلزم تلاش مضاعف برای تعامل با اجتماعات اسلامی و توجه به نگرانی‌های آنان درباره بدنام‌سازی، نظارت امنیتی، اغفال و جنایات ناشی از نفرت خواهد بود. در خارج از ایالات متحده، این اعتقاد و عقیده ایجاد می‌کند که ایالات متحده، شرکای خود را متقاعد کند که از رویکردهای ضد تروریسم که جوامع اسلامی را بیگانه و رنجور می‌سازد، اجتناب ورزند.

^۱ Shannon N. Green, executive director, CVE Commission, interview with Jesse Morton, CSIS, June ۲۳, ۲۰۱۶.

بیان مسأله

چالش‌ها و فرصت‌های بی‌نظیر پیش روی جوانان مسلمانان که غرق در رسانه‌های اجتماعی جهان پس از ۱۱ سپتامبر رشد می‌کنند، آنها را هدفی مشخص برای عضوگیری افراط‌گرایان خشونت‌طلب می‌سازد. در جهان امروز ۱/۶ میلیارد مسلمان زندگی می‌کنند، تعدادی که بر اساس پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۵۰، به حدود ۲/۸ میلیارد نفر می‌رسد.^۱ این افزایش، نتیجه جوانی جمعیت مسلمانان جهان و میزان باروری است که از میانگین جهانی فراتر می‌رود. در خاورمیانه و جنوب آسیا، نزدیک به دو سوم جمعیت، جوان‌تر از ۳۰ سال هستند و این جمعیت به سرعت رو به افزایش است.

با اینکه اکثریت جوانان مسلمانان، صلح دوست و امیدوار هستند، بستر فرهنگی، سیاسی و تغییرات اجتماعی که حاصل ۱۱ سپتامبر و وقایع پس از آن است، جهانی‌شدن، زوال جوامع و افراد صاحب نفوذ سنتی، تحول سریع فناوری، جابجایی گسترده و مهاجرت شهری، فرصت‌هایی برای افراط‌گرایان خشونت‌طلب پدید آورده تا جهان‌بینی خود را شکل دهند. انتظار می‌رود که این پویایی‌ها، مسیر کشورهای دارای اکثریت مسلمان و کشورهای اکثرأ غیرمسلمان طی چند دهه آینده را دگرگون سازند.^۲ اگر نتوانیم این کار را انجام دهیم، یک نسل کامل را از دست می‌دهیم و شاهد چندپاره و چندتکه شدن جوامع و کشورها خواهیم بود. هرچند، با اقدام هماهنگ و منابع پشت استراتژی پیشنهادی در این مقاله، می‌توانیم مطلوبیت ایدئولوژی‌های افراط‌گرا را به نحو چشمگیری کاهش داده و به جوانان امکان دهیم که از ظرفیت بالقوه خود استفاده کرده و به افزایش رفاه، ابداع و صلح در جوامع خودشان پردازند.

این بخش به سه پرسش اصلی می‌پردازد:

۱. چرا برخی از افراد جوان، ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه را جذاب می‌دانند؟
۲. چه عواملی گسترش افراط‌گرایی خشونت‌طلب را تسهیل می‌نمایند؟
۳. کدام نارسایی‌ها و نقاط ضعف جلوی تقابل کارآمد با افراط‌گرایی خشونت‌طلب را می‌گیرند و مداخلات موفق و نتیجه‌بخش را تکثیر کرده، سنجیده و استمرار می‌بخشد؟

انگیزه‌ها و محرک‌ها

افراط‌گرایی خشونت‌طلب بر مبنای یک عامل یا نارضایتی خاص ایجاد نمی‌شود؛ بلکه نتیجه جهان‌بینی نامتساهلی است که خشونت را اصلی‌ترین شیوه تعامل و جامعه را ابزاری برای رسیدن به یک غایت می‌داند. با این‌همه، پژوهش‌های جهانی که در طول نزدیک به ۱۵ سال اخیر صورت گرفته، نشان می‌دهند

^۱ Pew Research Center, "The Future of World Religions: Population Growth Projections, ۲۰۱۰-۲۰۵۰: Muslims," April ۲, ۲۰۱۵, <http://www.pewforum.org/۲۰۱۵/۰۴/۰۲/muslims/>.

^۲ Kristin Lord, "Here Come the Young," Foreign Policy, August ۱۲, ۲۰۱۶, <http://foreignpolicy.com/۲۰۱۶/۰۸/۱۲/here-comes-the-young-youth-bulge-demographics/>.

که برخی جذب افراطگرایی خشونت طلب می‌شوند، در حالی که دیگران جاذبه‌ای در آن نمی‌بینند. کارشناسان به شناسایی عوامل «کششی» و «فشاری» متقاطعی پرداخته‌اند که اغلب در محیط‌های بی‌ثبات، تحمل‌ناپذیر یا تحت تأثیر منازعه و کشمکش عمل کرده و به توضیح این پدیده کمک می‌کنند. وضعیت‌های ساختاری، از جمله انزوای عینی و ذهنی، نارضایتی‌ها یا فساد می‌توانند افراد را به سوی پیوستن به یک سازمان افراط‌گرای خشونت طلب سوق دهند، در حالی که قرائت‌های رادیکال جذب نیروی جدید، تبلیغات و پیوندهای اجتماعی با شبکه‌های افراط‌گرا آن‌ها را جذب می‌کند. عوامل روان‌شناختی مانند رفتار غریزی و هیجان‌طلبانه یا تمایل به گرفتن انتقام یا تصحیح خطاهای ذهنی هم در این فرایند رادیکالیزه شدن ایفای نقش می‌کنند.^۱

متأسفانه، الگوهای رادیکالیزه شدن قادر به پیش‌بینی این نیستند که چه کسی تروریست می‌شود. تروریسم هیچ مسیر و مجرای واحد و مشخصی ندارد و برای افراط‌گرایی خشونت طلب هم نمی‌توان نسخه و طرحی اصلی قائل شد. افراط‌گرایان خشونت طلب، تنها جمعی از وصله‌های ناجور و منزوی نیستند و بعید است که بیشتر از فرد معمولی از بیماری‌های روانی رنج ببرند. بسیاری از آن‌ها متأهل هستند و کودک و فرزند دارند. برخلاف تصور عمومی، افراط‌گرایان خشونت طلب اغلب ثروتمند، شاغل و تحصیل کرده هستند.^۲ افراط‌گرایی خشونت طلب تنها در سرسپردگی مذهبی ریشه ندارد.^۳ در واقع، فصاحت مذهبی می‌تواند در به چالش کشیدن ایده‌ها و روایات افراط‌گرایانه کمک حال باشد.

علی‌رغم تنوع مسیرهایی که می‌تواند فرد را به برافراشتن پرچم و بیرق افراط‌گرایی خشونت طلب سوق دهد، ظاهراً تنها یک تهدید مشترک وجود دارد. در سرتاسر جهان، بسیاری از مسلمانان نسل هزاره^۴ از بحران جدی هویت رنج می‌برند. جوانان مسلمان از پاریس تا بوستون و از نیروبی تا داکا، در تلاش و تقلا هستند تا هدف و حس تعلق پیدا کنند و بر حس تزلزل‌ناپذیر پوچی یا «دیگری بودن»^۵ غلبه نمایند.^۱ فرح

^۱ Magnus Ranstorp, "The Root Causes of Violent Extremism," RAN Centre of Excellence, January ۴, ۲۰۱۶, ۳, http://ec.europa.eu/dgs/home-affairs/what-we-do/networks/radicalisation_awareness_network/ranpapers/docs/issue_paper_root-causes_jan۲۰۱۶_en.pdf.

^۲ Alan B. Krueger, What Makes a Terrorist: Economics and the Roots of Terrorism (Princeton, NJ: Princeton University Press, ۲۰۰۸); Eli Berman et al., "Do Working Men Rebel? Employment and Insurgency in Afghanistan, Iraq and the Philippines," Journal of Conflict Resolution, ۵۵, No. ۴ (۲۰۱۱): ۴۹۶-۵۲۸.

^۳ Mark Juergensmeyer, Terror in the Mind of God: The Global Rise of Religious Violence, ۳rd. ed. (Berkeley: University of California Press, ۲۰۰۳); Christopher Paul, "How Do Terrorists Generate and Maintain Support?," in Social Science for Counterterrorism: Putting the Pieces Together, ed. Paul K. Davis and Kim Cragin (Santa Monica, CA: RAND ۲۰۰۹).

^۴ Millennials

نسل وای یا نسل هزاره، برخلاف نسل‌های پیشین شدیداً به فناوری دیجیتال وابسته‌اند.

^۵ otherness

پاندیت، مشاور ارشد کمیسیون مقابله با افراطگرایی خشونت طلب و از اعضای این کمیسیون، با بررسی گفته‌ها و مصاحبه با جوانان مسلمان در بیش از ۸۰ کشور توضیح می‌دهد، «آن‌ها می‌پرسند که در یک دنیای جهانی و درهم‌تنیده، مدرن بودن و جهانی بودن چه معنایی می‌دهد».^۲

رشد جمعیت مسلمان از ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰



از قرار معلوم، افراط‌گرایان خشونت طلب برای این پرسش‌ها، پاسخ‌هایی معتبر و موثق دارند و برای سازگاری و تطبیق هویت مذهبی و مدرنتی و یافتن کرامت، رستگاری یا صرفاً راهی برای خروج از وضعیت کنونی، راه‌کار ارائه می‌دهند. از نظر بسیاری، پیوستن به یک نهضت افراط‌گرای خشونت طلب یک اقدام اجتماعی آرمان‌گرایانه است، فرصتی برای کسب قدرت، شخصیت و منزلت اجتماعی؛ پرداختن به بدرفتاری با هم‌کیشان؛ یا مشارکت در یک تلاش آرمان شهری برای بازسازی جهان.^۳ به این تعبیر، افراط‌گرایان خشونت طلب امری عموماً مطلوب و خوشایند عرضه می‌کنند: فرصتی برای مشارکت در اقدام و تشکیلاتی بزرگ‌تر از خودشان.

این جستجو برای هویت، بسته به شرایط فرد، شکل متفاوتی به خود می‌گیرد. در برخی کشورها که مسلمانان در اقلیت زندگی می‌کنند، با محرومیت مدنی و بی‌عدالتی نظام‌مندی مواجه می‌شوند. درخواست اشتغال مسلمانان اغلب به صرف نام خانوادگی یا آدرس محل سکونتشان نادیده گرفته می‌شود.^۴ برای مثال، مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد، احتمال اینکه مسلمانان فرانسوی اهل خاورمیانه یا شمال آفریقا در

^۱ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, phone interview with Suhaib Webb, CSIS, August ۳۱, ۲۰۱۶.

^۲ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, interview with Farah Pandith, CSIS, July ۲۲, ۲۰۱۶.

^۳ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, interview with Scott Atran, CSIS, May ۱۳, ۲۰۱۶.

^۴ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, interview with Peter Neumann, CSIS, July ۲۲, ۲۰۱۶.

مصاحبه شغلی موفق شوند، بسیار کمتر از هم‌تایان مسیحی آنان است.^۱ علاوه بر این، مسلمانان به لحاظ فیزیکی اغلب از جامعه جدا می‌شوند، همان‌طور که در محله بونیو^۲ شاهد هستیم که اصطلاحی تحقیرآمیز برای محله‌ای فقیرنشین و محروم در حومه پاریس است.

ناکامی در ادغام چند نسل از مهاجران مسلمان، مشخصاً در کشورهای غربی، این پیام را به همراه دارد که آن‌ها هرگز به عنوان عضو برابر و ارزشمند جامعه پذیرفته نخواهند شد. مثلاً در آلمان، مسلمانان با یک نظام آموزشی روبرو هستند که افراد جوان را وادار می‌کند که در اوایل نوجوانی، مسیر تحصیل خود را انتخاب کنند و این به ضرر غیر آلمانی‌زبان‌ها تمام می‌شود.^۳ در هلند، برای افرادی که در خارج از کشور متولد می‌شوند یا دست‌کم یکی از والدین آن‌ها خارج از کشور متولد شده‌اند، واژه هلندی *آلوختون*^۴ به کار می‌رود و بیشتر در مورد کسانی استفاده می‌شود که غیر سفید پوست و غیر «بومی» هستند. کاربرد واژگانی این‌چنینی طبقه دومی از شهروندان ایجاد می‌کند، از جمله مسلمانانی که حتی اگر در هلند متولد شده باشند و تمام عمر هم آنجا زندگی کرده باشند، بر آن‌ها برچسب بیگانه زده می‌شود.^۵ پاسخ مسلمانان در جوامع غربی، رد جذب و همگونی و اتخاذ دیدگاهی انعطاف‌ناپذیر و تعصب‌آمیز نسبت به فرهنگ و ایده‌آل‌های غربی بوده است.^۶ به گفته یکی از افرادی که در ارتباط با تروریسم در ایالات متحده زندانی شده بود، «من بسیار عبوس و اوقات تلخ بودم. احساس تبعیض می‌کردم، زیرا نه فقط مردی آفریقایی آمریکایی در آمریکا بودم، بلکه مسلمان هم بودم. احساس می‌کردم که مسلمانان در آمریکا به عنوان دشمن هدف قرار می‌گیرند و این رفتار تبعیض‌آمیز مرا به سمت و سوی یافتن پاسخ در نزد افراد نادرست سوق داد. در مسیر اشتباه و خطایی افتادم».^۷

^۱ Claire L. Adida, David D. Laitin, and Marie-Anne Valfort, "Identifying Barriers to Muslim Integration in France," Proceedings of the National Academy of Sciences in the United States of America ۱۰۷, no. ۵۲ (December ۲۰۱۰): ۲۲۳۸۴-۲۲۳۹۰, <http://www.pnas.org/content/107/52/toc>.

^۲ banlieues

^۳ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, interview with Farah Pandith, CSIS, July ۲۲, ۲۰۱۶; and Katrine Thomasen, "A Hard Look at Discrimination in Education in Germany," Open Society Foundations, October ۱۷, ۲۰۱۲, <https://www.opensocietyfoundations.org/voices/hard-look-discrimination-education-germany>.

^۴ allochtoon

^۵ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, interview with Farah Pandith, CSIS, July ۲۲, ۲۰۱۶.

^۶ Peter Skerry, "Problems of the Second Generation: To Be Young, Muslim, and American," Brookings Institution, June ۲۸, ۲۰۱۳, <https://www.brookings.edu/articles/problems-of-the-second-generation-to-be-young-muslim-and-american/>.

^۷ Courtney La Bau, interview with an individual whose name and location have been withheld, June ۱۶, ۲۰۱۶.

از نظر بسیاری، پیوستن به یک نهضت افراط‌گرای خشونت‌طلب یک اقدام اجتماعی آرمان‌گرایانه، فرصتی برای کسب قدرت، شخصیت و منزلت اجتماعی؛ پرداختن به بدرفتاری با هم‌دین‌ها؛ یا مشارکت در یک تلاش آرمان‌شهری برای بازسازی جهان است.

این پویایی در کشورهایی که حکومت تلاش می‌کند سکولاریسم را بر شهروندان خود تحمیل کند و هویت ملی را بر هویت مذهبی و فرهنگی برتری دهد، شدیدتر می‌شود.^۱ این تلاش‌ها می‌توانند تأثیر معکوس داشته باشند. ممنوعیت استفاده از پوشش یا نمادهای مذهبی، در راستای حفظ سلطه هویت فرهنگی، به قرائت‌های «ما در برابر آن‌هایی» کمک می‌کند که افراط‌گرایان خشونت‌طلب تحریف کرده‌اند. پژوهشگران متوجه شده‌اند که کشورهای فرانسوی زبان که در خصوص مسأله سکولاریسم و هویت مواضع سفت و سختی اتخاذ کرده‌اند، بهشت داعش برای عضوگیری از آب درآمده‌اند.^۲ البته، تنها کشورهای دارای اقلیت مسلمان نیستند که با مسلمانان رفتاری نامناسب دارند. در بسیاری از کشورهای دارای اکثریت مسلمان، اقلیت‌های فرقه‌ای هدف آزار و اذیت بی‌امان و سنگدلانه قرار می‌گیرند، از فرقه احمدیه^۳ در پاکستان گرفته تا دراویش در ایران و شیعیان در مصر و عربستان سعودی.

در کشورهایی که فرصت پیشرفت وجود ندارد و بی‌عدالتی فراگیر و رایج است، مسؤلان عضوگیری تروریست‌ها راهی برای خروج از این شرایط عرضه می‌کنند. مطالعات نشان داده‌اند که حس بی‌عدالت عمیق و بیگانگی با ساختارهای رسمی دولتی می‌تواند جوانان را به پیوستن به گروه‌های تروریستی ترغیب کند.^۴ همچنین بین نقض فزاینده حقوق بشر - مانند قتل‌های غیررسمی، بازداشت خودسرانه و سیاست‌هایی که آزادی مذهبی را محدود می‌کنند - تعداد بالای حملات تروریستی یک ارتباط و پیوستگی قابل ملاحظه وجود دارد. در واقع، ۹۲ درصد از تمام حملات تروریستی در ۲۵ سال گذشته در کشورهایی انجام شده‌اند که خشونت سیاسی دارای حمایت دولتی، رایج و متداول بوده است.^۵ همان‌طور که یکی از افراط‌گرایان

^۱ Dan Bilefsky, "France's Burkini Debate Reverberates Around the World," New York Times, August ۳۱, ۲۰۱۶, <http://www.nytimes.com/۲۰۱۶/۰۹/۰۱/world/europe/burkini-france-us-germany-africa.html>.

^۲ Gilles Kepel, "French Lessons in Londonistan," National Interest, no. ۱۰۶ (March ۲۰۱۰): ۴۲-۵۲; William McCants and Christopher Meserole, "The French Connection: Explaining Sunni Militancy Around the World," Foreign Affairs, March ۲۴, ۲۰۱۶; Bibi van Ginkel and Eva Entenmann, eds., "The Foreign Fighters Phenomenon in the European Union: Profiles, Threats & Policies," ICCT Research Paper (The Hague: International Centre for Counter-Terrorism, April ۲۰۱۶), https://www.icct.nl/wp-content/uploads/۲۰۱۶/۰۳/ICCT-Report_Foreign-Fighters-Phenomenon-in-the-EU_۱-April-۲۰۱۶_including-AnnexesLinks.pdf.

^۳ Ahmadiyya

^۴ Keith Proctor, Youth & Consequences: Unemployment, Injustice and Violence (Portland, OR: Mercy Corps, ۲۰۱۵), https://www.mercycorps.org/sites/default/files/MercyCorps_YouthConsequences-Report_۲۰۱۵.pdf.

^۵ Institute for Economics and Peace (IEP), Global Terrorism Index, ۲۰۱۵: Measuring and Understanding the Impact of Terrorism (New York: IEP, November ۲۰۱۵), <http://economicsandpeace.org/wpcontent/uploads/۲۰۱۵/۱۱/Global-Terrorism-Index-۲۰۱۵.pdf>.

پیشین در لندن توضیح می‌دهد، «وقتی زیر یوق دیکتاتوری زندگی می‌کنید، مردم به دنبال منفذ و راه خروج می‌گردند، چرا که با بی‌عدالتی و نابرابری مواجه هستند»^۱.

فقر، کم بودن فرصت‌های کاری و فساد گسترده هم اغلب شاخصه این محیط‌ها هست. مبین شیخ که یکی از افراط‌گرایان پیشین کانادایی است، اشاره می‌کند که «مردان و زنان جوان در آفریقا برای تلافی به گروه‌هایی مانند بوکوحرام ملحق شدند ... این مردم مشاغلی برای خود دست و پا کردند که در صورت عدم پیوستن به بوکوحرام، در چنین مناطق فقیر و فاسدی پیدا نمی‌کردند. بوکوحرام پول نفت را دارد و از آن استفاده می‌کند تا افراد را به پیوستن به گروه خود اغفال کند»^۲. انتظارات باطل و بیهوده، همراه با ارزیابی غیرواقع‌بینانه از خطر که در بین جوانان امری رایج است، می‌تواند معجونی خطرناک درست کند، آن هم زمانی که این جوانان ابزار لازم برای شکل دادن به آینده خودشان در اختیار نداشته باشند.

یافته‌های پژوهش؛ برداشت‌های جهانی از افراط‌گرایی خشونت طلب

برای درک بهتر برداشت‌های عمومی درباره افراط‌گرایی خشونت طلب، مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، پژوهشی جهانی با ۸ هزار شرکت کننده در هشت کشور انجام داد: چین، مصر، فرانسه، هند، اندونزی، ترکیه، بریتانیا و ایالات متحده. از شرکت‌کنندگان ۶۵ پرسش درباره دامنه افراط‌گرایی خشونت طلب، انگیزه‌ها و محرک‌ها، پاسخ‌ها به تهدید و استراتژی‌های کارآمد برای مقابله با آن پرسیده شد.

برداشت‌ها پیرامون مشکل

در مجموع، پاسخ‌دهندگان گفتند که تروریسم چالش شماره یک پیش روی کشورشان است. دو سوم پاسخ‌دهندگان فکر می‌کنند که تروریسم معضلی «جدی» در کشورهای آنها به شمار می‌رود: ترکیه، اندونزی و فرانسه در رأس این کشورها قرار دارند. حتی در جاهایی که این نسبت به کمتر از نصف می‌رسد، هنوز هم دست‌کم افراط‌گرایی خشونت طلب به عنوان معضلی «ثانویه» تلقی می‌شود. در همه این کشورها، به جز چین، حداقل ۷۵ درصد از افراد حاضر در پژوهش، انتظار یک حمله تروریستی را ظرف سال آینده داشتند. در حقیقت، در فرانسه، ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که وقوع یک حمله «بسیار محتمل» است، در ترکیه، اندونزی و ایالات متحده هم ۴۵ تا ۵۰ درصد از افراد همین دیدگاه را داشتند. مسأله نگران‌کننده‌تر این است که در تمامی این کشورها، اکثریت پاسخ‌دهندگان معتقد بودند این احتمال وجود دارد که در طول حیات‌شان، گروه‌های افراط‌گرای خشونت طلب به سلاح‌های کشتار جمعی دست پیدا کرده و از آنها استفاده کنند. با وجود نگرانی‌های گسترده از تهدید تروریستی، ۷۳ درصد از پاسخ‌دهندگان باور داشتند که چالش و معضل افراط‌گرایی خشونت طلب حلی شدنی است.

^۱ Courtney La Bau, consultant, interview with an individual whose name has been withheld, London, July ۱۱,

۲۰۱۶.

^۲ Courtney La Bau, consultant, interview with Mubin Sheikh, London, July ۱۱, ۲۰۱۶.

انگیزه و محرک‌ها

در کشورهای دارای اقلیت مسلمان یا اکثریت مسلمان، دیدگاه‌های متفاوت و مختلفی درباره انگیزه‌های افراطگرایی خشونت طلب وجود دارد. در تمام کشورها جز ترکیه و مصر، «بنیادگرایی مذهبی» به عنوان دلیل اصلی افراطگرایی خشونت طلب شناخته می‌شود. در ترکیه، محرک اصلی این افراطگرایی، اقدامات نظامی حکومت‌های خارجی شناخته می‌شود، در حالی که مصری‌ها، نقض حقوق بشر و فقر را ذکر می‌کنند. در وهله دوم، کشورهای غربی ریشه رادیکال شدن را در احساسات ضدغربی و جذب فعالانه نیرو از جانب گروه‌های بنیادگرا (که مورد تأکید بریتانیایی‌ها و فرانسوی‌ها بود)، می‌دانستند. در اندونزی، مصر و هند، فقدان رهبری مذهبی میانه‌رو و اعتدال‌گرا به عنوان عامل ثانویه تأثیرگذار شناخته می‌شود.

پاسخ‌ها تا به امروز

در سطح جهانی، نیمی از افراد حاضر در پژوهش احساس می‌کردند که پاسخ‌های حکومت‌های متبوع آن‌ها برای مهار و پیشگیری از افراطگرایی خشونت طلب ناکافی و نامناسب بوده است. ۶۴ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، پاسخ جامعه بین‌المللی را ناکافی می‌دانستند. در همه جا، اقدامات نظامی و اقتصادی به عنوان کارآمدترین تاکتیک برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب عنوان شد؛ با این حال، اکثر پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که تلاش‌های نظامی، تا به امروز تأثیرگذار نبوده‌اند. به استثنای چین و اندونزی، ۷۰ درصد از حاضران در پژوهش بر این باور بودند که افراط‌گرایان در استفاده از اینترنت برای ترویج و گسترش ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های خود موفق بوده‌اند (در مقابل، اقلیتی هم احساس می‌کنند که اینترنت به نحوی مناسب نظارت و کنترل می‌شود).

استراتژی‌های کارآمد برای آینده

پاسخ‌دهندگان عموماً حامی طیف گسترده‌ای از مداخلات برای مقابله با افراطگرایی بودند. با اینکه اقدام نظامی و استراتژی‌های انتظامی (مانند اوراق شناسایی هویت و کنترل‌های مهاجرتی) در صدر این مداخلات قرار دارند، اکثریتی قابل ملاحظه از شرکت‌کنندگان در پژوهش از تلاش‌های جامعه‌محور و کارزارهای آگاهی‌بخشی هدفمند و طولانی‌مدت برای تضعیف روایت‌ها و ایدئولوژی‌های افراط‌گرایان حمایت می‌کردند. ۷۵ درصد از شرکت‌کنندگان در این پژوهش معتقد بودند که از فضای رسانه‌های اجتماعی می‌توان به نحو مؤثری برای تقویت پیام‌های مثبت استفاده کرد. همچنین پاسخ‌دهندگان موافق بودند که نهادها و افراد تأثیرگذار فرهنگی مانند هالیوود، بالیوود، چهره‌های موسیقی و مد لباس و شخصیت‌های ورزشی، در ستیز با تبلیغات افراط‌گرایان نقش بارزتری ایفا کنند. با وجود این، وقتی سؤال شد که قابل اعتمادترین حاملان این پیام‌های مثبت چه کسانی هستند، پاسخ‌دهندگان به رهبران مذهبی در همه کشورها اشاره کردند. در نهایت، با اینکه ۶۴ درصد از پاسخ‌دهندگان در این پژوهش بر این باور بودند که مدارس

مذهبی در رادیکال شدن افراد نقش دارند، ۸۰ درصد اظهار داشتند که این مدارس خود بخش مهمی از راه‌کار نیز به شمار می‌روند.

فرایند جذب نیرو

مأموران کاریزماتیک جذب نیرو، عوامل نارضایتی محلی -هم واقعی و هم ادراکی- را با هیجان‌ات مذهبی درهم می‌آمیزند تا صفوف خود را از جوانان مسلمان پر کنند. فرایند جذب نیرو در دو مرحله انجام می‌شود. نخست، با بهره‌برداری از حجم گسترده نارضایتی‌ها، توری گسترده پهن می‌کنند تا هواداران و حامیان بالقوه خود را صید نمایند. دوم، مأموران عضوگیری محلی و آنلاین، به طور نظام‌مند رصد می‌کنند که هواداران بالقوه در حلقه‌های اجتماعی و آنلاین چه می‌گویند، فرصت‌های اقتصادی آن‌ها را ارزیابی می‌کنند، حالت روحی و روانی آن‌ها را می‌سنجند و به دنبال نقاط ضعف می‌گردند تا از آن‌ها بهره بگیرند.

افراط‌گرایان پیشین که با این کمیسیون مصاحبه کردند، بر اهمیت ایجاد ارتباط انسانی در هنگام عضوگیری تأکید داشتند. به ندرت پیش می‌آید که افراد از تبلیغات مصرفی منفعلانه به حمایت فعالانه برسند، بدون آنکه پای یک طرف سوم در میان باشد. مأموران عضوگیری، تماس شخصی و فردی برقرار می‌کنند، به نیروهای بالقوه جدید توجه زیادی نشان می‌دهند و اطلاعات مهمی درباره نحوه کمک آن‌ها به اهداف افراط‌گرایانه در اختیارشان می‌گذارند.^۱

شواهد موجود نشان می‌دهند که وقتی مأموران عضوگیری با افراد مدنظرشان، روابط اجتماعی، خانوادگی یا تجاری محکمی داشته باشند، موفقیت و توفیق بیشتری خواهند داشت. القاعده، بوکوحرام و الشباب برای تسهیل جذب نیروهای خود، شدیداً بر پیوندهای شخصی تکیه می‌کنند.^۲ در واقع، ارتباطات اجتماعی و روابط فردی می‌تواند به توضیح این مسأله کمک کند که چرا برخی از افراط‌گرایان درگیر خشونت می‌شوند و برخی دیگر نه. برای نمونه، یک مطالعه تخمین می‌زند که عضوگیری هم‌سالان بیش از ۸۰ درصد از جذب نیروی داعش را به خود اختصاص می‌دهد.^۳

رسانه‌های اجتماعی، عامل افراط‌گرایی خشونت‌طلب نیستند، بلکه تقویت‌کننده و شتاب‌دهنده‌ای قدرتمند آن هستند. فضای دیجیتال و دسترسی فزاینده به گوشی‌های هوشمند و اتصال به اینترنت به تسهیل رادیکال شدن و جذب نیرو کمک می‌کنند. به زعم جان برنان، رییس سی.آی.ای، اینترنت، ابزاری در اختیار

^۱ Shannon N. Green, "Changing the Narrative: Countering Violent Extremist Propaganda," CSIS Commentary, September ۲۵, ۲۰۱۵, <https://www.csis.org/analysis/changing-narrative-countering-violent-extremist-propaganda>.

^۲ Marc Sageman, *Understanding Terror Networks* (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, ۲۰۰۴).

^۳ Scott Atran, "ISIS Is a Revolution: All World-Altering Revolutions Are Born in Danger and Death, Brotherhood and Joy. How Can This One Be Stopped?," AEON, December ۱۵, ۲۰۱۵, <https://aeon.co/essays/why-isis-has-the-potential-to-be-a-world-altering-revolution>.

گروه‌های افراط‌گرا می‌گذارد تا به «هماهنگی عملیات‌ها، جذب نیروهای جدید، انتشار تبلیغات و الهام بخشیدن به هواداران در سرتاسر جهان» پردازند.^۱

برداشت‌های متفاوت درباره علل افراط‌گرایی خشونت طلب



آینده این تهدید

این کمیسیون در جریان بسط رهنمودهای خود به این امر پرداخت که ایدئولوژی‌ها افراط‌گرایانه امروزه چگونه نمود می‌یابند و چشم‌انداز آن‌ها در ۱۰ سال آینده چه خواهد بود. استراتژی این گزارش آینده‌نگرانه است و به منظور هدایت تلاش‌های مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب در یک دهه آینده تدوین شده است. مبنای این پیش‌بینی، مصاحبه با افراط‌گرایان پیشین، پژوهشگران، جوانان، سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب در ایالات متحده، اروپا، خاورمیانه، آفریقا و آسیا و کارشناسان خود این کمیسیون است.

آینده

این کمیسیون خاطرنشان می‌کند که احتمالاً، رقابت فزاینده بین شبکه‌های تروریستی؛ حملات بیشتر اما ساده‌تر؛ و جذب نیروی گسترده‌تر، مشخصه آینده تروریسم خواهند بود. شکل و صورت تهدید تروریستی احتمالاً به شیوه‌های غیرقابل تصور تغییر خواهد کرد. بنابراین، تلاش‌ها برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب باید به پیش‌بینی آینده‌ای پردازد که هم ما و هم افراط‌گرایان خشونت طلب به استفاده از ویژگی‌های فناوری‌ها، زیرساخت‌ها و ابداعات جدید می‌پردازیم.

^۱ "CIA Director Brennan: Social Media Makes It Harder to Fight Terror," NBC News, March ۱۳, ۲۰۱۵, <http://www.nbcnews.com/storyline/isis-terror/cia-director-brennan-social-media-makes-it-harder-fight-terror-n۳۲۳۱۵۱>.

فعالیت مجدد القاعده

بیشتر کسانی که با آنها مصاحبه کردیم، انتظار فعالیت مجدد القاعده را داشتند. کارشناسان اشاره می‌کنند که وقتی داعش با توسل به نیروی نظامی مغلوب شود، کسانی که جذب ایدئولوژی آن شده‌اند، به دنبال مأمون و پناهگاه تازه‌ای خواهند گشت که به احتمال زیاد القاعده خواهد بود. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان، «القاعده می‌خواهد مدت‌های مدید نقش‌آفرینی کند. در ماه رمضان گذشته، داعش هفت ویدئو منتشر کرده است، در حالی که تعداد ویدیوهای القاعده ۳۰۰ عدد بوده است». برخی اشاره داشتند که جبهه النصره (که اخیراً نام خود را به جبهه فتح شام تغییر داد) در پی افول داعش، به دنبال افزایش قابل ملاحظه جایگاه خود است. به گفته یکی از طرف‌های مصاحبه‌ما، جبهه النصره بی‌وقفه مشغول ریشه‌دوانیدن و جلب حمایت در سرتاسر سوریه بوده و حکمرانی میان‌روتری از داعش عرضه کرده است.

تاکتیک‌ها

مصاحبه‌شوندگان پیش‌بینی کردند که کارزار نظامی علیه داعش در سوریه و عراق و تلاش‌های انتظامی و اطلاعاتی متوجه جنگجویان خارجی باعث می‌شود که آنها بیش از پیش بر حملات داخلی تمرکز کنند. به این ترتیب، افراط‌گرایی که در داخل کشور پرورش یافته‌اند، به تهدیدی بزرگ‌تر بدل می‌شوند. این احتمال وجود دارد که گروه‌های تروریستی همچنان به سیر حرکت خود به سمت حملات در قالب گروه‌های کوچک یا حملات فردی ادامه دهند و از سلاح‌های ساده‌تر و سهل‌الوصول‌تر استفاده کنند. این حملات مستلزم آموزش، برنامه‌ریزی یا هماهنگی گسترده نیستند، در نتیجه کشف و شناسایی آنها سخت‌تر می‌شود اما دیگر به اندازه گذشته تلفات نخواهند داشت.

استفاده از رسانه‌های اجتماعی

بنا بر پیش‌بینی‌ها، استفاده افراط‌گرایان خشونت‌طلب از رسانه‌های اجتماعی نیز دستخوش تحول و دگرگونی می‌شود. به گفته یکی از طرف‌های مصاحبه‌ما، تروریست‌ها به دنبال نرم‌افزارهای خصوصی و دارای رمزگذاری مانند واتس‌آپ و تلگرام می‌روند و در این راستا فضاهای اجتماعی کوچک‌تر مانند فرندیکا^۱، کیک^۲، ویکر^۳ و وی‌کی^۴، مدل روسی فیس‌بوک، را امتحان کرده‌اند. با این حال، کارشناسان صنعتی انتظار دارند که توییتر، فیس‌بوک و یوتیوب همچنان اهمیت خود را حفظ خواهند کرد، زیرا فرصت‌هایی بی‌نظیر برای دسترسی و ارتباطات فراهم می‌سازند.

^۱ Friendica

^۲ KIK

^۳ WICKR

^۴ VKontakte

توصیف مختصر مأموران عضوگیری

کارشناسان می‌گویند که گروه‌های افراط‌گرایی خشونت طلب احتمالاً به منابع جذب نیروی خود تنوع می‌دهند و بیش از گذشته، به دنبال زنان و نسل‌های پیرتر و جوان‌تر می‌روند. به گفته یکی از دست‌اندرکاران نیجریه‌ای مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب، «آن‌ها تلاش می‌کنند که زنان و مردان سالمندتر را جذب کنند، چرا که در حال حاضر تمرکز سازمان‌های امنیتی بیشتر معطوف بر افراد جوان است». تروریست‌ها جذب کودکان در دوران پیش از نوجوانی را شروع کرده‌اند، روندی که به احتمال زیاد شتاب خواهد گرفت. کارشناس پیش‌بینی می‌کنند که حضور زنان در نقش‌های پر سر و صدا به عنوان حامیان، بسیج‌گران و اعضای گروه‌های تروریستی همچنان از مشخصه‌های بارز چشم‌انداز آینده خواهد بود. در نهایت، طرف‌های مصاحبه بر این تأکید داشتند که کسانی که به این ایدئولوژی‌ها رو می‌آورند، بسیار مستعد رادیکال شدن هستند، زیرا این فرایند گرویدن، زندگی فرد را به نحو چشمگیری تغییر می‌دهد و شبکه‌ها و روابط اجتماعی موجود را از بین می‌برد و به افراط‌گرایان خشونت طلب اجازه می‌دهد که آن‌ها را فریب دهند تا تفاسیری تحریف‌شده از اسلام را بپذیرند.

سوء استفاده افراط‌گرایان خشونت طلب از فضاهای دیجیتال، این فرصت و امکان را در اختیار تروریست‌های احتمالی می‌گذارد تا در فضای مجازی به دنبال الهام‌بخشی و اطلاعات بگردند و بدون اینکه بخواهند خانه و کاشانه خود را ترک کنند، حول محور یک گروه تروریستی که یک نشان، ایده یا روش‌شناسی محسوب می‌شود، جمع شوند.^۱ استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی، مختل کردن طرح و برنامه‌های افراط‌گرایان خشونت طلب را دشوارتر کرده است. سازمان‌های امنیتی مجبورند که تعداد بسیار بیشتری از توطئه‌گران بالقوه را ردیابی کنند و این به تروریست‌ها مجال می‌دهد تا عملیات‌های بزرگ‌تر و پیچیده‌تری نسبت به اقدامات سابق‌شان انجام دهند.^۲

محیط‌های مساعد افراط‌گرایی

تغییرات اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و فنی به محیط‌های بیش از پیش پیچیده و تنش‌آمیز کمک کرده و این فرصت را برای ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه فراهم ساخته تا ریشه بدوانند. به نوبت باید به بررسی ابعاد این چالش پرداخت:

خشونت گسترده -چه دولت مقصر آن باشد و چه منازعات داخلی- محیط‌هایی ایجاد می‌کند که مطلوب و مساعد رادیکال شدن هستند. شاخص تروریسم جهانی^۳ در سال ۲۰۱۵ به معرفی دو عاملی می‌پردازد که با فعالیت تروریستی ارتباط تنگاتنگی دارند: خشونت سیاسی که دولت مرتکب می‌شود و

^۱ Kilcullen, Blood Year, ۱۲۰-۱۲۳.

^۲ Ibid.

^۳ The Global Terrorism Index

وجود یک منازعه مسلحانه گسترده. ۸۸ درصد از حملات تروریستی سال ۲۰۱۵ در کشورهای انجام شدند که درگیر منازعه و جنگ بودند.^۱ در این محیط‌ها، گروه‌ها تروریستی می‌توانند از هرج و مرج و خلاء ناشی از اضمحلال دولت استفاده کنند. پس به نظر می‌رسد که افراط‌گرایی خشونت‌طلب، همان‌قدر که نتیجه منازعه و بی‌نظمی است، به این شرایط هم کمک می‌کند.^۲

از نظر بسیاری از جوانان خاورمیانه و شمال آفریقا، ناکامی‌ها و سرخورده‌گی‌های ناشی از بهار عربی، به شکل چشمگیری بر احساس انزوا و ضعف افزودند. در سرتاسر این منطقه، بهار عربی شاهد نسلی بود که فریاد اعتراض سیاسی خود را اسیر سرکوب یافت. حدود پنج سال بعد، نوید و امید به دموکراسی لیبرال رنگ باخته و از مطلوبیت ایدئولوژی‌های دیگری مانند ناسیونالیسم عربی و اسلام سیاسی کاسته شده است. این عوامل، جنبه‌های ایدئولوژیک را نادیده می‌گیرند تا به جریان‌های نامستاهل‌تر و خشونت‌طلب‌تر بپردازند.^۳

اوضاع ژئوپلیتیک باعث ایجاد قرائت‌هایی می‌شود که به افراط‌گرایان خشونت‌طلب امکان فریب و جلب حمایت و هواداری مردمی را می‌دهد. منازعه دیرینه اسرائیل-فلسطین، نقطه‌ای حساس در اختیار مبلغان تروریست می‌گذارد که از آن استفاده کرده و روایت «ما در برابر آن‌ها» را به خورد مردم دهند. به همین ترتیب، تهاجم عراق و افغانستان هم برای تبلیغات‌چی‌های افراط‌گرا، خوراکی سودمند درباره «پیکار با غرب» فراهم کرده است. این امر در مورد خط‌مشی فرقه‌گرایانه هم صادق است. توافق هسته‌ای ایران به تئوری توطئه پیرامون برنامه ایالات متحده برای شکننده و ضعیف نگه داشتن اعراب سنی جان تازه بخشید. از نظر برخی، عدم دخالت ایالات متحده در سوریه در نبرد با رژیم اسد، سنگدلی و اشنگتن نسبت به رنج کشیدن جمعی سنی‌ها را نشان می‌دهد. مأموران عضوگیری تروریست‌ها، از این مثال‌ها استفاده می‌کنند تا ثابت کنند غرب در جنگ با اسلام است و مسلمانان در کشورهای غربی هرگز نخواهند توانست که ارزش و جایگاه واقعی خود را به دست آورند.

ارزیابی تلاش‌های صورت گرفته تا به امروز

ماهیت و گستره چند وجهی افراط‌گرایی خشونت‌طلب در زمان حاضر، چالشی عمیق را پیش روی استراتژی‌های جاری قرار داده است. ایده‌های افراط‌گرایانه خطر جذب نسلی را همراه دارد که از وضع موجود به ستوه آمده‌اند و به دنبال تغییر آن هستند و در صورت لزوم، از توسل به ابزار انقلابی یا خشونت طلبانه نیز ابایی ندارند. طرح‌ریزی و تدوین پاسخی کارآمد مستلزم آن است که ابتدا متوجه نقصان‌های

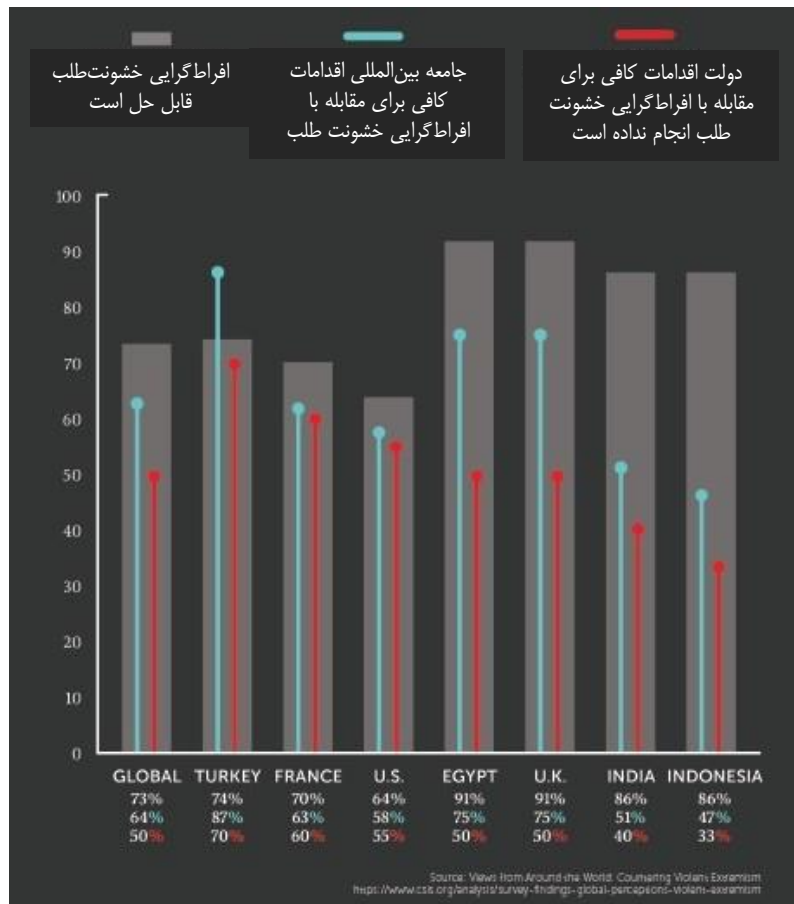
^۱ IEP, Global Terrorism Index, ۲۰۱۵, ۴.

^۲ International Crisis Group, Exploiting Disorder: al-Qaeda and the Islamic State (Brussels: International Crisis Group, March ۲۰۱۶), <https://d20v1andvip.wj.cloudfront.net/exploiting-disorder-al-qaeda-and-the-islamic-state.pdf>.

^۳ Ibid.

مفهومی، سازمانی و منابع شویم که تا به امروز مانع تلاش‌ها برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب شده‌اند.

افراط‌گرایی خشونت‌طلب شایان توجه بیشتری است



چالش‌های مفهومی

دولت‌های مختلف ایالات متحده، حکومت‌های خارجی و بازیگران دیگر، منابع قابل توجهی را وقف تلاش برای درک و پاسخ به افراط‌گرایی خشونت‌طلب کرده‌اند. از همان آغاز، چالش‌های مفهومی زیادی مانع این تلاش‌ها بوده‌اند:

- سیاست‌گذاران ایالات متحده، جاذبه افراط‌گرایی خشونت‌طلب را شدیداً دست‌کم گرفته‌اند، امری که اختصاص بودجه و نیروی انسانی لازم برای پرداختن به این معضل را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته است.
- دولت‌های مختلف ایالات متحده در تدارک و ارائه رهبری و بینش لازم برای پرداختن به بُعد ایدئولوژیک این تهدید ناکام بوده‌اند.
- ایالات متحده در تلاش بوده تا دریابد چگونه باید از پس ایدئولوژی که خود را در پوشش اسلام «پنهان می‌کند» برآید و درگیر مسائل مرتبط با تفسیر مذهبی یا بیگانه و بیزار ساختن مسلمانان نشود.

- سیاست‌گذاران ایالات متحده، افراط‌گرایی خشونت‌طلب را بیشتر پدیده‌ای محدود به خاورمیانه یا یک گروه خاص تلقی کرده‌اند تا نزاعی جهانی و نسلی که امروزه شاهد آن هستیم.
- بازیگران حکومتی می‌خواهند که تلاش‌های داخلی و بین‌المللی برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب را از هم تفکیک کنند، گرچه که در درون رسانه‌های اجتماعی، ایدئولوژی آشکارا حد و مرزی نمی‌شناسد.
- تلاش‌های حامیان و دست‌اندرکاران مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب، هماهنگ و یکپارچه نیستند. در خصوص مؤلفه‌های اصلی یا اهداف این حوزه، یعنی نحوه تعریف مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب یا در واقع خود افراط‌گرایی خشونت‌طلب؛ نحوه هدف قرار دادن، شیوه انجام تلاش‌ها؛ نحوه هماهنگی تمهیدات برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب با تلاش‌های اطلاعاتی، نظامی و انتظامی؛ و شیوه ارزیابی موفقیت هیچ اجماع نظری وجود ندارد.
- پژوهشگران هنوز به دنبال پاسخ‌هایی قطعی پیرامون فرایند رادیکال شدن، بارزترین محرک‌ها و نحوه تأثیرگذاری متقابل این محرک‌ها بر یکدیگر و محیطی که فرایند رادیکال شدن در آن واقع می‌شود، کارآمدترین استراتژی‌ها برای توقف چرخه رادیکال شدن و جذب نیرو هستند.
- بازیگران جامعه مدنی هنوز مطمئن نیستند که آیا افراط‌گرایی خشونت‌طلب اساساً چالشی نظامی و انتظامی است - که این بازیگران مدنی نمی‌توانند کمک چندانی به آن کنند - یا معضل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.

مجادلات بی‌وقفه مانع به ثمر نشستن تلاش‌ها برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب، خصوصاً در ایالات متحده بوده‌اند و هدف اصلی مبنی بر احتراز از یک رویکرد کاملاً امنیتی و تمرکز بر پیشگیری را تحت الشعاع قرار داده‌اند. عمدتاً با توجه به اینکه سازمان‌های مجری قانون، رهبری تلاش‌های داخلی برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب را برعهده داشته‌اند، بسیار از فعالان مسلمان در ایالات متحده، مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب را پوششی برای عملیات‌های ضد تروریسم تلقی می‌کنند. آنها می‌گویند که این تلاش‌ها به امنیتی شدن رابطه‌شان با حکومت، منزوی شدن کل جوامع و واداشتن جوانان به ارتکاب جرایمی که بدون محرک‌های بیرونی مرتکب آن نمی‌شدند، انجامیده است.

در سطح جهانی، رویکرد جامع و پویا برای پیشگیری از افراط‌گرایی خشونت‌طلب، شتاب گرفته است. برنامه اقدام برای پیشگیری از افراط‌گرایی خشونت‌طلب دبیرکل سازمان ملل^۱ بر این تفکر تأکید کرده و برای پرداختن به شرایط بنیادینی که افراد را در برابر رادیکال شدن و جذب در سازمان‌های خشونت‌طلب آسیب‌پذیر می‌سازد، رویکردی جامع ارائه می‌کند. گرچه، این برنامه منتقدان خود را هم دارد. گروه‌های حقوق بشری ابراز نگرانی کرده‌اند که این برنامه، خطر امنیتی کردن و از بین بردن تلاش‌های صورت گرفته

^۱ The UN Secretary General's Plan of Action on Preventing Violent Extremism

برای توسعه و برقراری صلح را به همراه دارد و می‌گویند که تعهدات حقوق بشری حکومت‌ها تابع اقدامات مقابله با افراطگرایی خشونت طلب می‌شود. دانشگاهیان و دست‌اندرکاران می‌گویند که اتخاذ چنین رویکرد گسترده‌ای به کاهش حمایت‌ها از گروه‌های افراط‌گرای خشونت طلب منتهی نخواهد شد، زیرا انواع مختلف تهدیدات و پاسخ‌ها را با هم خلط می‌کند. برخی از حکومت‌های خارجی، خصوصاً حکومت‌های خاورمیانه، از این مسأله شکایت دارند که تلاش‌های برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، تأثیر سیاست خارجی و اقدام نظامی ایالات متحده و غربی‌ها بر حمایت از افراطگرایی خشونت طلب را نادیده می‌گیرد. در نهایت، بازیگران جامعه مدنی، تناقض و ناهماهنگی حکومت ایالات متحده در اعتراض علنی به پس روی، تزویر و سوءاستفاده‌های رژیم‌های فاسدی که اغلب شریک مبارزه با تروریسم هستند، را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

در نتیجه این چنددستگی، بسیاری از بازیگران کلیدی، از جمله بخش خصوصی، انجمن‌های خیریه، سازمان‌های غیرحکومتی، رهبران مذهبی، چهره‌های فرهنگ عامه و دیگران، نتوانسته‌اند آن‌طور که برای حل و فصل بحران‌های بزرگ جهانی دیگر مانند تغییر اقلیمی، اچ‌آی‌وی/ایدز یا قاچاق همکاری کرده‌اند، حول محور مقابله با افراطگرایی خشونت طلب بسیج شوند.

چالش‌های سازمانی و بودجه‌ای

رهبران سیاسی، خصوصاً پس از حملات جنجال‌برانگیز، از تعهد خود به «پیروزی در نبرد ایده‌ها» سخن می‌گویند اما در خصوص استراتژی‌ها، منابع، ابزار و همکاری‌های لازم برای مقابله کارآمد با ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه، هیچ اجماع نظری وجود ندارد. چالش‌های سازمانی، عملیاتی و بودجه‌ای زیر مانع یک پاسخ منسجم و هماهنگ بوده‌اند:

- **هماهنگی در داخل حکومت.** تا به امروز، تلاش‌های حکومت ایالات متحده برای پرداختن به افراطگرایی خشونت طلب، چندپاره و پراکنده بوده‌اند. بین مراکز حکومتی، بین‌المللی و داخلی، غیرنظامی و نظامی، انتظامی و خدمات اجتماعی هماهنگی کافی وجود نداشته است. در نتیجه، تلاش‌ها برای پاسخ به طیفی از چالش‌های پیش روی جوامع اسلامی در ایالات متحده یا هم‌سویی دستورکارهای دیپلماتیک، توسعه و ارتباطات استراتژیک در خارج از مرزها ناکام مانده است. ایجاد کارگروه ویژه بین‌سازمانی مقابله با افراطگرایی خشونت طلب - به میزبانی وزارت امنیت داخلی و رهبری کلی وزارت امنیت داخلی و وزارت دادگستری - و دایره ضدتروریسم و مقابله با افراطگرایی خشونت طلب در وزارت امور خارجه برای هماهنگی تلاش‌های داخلی و بین‌المللی جهت مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، گام‌هایی در مسیر درست هستند. با این حال، تلاش‌های صورت گرفته در

راستای دیپلماسی و پیام‌رسانی عمومی به رهبری مرکز تعامل جهانی^۱ خارج از حیطه این ساختارها قرار می‌گیرد. مسأله ددرسازتر این است که در شورای امنیت ملی ایالات متحده، مسئولیت‌ها پراکنده و نامشخص هستند. در حال حاضر، شورای امنیت ملی خود سه هیأت مدیره دارد و همچنین هیأت‌مدیره‌هایی منطقه‌ای و کارویژه‌ای نیز دارد که مسئول برخی از جنبه‌های مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب هستند و به مشاوران امنیت ملی، گزارش‌هایی متفاوت می‌دهند. برای بهره‌برداری از کلیه امکانات مرتبط و در نتیجه افزایش مسئولیت‌پذیری در برابر پیامدها، نیازمند رهبری و تعهد یکپارچه، اول از همه در خود کاخ سفید، هستیم.

- همکاری بین‌المللی با سایر دولت‌ها. بسیاری از شرکا و متحدان ما در کشورهای خود، پرچمدار تلاش‌هایی امیدوارکننده در مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب بوده‌اند، از جمله در خصوص چالش نوظهور رادیکال‌زدایی^۲، توان‌بخشی و ادغام دوباره جنگجویانی که از مناطق درگیری برمی‌گردند یا دوران محکومیت آنان در ارتباط با جرایم مرتبط با تروریسم رو به پایان است. با اینکه هنوز به دنبال ارزیابی تأثیر این برنامه‌ها هستیم، حکومت ایالات متحده می‌تواند و باید از تجربیات این کشورها استفاده کند. چندین مجمع برای این تبادل اطلاعات وجود دارد که مجمع جهانی مبارزه با تروریسم^۳ از برجسته‌ترین آن‌ها است و کارشناسان و دست‌اندرکاران این حوزه را از گوشه و کنار جهان گرد هم می‌آورد تا تخصص خود را به اشتراک گذاشته و به تدوین ابزار و استراتژی‌هایی در زمینه مبارزه با تروریسم پردازند. مجمع جهانی مبارزه با تروریسم، از طریق کارگروه مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب خود، از توسعه برنامه‌های ملی اقدام برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب حمایت می‌کند. با این حال، تبادل بهترین رویه‌ها امری گاه به گاه و اغلب در سطوح بسیار عالی‌تر از آن بوده که در عمل به مسئولان اجرای سیاست‌ها یا برنامه‌های مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب نفعی برساند یا تداوم پیدا کند. علاوه بر این، این مجمع‌ها معمولاً بر مهار گسترش ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه تمرکز چندانی ندارند. ایالات متحده باید به تقویت سازوکارهای لازم برای همکاری با متحدان کلیدی در سرتاسر جهان، در سطوح مختلف، پردازد و این همکاری مشخصاً باید متوجه کاهش جاذبه و کشش افراط‌گرایی خشونت‌طلب باشد.

- همکاری با شرکای غیردولتی. اکنون فرصت‌های بی‌نظیری برای همکاری‌هایی مبتکرانه جهت مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب و نموده‌های آن وجود دارد؛ و دلیل آن هم این است که مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب مستلزم تعامل با طیف گسترده‌ای از گروه‌های ذی‌نفع است. گرچه، تا به امروز، ائتلاف‌های موقت یا عجولانه مشخصه بارز شراکت‌های عمومی-خصوصی و شراکت‌های خصوصی-

^۱ Global Engagement Center

^۲ deradicalizing

^۳ Global Counterterrorism Forum (GCTF)

خصوصی بوده‌اند. نمایندگان بخش خصوصی، مدیران صنعت سرگرمی و رهبران جامعه مدنی از دست‌اندازی، اظهار علاقه گسترده برای همکاری در عین تقاضای منسجم ناچیز و پیگیری اندک از جانب مقامات ایالات متحده، شکایت دارند. ایجاد شراکت‌های پایدار و بلندمدت مستلزم بازسازی اعتماد بین حکومت و جوامع شریک و تعریف بهتر گستره همکاری است.

- **ارزیابی.** رهبران سیاسی و بودجه‌گذاران کنگره بیشتر بر مسائلی تمرکز می‌کنند که قابلیت سنجش و اندازه‌گیری داشته باشند. تعداد تروریست‌های کشته شده یا تعداد نیروهای اعزامی در چارچوب استاندارد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد که راحت می‌تواند هیات‌های نظارتی حکومت را قانع کند. پاسخگویی و نتایج اهمیت بسزایی دارند. با این حال، به قول این ضرب‌المثل قدیمی که «عقلش به چشمش است»^۱ متأسفانه این مسأله می‌تواند مداخلات صورت گرفته را تحریف کند. تلاش‌های بلندمدت برای توقف چرخه رادیکال شدن و جذب نیرو، کمیت‌پذیری نمی‌شناسد و مستلزم صبوری بیشتر و راه‌های خلاقانه متعدد برای ارزیابی نگرش و تغییرات رفتاری در طول زمان است.
- **تأمین بودجه.** با وجود تعهد لفظی به پیشگیری و مقابله با افراطگرایی خشونت طلب در یک دهه گذشته، منابع برنامه‌ای برای این تلاش‌ها عینیت پیدا نکرده‌اند. در داخل حکومت ایالات متحده، دفتر شراکت‌های اجتماعی در وزارت امنیت داخلی^۲ که مسئولیت ارتباط با شبکه شرکای محلی و حمایت از آنان را برعهده دارد، در سال ۲۰۱۶ تنها ۱۰۰ میلیون دلار برای برنامه‌های کمک هزینه تحصیلی و تقریباً ۳ میلیون دلار برای کارکنان و دیگر هزینه‌های عملیاتی در اختیار دارد. این میزان از بودجه را می‌توان با ۲ میلیارد دلاری که اداره تحقیقات فدرال (اف.بی.آی)^۳ در سال ۲۰۱۶ تنها برای تحقیقات مبارزه با تروریسم صرف کرده یا ۷/۳ میلیارد دلاری که اداره امنیت حمل و نقل در سال ۲۰۱۶ در اختیار داشته، مقایسه کرد.

منابعی نیز که در اختیار تلاش‌های بین‌المللی قرار دارد به همین اندازه محدود و ناچیز است. اگرچه با توجه با چالش‌هایی که پیش‌تر ذکر شد، تعیین آمار و ارقام دقیق بسیار دشوار است؛ وزارت امور خارجه و نمایندگی ایالات متحده برای توسعه بین‌المللی در سال ۲۰۱۶ برای برنامه‌ریزی و تجهیز پرسنل جهت مقابله با افراطگرایی خشونت طلب بودجه تقریبی ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون دلاری در اختیار داشتند. دولت در بودجه سال ۲۰۱۷، برای تلاش‌های بین‌المللی جهت مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، خواستار ۱۸۷ میلیون دلار شده است (تقریباً دو برابر بودجه درخواستی در سال ۲۰۱۵)، گرچه متقاعد کردن کنگره به اینکه سرمایه

^۱ what gets measured gets done

اصل ضرب‌المثل یا اصطلاح این است که تنها چیزی را که بتوان مشاهده کرد و سنجید می‌توان انجام داد و مدیریت نمود.

^۲ the Office of Community Partnerships at DHS

^۳ Federal Bureau of Investigation (FBI)

گذاری در تلاش‌های پیشگیرانه مزایا و محسنات خود را دارد، همچنان نبردی دشوار است.^۱ حتی تخصیص منابع برای پاسخ‌گویی کامل به مصائب انسانی سوریه دشوار بوده است. ایالات متحده برای حمایت از پناهندگان سوری و آوارگان داخلی این کشور، از سال ۲۰۱۱، ۵/۹ میلیارد دلار کمک مالی کرده است و این تنها بخش ناچیزی از این نیاز را برآورده می‌سازد.^۲ در مقابل، ایالات متحده سالانه بیش از ۵۰ میلیارد دلار را برای تلاش‌های اطلاعاتی و تقریباً ۶۰ میلیارد دلار را برای فعالیتهای نظامی مرتبط با مبارزه با تروریسم هزینه می‌کند.^۳

با همه این اوصاف، مخارج تمهیدات «قدرت نرم» برای مقابله با ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه، چه در داخل و چه خارج، مجموعاً حدود یک دهم از ۱ درصد منابع اختصاص یافته به تلاش‌های نظامی، انتظامی و اطلاعاتی برای مقابله با تروریسم است.

بیرون از دولت ایالات متحده هم تصویر به همین اندازه تیره و تار است. تلاش‌ها برای راضی کردن بخش خصوصی و بنیادها جهت تأمین بودجه مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب بسیار مایوس‌کننده بوده و دلیل آن عمدتاً نگرانی‌های ناشی از فعالیت در حوزه مرتبط با مقابله با تروریسم است و اینکه این مقابله وظیفه دولت ایالات متحده تصور می‌شود. برخی شرکت‌ها و بنیادها در حمایت از تلاش‌های محلی پیش قدم شده‌اند و بخش فناوری هدایت برخی از تمهیدات امیدوارکننده در استفاده از پیام‌های مثبت برای مقابله با نفرت‌پراکنی را هدایت کرده‌اند.^۴ با این حال، کسری بودجه چشمگیر، توانایی بازیگران قابل‌اعتماد اجتماعی و جامعه مدنی برای بسیج علیه افراط‌گرایی خشونت‌طلب و مقابله با انعطاف‌پذیری، انسجام و توان لازم را با آن را محدود کرده است.

^۱ Susan B. Epstein, Marian L. Lawson, and Alex Tiersky, “FY2017 State, Foreign Operations and Related Programs Budget Request: In Brief,” Congressional Research Service, February 19, 2016,

http://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc824741/m2/1/high_res_d/R44391_2016Feb19.pdf

^۲ U.S. Department of State, “Syrian Refugee Response,”

<http://www.state.gov/j/prm/policyissues/issues/refugeeresponse/>.

^۳ Susan B. Epstein and Lynn M. Williams, “Overseas Contingency Operations Funding: Background and Status,” Congressional Research Service, June 13, 2016, <https://www.fas.org/sgp/crs/natsec/R44519.pdf>.

^۴ Matt Weinberger, “This CEO Barely Survived the 2008 Market Crash—Now His Startup Has 400 Million Users, and It’s Going Head-to-Head with Facebook,” Business Insider, March 20, 2016,

<http://www.businessinsider.com/anchorfree-ceo-david-gorodyansky-interview-2016-3>; Andy Greenberg,

“Google’s Clever Plan to Stop Aspiring ISIS Recruits,” Wired, September 7, 2016,

<https://www.wired.com/2016/09/googles-clever-plan-stop-aspiring-isis-recruits/>.

^۵ برای نمونه، در مینیاپولیس، شرکت‌های محلی برای حمایت از تلاش‌ها جهت مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب، مبلغ ۲ میلیون دلار را منقل شده‌اند. این منابع عمدتاً به دلیل تلاش‌های بی‌وقفه دادستانی ایالات متحده و وخامت چالش افراط‌گرایی در این شهر محقق شده‌اند.

یک استراتژی جدید جامع برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب

ایالات متحده و متحدان آن برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب، نیازمند یک استراتژی جدید و جامع هستند. تکیه بر مبارزه با تروریست‌ها در خارج از مرزها، تا دیگر مجبور نباشیم در داخل خاک خودمان با آن‌ها مواجه شویم، شاید در کوتاه‌مدت مؤثر باشد اما اگر به طرز چشمگیری از جذابیت ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه نکاهیم، در بلندمدت ناکام خواهد ماند.

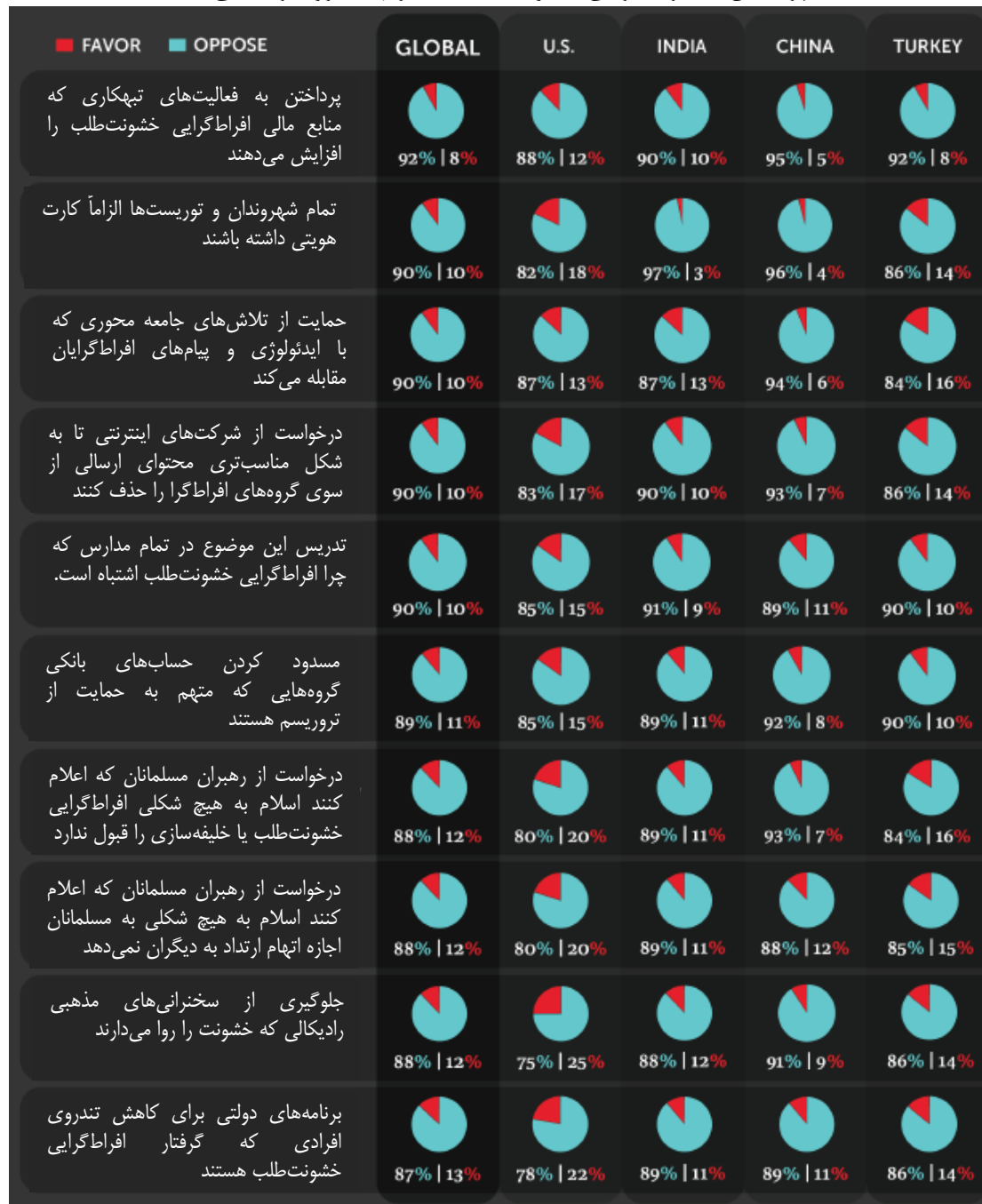
یک استراتژی جدید برای پیشگیری و مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب باید:

- ۱) ایستادگی در برابر ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه را تقویت کند: برپایی یک مشارکت جهانی جدید حول محور اصلاحات آموزشی و گسترش تلاش‌ها برای افزایش احترام به تکرر مذهبی، مهار گسترش عدم تساهل و تقویت ایستادگی جامعه در برابر قرائت‌های افراط‌گرایانه.
- ۲) در پیشگیری جامعه محور سرمایه‌گذاری نماید: توانمند کردن جامعه مدنی برای شناسایی و مختل ساختن رادیکال‌سازی و جذب نیرو و توان‌بخشی و ادغام دوباره آنانی که تسلیم ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه شده‌اند.
- ۳) بازار جهانی ایده‌ها را اشباع کند: بسیج شرکت‌های فناوری، صنعت سرگرمی، رهبران اجتماعی، چهره‌های مذهبی و دیگران برای رقابت با قرائت‌های افراط‌گرایانه در فضاهای مجازی و واقعی و غلبه بر این روایت‌ها.
- ۴) سیاست‌ها و ارزش‌ها را همراستا نماید: قرار دادن حقوق بشر در محور مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب و تضمین اینکه تعامل ایالات متحده با شرکای خارجی باعث پیشبرد حاکمیت قانون، منزلت و عدالت می‌شود.
- ۵) ابزار نظامی و انتظامی را به کار بگیرد: ایجاد یک قابلیت و ائتلاف جدید برای بیرون راندن سریع گروه‌های تروریستی که کنترل منطقه‌ای را به دست می‌گیرند، دفع و پاسخ به تهدیدات مستقیم، کاهش ابراز قدرت افراط‌گرایان خشونت‌طلب و حراست از امنیت خود و امنیت متحدان و شرکای خود.

این پنج عنصر استراتژیک شامل فعالیت‌هایی می‌شوند که مختص مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب و مرتبط با افراط‌گرایی خشونت‌طلب هستند. فعالیت‌های مختص به افراط‌گرایی خشونت‌طلب به تمهیدات طراحی شده برای پیشگیری از افراط‌گرایی خشونت‌طلب به شیوه‌ای مستقیم و هدفمند اشاره دارند، مانند برخورد با کسی که جذب ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه شده است. در مقابل، فعالیت‌های مرتبط با افراط‌گرایی خشونت‌طلب کلی‌تر هستند و می‌خواهند که به شیوه‌ای غیرمستقیم، از آسیب‌پذیری در برابر افراط

گرایی بکاهند.^۱ تلاش‌های مرتبط به مقابله با افراطگرایی خشونت طلب اساساً از طریق آموزش و پرورش، توسعه، حقوق بشر و برنامه‌های حکمرانی و ابتکار عمل‌های جوانان پیش برده می‌شوند.

پرداختن به افراطگرایی خشونت طلب مستلزم یک رویکرد جامع است



این استراتژی درصدد پُر کردن خلأهای موجود در تلاش‌های جاری ایالات متحده و تقویت تلاش‌های کارآمد و مؤثر است؛ و بر اقداماتی تمرکز می‌کند که حکومت ایالات متحده باید در شراکت با گروه‌های ذی

^۱ Peter Romaniuk, Does CVE Work?: Lessons Learned from the Global Effort to Counter Violent Extremism (Washington, DC: Global Center on Cooperative Security, September ۲۰۱۵), http://www.globalcenter.org/wpcontent/uploads/۲۰۱۵/۰۹/Does-CVE-Work_۲۰۱۵.pdf.

نفع مهم، در ایالات متحده و خارج از آن، انجام دهد. این عناصر اگر همراه با هم و در مقیاس مناسب و با شرکای درست اجرایی شوند، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کاهش دامنه دسترسی و تجدید حیات گروه‌های افراط‌گرای خشونت طلب خواهند داشت.

۱. تقویت ایستادگی در برابر ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه

افراط‌گرایان خشونت طلب به دنبال این هستند که بینش خود از مذهب و حکومت را بر جامعه تحمیل نمایند و در صورت لزوم، از توسل به زور هم ابایی ندارند. بیش از یک نسل است که اهداکنندگان خصوصی کمک‌های مالی در کشورهای حاشیه خلیج فارس و جاهای دیگر با تأمین بودجه مساجد، مدارس و رسانه‌های مختلفی که به مخالفت با عرف‌ها و برداشتهای بومی و سنتی از مذهب، فرهنگ، اجتماع یا سیاست در تناقض با دیدگاه‌های افراط‌گرایان پرداخته‌اند، به گسترش ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه کمک کرده‌اند. ما علاوه بر تشدید فرقه‌گرایی و خشونت در خاورمیانه و شمال آفریقا، شاهد تأثیر و نفوذ این ایدئولوژی‌ها در محیط‌های مختلفی مانند آمریکای شمالی، جنوب و جنوب شرقی آسیا، آسیای میانه، اروپا، شاخ آفریقا و منطقه ساحل هم هستیم.

تکیه بر مبارزه با تروریست‌ها در خارج از مرزها، تا دیگر مجبور نباشیم در داخل خاک خودمان با آنها مواجه شویم، شاید در کوتاه‌مدت مؤثر باشد اما اگر به طرز چشمگیری از جذابیت ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه نگاهییم، در بلندمدت ناکام خواهد ماند.

ایالات متحده و متحدان آن برای تقویت ایستادگی اجتماعی و فردی در برابر ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه باید:

- *جلوی صادرات ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه را بگیرند.* حمایت مالی از ایدئولوگ‌ها و گروه‌های افراط‌گرا باید متوقف شود، و بودجه‌های اختصاص یافته برای سازمان‌های مشروع و صلح‌آمیز جامعه مدنی را هم به خطر نیاندازد.
 - *القای احترام به تکثر و تساهل.* ایالات متحده و متحدان آن باید با همکاری یکدیگر اطمینان خاطر پیدا کنند که نظام‌ها و محتوای آموزشی به نگرش‌های نامتساهل، قرائت‌های «ما در برابر آنها» و جانبداری‌هایی که به افراط‌گرایی خشونت طلب دامن می‌زنند، کمک نمی‌کند.
 - *تقویت ایستادگی محلی.* جوامع و افرادی که قادر به حل مسالمت‌آمیز منازعات خود باشند، هویت یا درک محکمی از خویشتن داشته و امکان تعامل مثبت و سازنده با یکدیگر را دارند، بهتر می‌توانند که در برابر درخواست‌های افراط‌گرایانه مقاومت نمایند. این عوامل حمایتی باید تقویت شوند.
- باید جلوی صادرات ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه گرفته شود**

افراد و سازمان‌های مستقر در کشورهای متحد، منبع و الهام‌بخش بخش عمده‌ای از ایدئولوژی هستند که به نهضت‌های افراط‌گرایی خشونت‌طلب جان می‌دهد. بودجه‌ای که مدت‌ها است از جانب سعودی‌ها، قطری‌ها، کویتی‌ها و دیگران سرازیر می‌شود، به پرورش یک جهان‌بینی مخالف با تکثر مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کمک کرده و زمینه‌ای حاصلخیز برای خشونت ایجاد می‌کند. حکومت‌های شریک باید جلوی تأمین بودجه گروه‌هایی که به گسترش ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه پرداخته‌اند را بگیرند و این جریان مالی را مختل ساخته و از بین ببرند، در عین حال هم حمایت‌ها از جامعه مدنی مشروع و صلح دوست و بازیگران خیری که در تلاش برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب مؤثر و کارساز هستند را تضعیف نکنند.

شناسایی و بحث آزادانه درباره مهلک‌ترین اشکال برانگیختن خشونت می‌تواند نقطه آغازی برای کشورهای شریک باشد، خشونتی که اغلب با جذب نیرو و حمایت مادی از تروریسم همراه است. جامعه بین‌المللی در قطعنامه ۱۶۲۴ شورای امنیت سازمان ملل تصریح می‌کند که تمام کشورها ملزم به مهار انگیزه‌ها نسبت به خشونت تروریستی هستند. همچنین، این قطعنامه به ارائه چارچوبی برای منطبق ساختن این وظیفه با حقوق بین‌المللی، علی‌الخصوص قانون حقوق بشر بین‌المللی، قوانین پناهجویان و قوانین بشردوستانه می‌پردازد.

حکومت‌ها، مسئولیت اصلی اقدام علیه افراد یا سازمان‌ها یا نهادهای مشکل‌آفرین و مایه دردسر در داخل مرزهای خود را برعهده دارند. ایالات متحده و متحدان آن برای حمایت از این تلاش‌ها باید کمک فنی فراهم سازند تا اطمینان حاصل شود که پاسخ‌ها، بدون تأثیر منفی بر افراد و سازمان‌های جامعه مدنی که قانوناً و مسالمت‌آمیز فعالیت می‌کنند، متوجه منشأ معضل باشد. اگر کشور میزبان گام‌های جدی برای مهار بازیگران شرور بر ندارد، جامعه بین‌المللی باید تمهیدات کیفری مانند ضبط دارایی‌ها، محدودیت ویزا و سفر و اقدامات جنایی به خاطر حمایت از فعالیت تروریستی را لحاظ نماید.

جامعه بین‌المللی هم باید به جبران تأثیر دهه‌ها تبلیغ مذهبی بر کشورهای تحت تأثیر کمک کند. این همکاری می‌تواند شامل تقویت فرهنگ‌ها و سنت‌های بومی مخالف با نظام‌های عقیدتی افراط‌گرایانه‌تر یا خارجی، تبادل بهترین شیوه‌ها برای کاستن از تأثیر منفی ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه و گسترش برنامه‌های طراحی‌شده برای مهار عدم تساهل، تنش‌های فرقه‌گرایانه و دیگر مشکلات مرتبط با افراط‌گرایی باشد. حکومت‌ها باید گفتگو با بازیگران عادی برای درک بهتر شرایط و چالش‌های پیش روی جوامع و نهادهای محلی را آغاز نمایند.

البته، مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب نمی‌تواند بهانه‌ای برای سرکوب ابراز مذهبی، مخالفت سیاسی یا جامعه مدنی باشد. حکومت‌ها در راستای اصول بین‌المللی باید علیه آن سازمان‌هایی که در معرض خطر تلقی می‌شوند، به اقدام متمرکز و متناسب دست بزنند. علاوه بر این، گام‌های برداشته شده برای تعطیل

کردن سازمان‌های خیریه یا نهادهای مالی که بودجه تروریسم را تأمین می‌کنند، باید با بودجه‌های خیریه سازماندهی شده -از جانب حکومت‌ها و اجتماعات غیرانتفاعی- و دسترسی مالی -از سوی جوامع مالی بین‌المللی و منطقه‌ای- تکمیل شود تا جایگزین خدمات از دست رفته شوند و نیازهای بشردوستانه، علی‌الخصوص در مناطق بحرانی و دارای جمعیت در معرض خطر، برطرف شوند. یک برنامه خیریه و اقدامات حمایتی برای تضمین شمول مالی^۱ می‌تواند از نفرت و رادیکال شدن افراد به هنگام تعطیلی خدمات بکاهد.

القای احترام به کثرت‌گرایی و تساهل

دانش و مهارت‌های تفکر انتقادی، اجزای لاینفک پیشگیری از افراط‌گرایی خشونت طلب هستند. آموزش و پرورش در شکل دادن به جهان‌بینی‌ها، ترویج حقوق شهروندی و کاهش شکاف‌های قومی یا فرقه‌ای، نقشی محوری ایفا می‌کند. برعکس، دانش و درک اندک از آیین‌ها و فرهنگ‌های دیگر می‌تواند افراد را بیش از پیش مستعد قرائت‌های افراط‌گرایانه سازد.^۲ برای نمونه، در برخی از کشورها و جوامع دارای اکثریت مسلمان، آموزش مذهبی به ترویج این ایده‌ها می‌پردازد که همه غیرمسلمانان کافر هستند. این نقطه نظر به خشونت علیه غیرمسلمانان یا علیه خود مسلمانان از فرقه‌های مختلف مشروعیت می‌بخشد. به همین ترتیب، بسیار از غیرمسلمانان و هم‌چنین خود مسلمانان هم درباره اسلام یا تکرر در تاریخ و فرهنگ اسلامی اطلاعات چندانی ندارند.^۳ این جهالت می‌تواند به جار و جنجال، قلدری، نفرت پراکنی، حملات فیزیکی و دیگر برخوردهای خصمانه با مسلمانان، از جمله آن‌هایی که از بی‌رحمی و شقاوت داعش و گروه‌های تروریستی دیگر در گریز هستند، منتهی شود. بنابراین، یک استراتژی جامع برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب باید برنامه‌هایی را شامل شود که درک از مذهب‌ها و فرهنگ‌های مختلف را افزایش داده و از حقوق بشر و منزلت همه انسان‌ها دفاع کند. این ارزش‌ها باید به همه افراد در سنین مختلف، از مهد کودک گرفته تا دانشگاه و بزرگسالی، آموزش داده شده و تقویت شوند. با تکیه بر تعهداتی که رهبران جهان در نشست پناهندگان در سپتامبر ۲۰۱۶ دادند، این تلاش‌های آموزشی باید به پناهجویان و آوران داخلی هم تعمیم داده شود تا به واکنش‌ها در برابر رادیکال شدن و جذب در افراط‌گرایی کمک

^۱ financial inclusion

^۲ United Nations, "High Level General Assembly Thematic Debate, Promoting Tolerance and Reconciliation: Fostering Peaceful, Inclusive Societies and Countering Violent Extremism: ۲۱-۲۲ April ۲۰۱۵, United Nations Headquarters, New York," June ۱۷, ۲۰۱۵, http://www.un.org/pga/wpcontent/uploads/sites/۳/۲۰۱۵/۰۶/۱۷۰۶۱۵_HLTD-Promoting-Tolerance-Reconciliation-Summary.pdf.

^۳ Pew Research Center, "Public Remains Conflicted over Islam," August ۲۴, ۲۰۱۰, <http://www.pewforum.org/۲۰۱۰/۰۸/۲۴/public-remains-conflicted-over-islam/>; Shibley Telhami, "What Americans Really Think about Muslims and Islam," Brookings Institution, December ۹, ۲۰۱۵, <https://www.brookings.edu/۲۰۱۵/۱۲/۰۹/what-americans-really-think-about-muslims-and-islam/>.

کند. این برنامه‌ها باید از جانب مربیان عادی و مذهبی، کارشناسان حوزه سلامت ذهنی و رهبران اجتماعی طراحی شوند.^۱

الگوهای هم وجود دارند. در شهر مودستوی^۲ کالیفرنیا، از آموزش استفاده می‌شود تا گروه‌های مختلف، از مسیحیان اونجلیکال^۳ گرفته تا سیک‌ها را گرد هم جمع کنند و درک متقابل تدریس کنند، بین شکاف‌ها پل بزنند و احترام به متمم اول قانون اساسی را ترویج کنند.^۴ شاهد تلاش‌هایی مشابه از سوی کارگروه جامعه ادیان^۵ در شهر مونتگومری^۶ مریلند، که هدفش افزایش احترام به سنت‌های مذهبی است و برنامه‌های آموزشی ضد تبعیض اتحادیه ضد افتراء^۷ نیز هستیم.^۸ کلاس تفاوت اتحادیه ضد افتراء با بیش از ۱۶ میلیون شرکت کننده به ارائه دانش و منابعی می‌پردازد که از احترام و شمول در مدارس حمایت می‌کنند.^۹ سازمان‌های غیرحکومتی هم تبادلات مجازی برای ایجاد درک میان فرهنگی و احترام بین ایالات متحده و خاورمیانه، مهارت‌های تفکر انتقادی بی‌طرفانه و افزایش ارتباط و همکاری را آزمایش می‌کنند.^{۱۰} این تمهیدات می‌توانند در مقابله با تبعیض و درگیری نتیجه‌بخش بوده و الگویی برای ترویج انسجام اجتماعی در جوامع مختلف شوند.

^۱ Stevan Weine et al., *Lessons Learned from Mental Health and Education: Identifying Best Practices for Addressing Violent Extremism*, Final Report to the Office of University Programs, Science and Technology Directorate, U.S. Department of Homeland Security, National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism (College Park, MD: START, October ۲۰۱۵),

https://www.start.umd.edu/pubs/START_LessonsLearnedfromMentalHealthAndEducation_FullReport_Oct۲۰۱۵.pdf.

^۲ Modesto

^۳ Evangelical Christians

^۴ Emile Lester and Patrick S. Roberts, *Learning about World Religions in Public Schools: The Impact on Student Attitudes and Community in Modesto, California* (Nashville, TN: First Amendment Center, ۲۰۰۶),

http://cisac.fsi.stanford.edu/sites/default/files/FirstForum_ModestoWorldReligions.pdf.

^۵ Faith Community Working Group

^۶ Montgomery

^۷ Anti-Defamation League

یک سازمان غیردولتی بین‌المللی است که مرکز آن در شهر نیویورک، ایالات متحده آمریکا قرار دارد. اتحادیه ضد افتراء که خود را مهم‌ترین سازمان حمایت از حقوق بشر در آمریکا قلمداد می‌کند، مهم‌ترین وظیفه خود را «مقابله با یهودستیزی و حمایت از حقوق مدنی شهروندان و هر نوع نژادپرستی و مقابله با هر نوع نفرت‌پراکنی» معرفی می‌کند.

^۸ International Cultural Center, "Families, Faith and Your School," May ۲۰۱۶,

<http://www.theicc.net/ourcauses/families-faith-andyour-school>.

^۹ Anti-Defamation League, "Anti-Defamation League, Education and Outreach, Anti-Bias Education,"

<http://www.adl.org/education-outreach/anti-bias-education/>.

^{۱۰} Ibid.

^{۱۱} Aspen Institute, "Stevens Initiative," <http://stevensinitiative.org/>.

تقویت ایستادگی اجتماعی و فردی برای مشروعیت‌زدایی از قرائت‌های افراط‌گرایانه و فراهم ساختن امکان تأثیر و نفوذ برای بدیل‌های مسالمت‌آمیز حیاتی و تعیین‌کننده است.

تقویت ایستادگی محلی در برابر روایت‌ها و ایدئولوژی‌ها افراط‌گرایانه

نهضت‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب جایی پیشرفت می‌کنند که بتوانند عوامل نارضایتی و منازعات بومی را جلب کنند، آنجا دسترسی مستقیم به «عرضه» نیروهای جدید دارند و چهره‌های مخالف افراط‌گرایی خشونت‌طلب سرکوب می‌شوند. در نتیجه، تقویت ایستادگی اجتماعی و فردی برای مشروعیت‌زدایی از قرائت‌های افراط‌گرایانه و فراهم ساختن امکان تأثیر و نفوذ برای بدیل‌های مسالمت‌آمیز، حیاتی و تعیین‌کننده است.

سرمایه‌گذاری در انسجام اجتماعی، ایجاد صلح و کاهش منازعه. افراط‌گرایان خشونت‌طلب بر منازعه و شکاف‌های سیاسی، قومی یا اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند. در واقع، منازعه در یک جامعه از شاخص‌های اصلی است که آیا افراط‌گرایان خشونت‌طلب قادر به یافتن کشش و اصطکاک خواهند بود یا نه.^۱ در مقابل، وقتی جوامع به خوبی در هم ادغام شده باشند و افراد از قومیت‌ها و مذاهب مختلف هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، سازمان‌های افراط‌گرا توانایی کمتری در استفاده از تنش‌های محلی پیدا می‌کنند. تقویت فریادهای محلی برای صلح، در کاهش تجربیات شخصی از خشونت و انزوایی که افراط‌گرایی خشونت‌طلب را تسهیل می‌کنند، اهمیت بسزایی دارد.

ایجاد فضاهای امن برای جوامع و جوانان جهت تعامل مثبت و سازنده. در بسیاری از موارد، عامل اصلی در تعیین اینکه یک فرد جوان از فعالیت افراط‌گرایانه خشونت‌طلب حمایت یا در آن مشارکت خواهد کرد یا نه، صرفاً هواداری از ایدئولوژی‌های آنان یا وجود عوامل نارضایتی نیست؛ بلکه وجود ابزارها و فرصت برای تعامل با افرادی است که این گروه‌ها را معرفی می‌کنند. جاهایی که جوانان این فضای امن و فرصت برای تعقیب علائق خود، بررسی هویت‌های خود و کمک به جوامعشان را در اختیار ندارند، فرصت و گشایشی برای افراط‌گرایان خشونت‌طلب پیش می‌آید. برای مثال، پژوهش در باب جامعه سومالیایی-آمریکایی در مینیاپولیس^۲ سه عامل خطر را شناسایی کردند: (الف) مشروعیت اجتماعی ذهنی افراط‌گرایی خشونت‌طلب، (ب) عدم توجه جوانان در فضاهای بدون نظارت، و (پ) ارتباط با مأموران عضوگیری یا

^۱ USAID, "Mali Transition Initiative (MTI): Evaluation of the Impact of Social Networks in Gounzoureye Commune, Gao Cercle, Mali," Washington, DC: USAID, ۲۰۱۶; Nils N. Weidmann and Patrick M. Kuhn, "Unequal We Fight: Between- and Within-Group Inequality and Ethnic Civil War," Political Science and Research Methods ۳, no. ۳, (۲۰۱۵): ۵۴۳-۶۸.

^۲ Minneapolis

وابستگان به نهضت‌های افراط‌گرایی خشونت‌طلب.^۱ در مورد مینی‌آپولیس، این یافته‌ها، الگویی به نام ایجاد استقامت اجتماعی^۲ را شکل داد که شامل مشارکت‌های فعال بین خانواده‌ها، گروه‌های مدنی، رهبران مذهبی، مجریان قانون و مقامات محلی حکومت می‌شود تا آگاهی درباره عوامل خطر را افزایش دهند، با جوانان ارتباط برقرار کنند تا از نحوه گذراندن وقت خود و چیزهایی که در این فضاها با آن مواجه می‌شوند، درکی بهتر پیدا کنند و ارتباط رهبران اجتماعی و والدین برای برخورد با افراد در معرض خطر را تقویت کنند. افزایش آگاهی درباره تهدیدات و اعطای ابزار لازم به جوامع برای پرداختن به این تهدیدات، برای تقویت ایستادگی محلی در برابر افراط‌گرایی خشونت‌طلب، حیاتی و تعیین‌کننده است.

مدارس مذهبی: بخشی از مشکل، بخشی از راه حل



^۱ Stevan M. Weine and John G. Horgan, "Building Resilience to Violent Extremism: One Community's Perspective," FBI Law Enforcement Bulletin, April ۲۰۱۴, <https://leb.fbi.gov/۲۰۱۴/april/building-resilience-to-violent-extremism-one-communitys-perspective>.

^۲ Building Community Resilience

ایجاد فرصت‌های تعامل مدنی هدفمند برای جوانان. جوانان به دنبال معنی، پیوند و فرصت جهت شکل دادن به جهان پیرامونی خود هستند. با این وجود، اغلب اوقات، جوانان از مسیر درست منحرف شده و به احساس استیصال و درماندگی دامن می‌زنند. ایجاد مکانیسم‌های رسمی و غیررسمی برای جوانان جهت یافتن صداهای خود و بیان اهدافشان در فضاهای عمومی، امری ضروری و واجب است. جامعه سیاسی و رهبران مذهبی باید فرصت‌هایی هدفمند برای ابراز وجود در اختیار جوانان قرار دهند.

رهنمودها

ایالات متحده باید رهبری تلاش برای وضع اصول بین‌المللی جهت مهار گسترش ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه و عدم تساهل در نظام‌های آموزشی با سازوکارهای قاطع و سختگیرانه برای نظارت و اجرا را برعهده بگیرد. تنش‌ها، جانبداری‌ها و کلیشه‌هایی که تسهیل‌گر محرومیت و افراط‌گرایی خشونت طلب هستند، اغلب در کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزشی گنجانده شده‌اند.^۱ ایالات متحده برای پیشبرد تمهیداتی مانند آموزش شهروندی جهانی^۲ باید با کشورهای همسایه و سازمان ملل همکاری کند، برنامه‌ای که حکومت‌ها را به بازبینی در برنامه آموزشی، کتب درسی و دیگر موارد آموزشی ترغیب می‌کند تا تجربیات، پیشینه‌ها و عناصر جامعه خود را منعکس کنند.^۳ این تعهدات، تدریس عدم تساهل در نظام‌های آموزشی را هم ممنوع ساخته و بر مسئولیت حکومت‌ها بر اطمینان خاطر از اینکه کتب درسی، معلم‌ها و محتوای آموزشی، استفاده از خشونت برای پیشبرد تغییر سیاسی، مذهبی یا اجتماعی؛ تمهت و افترا به کشورهای دیگر؛ یا هتک حرمت گروه‌های مذهبی یا قومی را توجیه نمی‌کنند، تأکید می‌کند.^۴

برای اینکه این تمهید کارگر و مؤثر واقع شود، باید سازوکارهای نظارتی و پاسخ‌گویی قاطعی تعیین و برقرار شود. الگوهای معدودی با میزان متفاوتی از مالکیت و پاسخ‌گویی بین‌المللی وجود دارند:

- مشارکت حاکمیت باز. مشارکت حاکمیت باز^۵ پایگاهی بین‌المللی برای طرفداران اصلاحات فراهم می‌آورد تا حکومت‌های خود را در برابر شهروندان خود بازتر، مسئولیت‌پذیرتر و پاسخگوتر بسازند.^۱

^۱ Commission on Human Security, Human Security Now (New York: United Nations, ۲۰۰۳),

<http://www.un.org/humansecurity/content/human-security-now>.

^۲ Global Citizenship Education

^۳ UN Educational, Scientific, and Cultural Organization (UNESCO), "Global Citizenship Education,"

<http://en.unesco.org/gced>.

^۴ "Homeland Security Advisory Council: Subcommittee on Countering Violent Extremism: Interim Report and Recommendations: June ۲۰۱۶," ۲۳,

<https://www.dhs.gov/sites/default/files/publications/HSAC/HSAC/۲۰CVE/۲۰Final/۲۰Interim/۲۰Report/۲۰June/۲۰۹/۲۰۲۰۱۶/۲۰۵۰۸/۲۰compliant.pdf>.

^۵ The Open Government Partnership (OGP)

سازمان «مشارکت حاکمیت باز» یک جنبش چندجانبه است که با اخذ تعهدات قوی از حکومت‌ها جهت ارتقاء شفافیت، قدرتمند کردن شهروندان، مبارزه با فساد و به کارگیری تکنولوژی‌های جدید برای نیرومندتر کردن حکومت‌ها فعالیت می‌کند. این سازمان توسط یک کمیته راهبری متشکل از نمایندگان حکومت‌ها و جوامع مدنی هدایت می‌شود.

شرکت در این تمهید امری داوطلبانه بوده و دولت‌ها را ملزم به رعایت و لحاظ برخی معیارهای شایستگی، تعهد به اصول حکومت باز و ارائه یک برنامه اقدام کشوری می‌نماید که براساس مشورت عمومی گسترده تدوین شده باشد. مشارکت حاکمیت باز از طریق سازوکار گزارش‌دهی مستقل^۲ که در گزارش سالانه خود به ارزیابی کشورهای شرکت‌کننده بر مبنای کیفیت و اجرای برنامه‌های اصلاحات آنان می‌پردازد، بر این روند نظارت می‌کند. مشارکت حاکمیت باز، بر اساس نگرانی‌هایی نسبت به فضای مدنی، بانی سیاستی پاسخ‌گویانه شد که بر مبنای آن اصلاحاتی به کشورهای شرکت‌کننده پیشنهاد می‌دهد و در نهایت اگر آن کشورها محیط مساعدی برای جامعه مدنی فراهم نکنند به‌عنوان کشور «غیرفعال» شناخته می‌شوند.

- **بررسی دوره‌ای و جهانی حقوق بشر.** بررسی دوره‌ای و جهانی حقوق بشر^۳ فرایندی بی‌همتا است که در آن ۱۹۳ دولت عضو سازمان ملل خود را در معرض یک بررسی عمومی از پیشینه حقوق بشر خود می‌سازند.^۴ این بررسی مبتنی بر سه نوع داده ورودی است: (۱) ارزیابی ارائه شده از جانب دولت تحت بررسی؛ (۲) گزارش‌های کارشناسان و گروه‌های مستقل حقوق بشری، با عنوان رویه‌های ویژه^۵، معاهدات حقوق بشر و واحدهای دیگر سازمان ملل؛ و (۳) اطلاعات گروه‌های ذی‌نفع دیگر از جمله نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های غیرحکومتی. کمیته بررسی پس از مباحثات تعاملی، پیش‌نویسی از یک گزارش تهیه می‌کند که شامل خلاصه‌ای از یافته‌ها و رهنمودهای این کمیته است. در بررسی‌های آینده دوره‌ای و جهانی حقوق بشر، از دولت تحت بررسی انتظار می‌رود که اطلاع دهد که برای اجرای رهنمودها در گزارش پیشین، چه گام‌های قاطعی برداشته است.
- **گزارش سالانه قاچاق انسان.** گزارش سالانه قاچاق انسان که در قالب چند لایحه پیاپی به تصویب رسید، به عنوان ابزار دیپلماتیک اصلی برای تعامل با حکومت‌های خارجی در باب قاچاق انسان عمل می‌کند. حکومت ایالات متحده با استفاده از گزارش سالانه قاچاق انسان، بر اساس استانداردهای حداقلی برای ریشه‌کنی قاچاق (که در قانون معین شده)، کشورها را در یکی از چهار رتبه قرار می‌دهد. کشورهای به‌خاطر ناتوانی در رعایت استانداردهای حداقلی و انجام تلاش‌های جدی و مستمر در

^۱ Open Government Partnership (OGP), "About," <http://www.opengovpartnership.org/about>.

^۲ Independent Reporting Mechanism

^۳ The Universal Periodic Review (UPR)

^۴ UN Human Rights Office of the High Commissioner, "Basic Facts about the Universal Periodic Review," <http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/UPR/Pages/Basic-Facts.aspx>.

^۵ Special Procedures

یکی از ساز و کارهای بسیار کلیدی شورای حقوق بشر برای انجام وظایف خود در حمایت و ارتقاء حقوق بشر در کشورها و در سطح جهان، موسوم به رویه‌های ویژه (Special Procedures) است که در قالب این ساز و کار افرادی تحت عنوان «گزارشگر ویژه» (Special Rapporteur) برای بررسی موضوعات خاص حقوق بشری و یا وضعیت حقوق بشر کشوری خاص منصوب می‌شوند. گزارشگران ویژه به صورت سیستماتیک از زمان تأسیس شورای حقوق بشر (۲۰۰۶) نهادینه شد.

مبارزه با قاچاق انسان، در رتبه آخر قرار می‌گیرند و اگر رئیس‌جمهور معافیت صادر نکند، با تبعات جدی مواجه می‌شوند. اعمال محدودیت بر کمک‌های خارجی غیربشردوستانه و غیرتجاری؛ محدودیت بر مشارکت در تبادلات فرهنگی و آموزشی؛ و محدودیت بر حمایت ایالات متحده از وام‌های نهادهای چندجانبه می‌تواند از جمله این تبعات باشد.^۱

هر یک از این قالب‌ها را می‌توان به صورت تنها یا به شکل ترکیبی به کار گرفت تا اصول بین‌المللی در باب اصلاحات آموزشی را ایجاد، اجرایی و بر آن نظارت کرد. راضی کردن کنگره امری واجب و ضروری است، خصوصاً اگر حکومت ایالات متحده بخواهد که عدم تبعیت از این اصول، پیامدهای عینی و واقعی داشته باشد.

۲. سرمایه‌گذاری در پیشگیری جامعه محور

در طول تاریخ، تلاش‌ها برای مقابله با ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه، واکنشی و انفعالی بوده‌اند. به جای پیش‌بینی تهدیدات نوظهور، از منابع و تخصص مناسب اغلب پس از رویدادها استفاده می‌شود. حوزه سلامت عمومی می‌تواند درس‌های مهمی برای توقف این چرخه واکنشی و انفعالی داشته باشد. یک رویکرد سلامت محور عمومی برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب مستلزم آن است که یک رفتار، قبل از آنکه به مرحله خطرناکی برسد، شایع شود، تفکر افراد در معرض خطر را تغییر داده و دیر یا زود، هنجارهای اجتماعی که این خطرات را تشدید می‌کنند را تغییر می‌دهند، شناسایی و متوقف نمایند.^۲

ایالات متحده و متحدان آن برای سرمایه‌گذاری در این پیشگیری جامعه محور باید:

- بین جوامع و شرکای بالقوه ایجاد اعتماد نمایند. ایالات متحده و متحدان آن باید بین طیف وسیعی از بازیگران عادی ارتباط برقرار کند و بر روی رابطه‌سازی^۳ و تقویت ارتباطات سرمایه‌گذاری کند.
- بهبود شناسایی و ارجاع. سازماندهی شناسایی نشان‌های هشدار محلی، افزایش آگاهی و مداخله قبل از گسترش ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه برای یک استراتژی کارآمدتر تعیین‌کننده است.
- افزایش آگاهی درباره رادیکال شدن و جذب نیرو. در داخل ایالات متحده، حکومت باید برای گسترش برنامه‌های آگاهی اجتماعی با جامعه مدنی و بخش خصوصی همکاری کند و به سازماندهی فضاهای امن برای والدین، دانش‌آموزان و معلمان بپردازد تا بیاموزند که تروریست‌ها چگونه در فضای مجازی و غیرمجازی به رادیکال کردن و جذب جوانان می‌پردازند.
- افزایش سرمایه‌گذاری در تلاش‌ها برای مداخله، توانبخشی و ادغام دوباره در جوامع خط مقدم. سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و انعطاف‌پذیر در پاسخ‌های در سطح جامعه برای پیشگیری از رادیکال

^۱ U.S. Department of State, "Trafficking in Persons Report: June ۲۰۱۶," June ۲۰۱۶,

<http://www.state.gov/documents/organization/۲۵۸۸۷۶.pdf>.

^۲ Cure Violence, "The Model," <http://cureviolence.org/the-model/the-model/>.

^۳ relationship-building

شدن و جذب نیرو و ادغام دوباره کسانی که تسلیم قرائت‌های افراط‌گرایانه شده‌اند، لازم و ضروری است.

ایجاد اعتماد بین جوامع مهم و شرکای بالقوه

ایالات متحده و متحدان آن برای موفقیت در این نبرد علیه افراط‌گرایی خشونت‌طلب باید با بازیگران در خط مقدم نبرد، از جمله شهروندان نگران، رهبران مذهبی، مددکاران سلامت عمومی و اجتماعی، معلمان و نمایندگان بخش خصوصی، روابط قابل اعتماد، همکاری‌جویانه و پایداری برقرار نمایند. بازیگران محلی قابل اعتماد در بهترین موقعیت ممکن برای مقابله با قرائت‌های جذب نیرو و تاکتیک‌های افراط‌گرایان خشونت‌طلب قرار دارند و جایگزین‌های قانع‌کننده‌ای در اختیار می‌گذارند. این رهبران اجتماعی برای پرداختن به عوامل اصلی نارضایتی که عزیزان آن‌ها را در برابر ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه آسیب‌پذیر می‌سازد، از موقعیت بسیار محکمی برخوردارند.

متأسفانه، این فرصت‌ها به خاطر بی‌اعتمادی شدید بین حکومت‌ها، شرکای غیرحکومتی و بازیگران محلی کاملاً تحقق پیدا نکرده‌اند. در بسیاری از جوامع، خانواده‌ها در سایه ترس از مجریان قانون زندگی خود را سپری می‌کنند یا با ساختارهای رسمی حکومتی، مدنی و مذهبی بیگانه می‌شوند. علی‌الخصوص در دیکتاتوری‌ها، این فرصت‌ها برای شراکت به شدت محدود هستند. تبادلات هم‌سطح، فعالیت فرهنگی و رسانه‌های اجتماعی تحت کنترل قرار دارند. روحانیون رسمی اغلب مورد تردید قرار گرفته و بدنام می‌شوند، زیرا منصوب حکومت تلقی می‌شوند. علاوه بر این، وقتی حکومت‌ها تنها به سراغ طرف‌های گفتگوی مطلوب خود می‌روند، این امر به ایجاد رابطه‌ای ریاکارانه با جوامع منتهی می‌شود. حکومت‌ها باید «محکم و قاطعانه تلاش خود را معطوف سازند که تا بیشترین حد امکان، همکاری صداهای مختلف در داخل جامعه را جلب نمایند»^۱.

این بی‌اعتمادی، تبعات امنیتی جدی دارد. اگر پدر و مادرها به مقامات اعتماد نداشته باشند یا به این باور برسند که وقتی فرزندشان زیر نفوذ مأموران عضوگیری قرار گرفته‌اند، با برخوردی عادلانه مواجه نخواهد شد، بعید است که نگرانی‌ها را گزارش کنند یا به دنبال کمک بگردند. گروه‌های زنان اگر احساس کنند که امنیت یا اعتبارشان لطمه می‌بیند یا تمهیدات ضدتروریسم می‌تواند بر فعالیت‌های آنان تأثیر منفی بگذارد، نگران مشارکت در تلاش‌های مرتبط به مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب خواهند بود؛ و بعید است افراد جوانان با روحانیون محلی مشورت کنند وقتی آن‌ها را بخشی از نظام فاسد و سرکوبگر تلقی می‌کنند.

به دست آوردن دوباره اعتماد، یک‌شبه محقق نمی‌شود؛ بلکه مستلزم تعامل شدید و احترام به اولویت‌ها و ارزش‌های جوامع درگیر خواهد بود. ارتباط نسنجیده و ناشیانه از جانب حکومت می‌تواند شدیداً خطرناک باشد و مشارکت‌کنندگان محلی را به خطر انداخته و اعتبار آنان را از بین ببرد. به همین ترتیب،

^۱ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, interview with Farah Pandith, CSIS, July ۲۲, ۲۰۱۶.

بازیگران بخش خصوصی باید بتوانند بدون ترس از اینکه کارگزار و مأمور حکومت تصور شوند، با حکومت شراکت کنند.

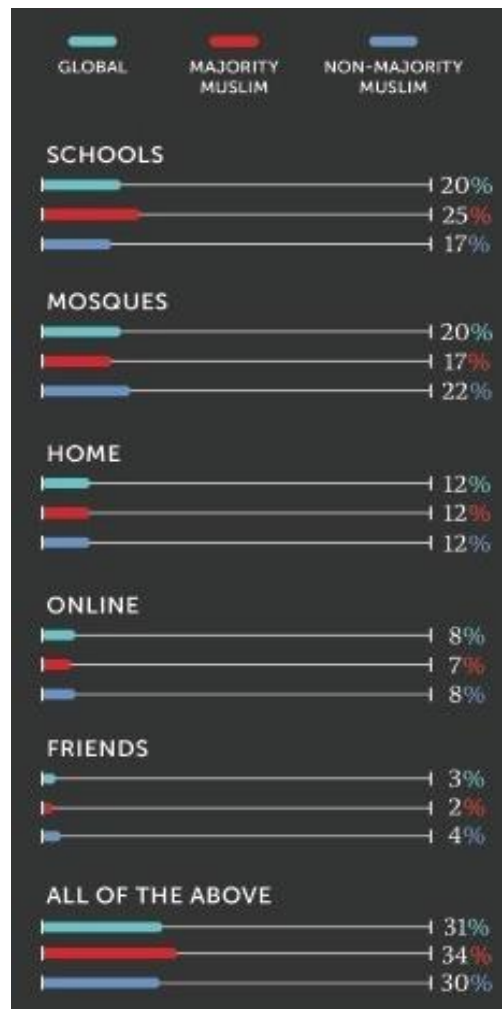
شهر اسلاو^۱ در انگلستان، نمونه‌ای از این شراکت را در اختیارمان می‌گذارد، شراکتی که به طیف وسیعی از بازیگران محلی نفع رسانده و تلاش‌ها برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب را پیش می‌برد. در آنجا، افسران پلیس با تاجران محلی همراه شدند تا بودجه برنامه‌هایی برای توانبخشی زنان در جامعه محلی را تأمین کرده و این برنامه‌ها را سازماندهی کنند.^۲ این برنامه‌ها در تلاش بودند تا با فراهم ساختن دسترسی زنان متعلق به جوامع اقلیت به جلسات راهنمایی و طرح‌ریزی حرفه‌ای، مشاره با رهبران محلی کسب‌وکار، کارگروه‌های زبان انگلیسی و آموزش‌های حرفه‌ای مرتبط، به نیازهای این زنان پاسخ دهند. این برنامه‌ها نه تنها باعث تقویت خدمات اجتماعی موجود برای افراد محروم شده‌اند، بلکه روابط بین اعضای این جوامع و مجریان قانون را هم بهبود بخشیده‌اند. در نتیجه، اعضای این جوامع در بحث مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، راحت‌تر و با سهولت بیشتر با نیروی پلیس محلی همکاری می‌کنند، از جمله نگرانی‌های خود درباره افرادی که رادیکال یا جذب گروه‌های افراطی شده‌اند، را اطلاع می‌دهند.^۳ همان‌طور که این مثال نشان می‌دهد، حکومت‌های علاقمند به مقابله با افراطگرایی خشونت طلب باید نشان دهند که متعهدند در پرداختن و توجه به نگرانی‌ها و اولویت‌های افراد محلی به آنان کمک کنند. این رویکرد امکان می‌دهد که وقتی اعتماد به وجود آمد، به مسائلی حساس‌تر مانند مقابله با افراطگرایی خشونت طلب پرداخته شود.

^۱ town of Slough

^۲ UK Department for Communities and Local Government, Empowering Muslim Women: Case Studies (London: UK Department for Communities and Local Government, ۲۰۰۸), ۱۰, http://dera.ioe.ac.uk/۷۴۲۲/۷/۶۶۹۸۰۱_Redacted.pdf.

^۳ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, phone interview with Talene Bilazarian, CSIS, August ۱۷, ۲۰۱۶.

بهترین مکان‌ها برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب



در نهایت، ایجاد اعتماد بین بازیگران محلی مستلزم ایجاد شبکه‌های نفوذ جدیدی است که بتوانند از عهده انجام کارهایی برآیند که حکومت توان انجام آن‌ها را ندارد. این یک ابزار شراکت بسیار مهم است که می‌تواند و باید به نحو گسترده‌تری پذیرفته و شناخته شود. برای مثال، در سال ۲۰۰۸، حکومت ایالات متحده، وام‌های کوچک آغاز کسب و کار به سازمان زنان بدون مرز مستقر در وین اعطا کرد تا شبکه‌ای از زنانی ایجاد کند که بتوانند با افراطگرایی خشونت طلب مقابله کنند. این سازمان با حضور کم‌رنگ اما اقدامات شفاف ایالات متحده توانست که انجمن خواهران مخالف افراطگرایی خشونت طلب^۱ را ابتدا در اروپا و سپس در سطح جهان به راه بیندازد.

از آن زمان، انجمن خواهران مخالف افراطگرایی خشونت طلب رشدی تصاعدی داشته است و بودجه ده‌ها برنامه مقابله با افراطگرایی خشونت طلب و همچنین طراحی الگوهای جدید برای مدارس، مادران و

^۱ Sisters Against Violent Extremism (SAVE)

نسل بعد را تأمین کرده است. حکومت ایالات متحده باید به این سرمایه‌گذاری‌ها اعتماد کرده و برای مقابله با ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه، شبکه‌های بازیگران محلی را گسترش داده و حفظ کند.

بهبود شناسایی و ارجاع

شناسایی نشانه‌های هشدار اولیه

اتحاد یک رویکرد واکنشی به مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب مستلزم توجه به اولین نشانه‌ای است که از تقویت موضع ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه حکایت کند. در سطح جامعه، این نشانه‌های هشدار می‌توانند شامل این موارد باشند:

تهدیدات متوجه جامعه مدنی، مدافعان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران. در محیط‌های مختلف، بازیگران شجاع جامعه مدنی که علناً در مخالفت از افراط‌گرایی خشونت طلب سخن می‌گویند، تحت حمله و فشار قرار می‌گیرند. برای مثال، در بنگلادش، افراط‌گرایان خشونت طلب به حملات متعددی علیه منتقدان و وبلاگ‌نویس‌های محلی مخالف دست زده‌اند. آصف محی‌الدین^۱ که به گفته خودش یک وبلاگ‌نویس «مبارز آنتیست» است، به دلیل مخالفت علنی خود با افراط‌گرایی مذهبی، در نزدیک دفتر کار خود با ضربات چاقو مورد حمله قرار گرفت.^۲ پاکستان هم تراژدی‌هایی از این دست را تجربه کرده است. در آوریل ۲۰۱۵، مردان مسلح ناشناس، سبین محمود^۳، از مدافعان حقوق بشر را به ضرب گلوله از پا درآوردند، او در راه بازگشت از اجتماعی بود که در کافه کتاب خود در کراچی، که فضایی کم‌نظیر برای بحث درباره مسائل اجتماعی و سیاسی است، برای افراد ناپدید شده در استان بلوچستان برگزار کرده بود. تهدیدات متوجه آزادی اجتماعات، آزادی بیان نشانه‌های روشنی هستند که افراط‌گرایان خشونت طلب در صدد ارباب و کنترل شهروندان محلی هستند.

حملات به بناهای تاریخی و فرهنگی. گروه‌های افراط‌گرا بنا به عادت بناهای تاریخی و فرهنگی را به عنوان بخشی از استراتژی خود برای تضعیف انسجام و مقاومت جامعه، هدف قرار می‌دهند. تخریب تندیس‌های بودا در سال ۲۰۰۱ از سوی طالبان نمونه‌ای این استراتژی است. همان‌طور که تخریب شهر باستانی و کثرت‌گرای مکه از جانب عربستان سعودی و ساخت متعاقب شهری مدرن در جایی که به گفته ضیال‌الدین سردار^۴، «آنجا تنها یک تفسیر غیرتاریخی و لفظی از اسلام مجاز است و فرقه‌های دیگر، جز شاخه

^۱ Asif Mohiuddin

^۲ Shannon N. Green, "Violent Groups Aggravate Government Crackdowns on Civil Society," OpenDemocracy, April ۲۵, ۲۰۱۶, <https://www.opendemocracy.net/openglobalrights/shannon-n-green/violent-groups-aggravate-government-crackdowns-on-civil-society>.

^۳ Sabeen Mahmud

^۴ Ziauddin Sardar

سلفی اسلام سعودی، باطل تصور می‌شوند». از این قاعده مستثنی نیست.^۱ تخریب مکان‌های تاریخی به افراط‌گرایان خشونت‌طلب امکان می‌دهد تا گذشته را از نو بنویسند و بینش ایدئولوژیک خاص خود را بر زمان حاضر تحمیل نمایند. این حملات که گاه به عنوان جنگ با بت‌پرستی توجیه می‌شوند، اغلب هدف نظامی را هم دنبال می‌کنند و می‌خواهند محلی‌ها را وادار به تسلیم نمایند. داعش در مسیر تخریب خود در سرتاسر سوریه، عراق و لیبی، عامدانه بر کتابخانه‌ها، موزه‌ها و دیگر بناهای دارای اهمیت فرهنگی و تاریخی زیاد تمرکز کرده است؛ همچنین با فروش عتیقه‌ها در بازار سیاه عواید مالی هم کسب کرده است. اگر افراط‌گرایان خشونت‌طلب در جنگ خود با فرهنگ پیروز شوند، جهان اثبات دال بر کثرت مذهبی خود، از جمله در خود اسلام، و میراث تمدن‌های باستانی خود را از دست خواهد داد.^۲

کمک این جوامع در محافظت از بناهای تاریخی و صنایع دستی ارزشمندشان برای حفظ منزلت و حافظه تاریخی آنان امری ضروری بوده و نتیجتاً عنصری مهم در پیشگیری از افراط‌گرایی است. متأسفانه، منابع بین‌المللی موجود برای این وظیفه بسیار اندک و محدود هستند. حفاظت از میراث و کثرت فرهنگی در برابر تاکتیک‌های «زمین سوخته» افراط‌گرایان خشونت‌طلب مستلزم تأمین کمک و مساعدت فنی، مالی و احتمالاً امنیتی به دانشگاهیان و محافظه‌کاران، حکومت‌های منطقه‌ای، سازمان‌های انتظامی و رهبران قومی و مذهبی در نواحی مملو از بناهای نایاب است. بازسازی سریع بناهای تخریب‌شده هم برای تضعیف این تلاش‌ها - سودمندی - چنین اقدامات تخریبی، اهمیتی تعیین‌کننده دارد.^۳

تهدیدات متوجه تکرر و عرف مذهبی. یکی از آشکارترین نمودهای اولیه افراط‌گرایی خشونت‌طلب، دشمنی این گروه‌ها با تکرر مذهبی است. پافشاری آن‌ها بر یکپارچگی مذهبی به این معنی است که آن‌هایی که باورها یا عرف‌های متفاوتی دارند، مورد بردگی، شکنجه یا مرگ قرار می‌گیرند. در نتیجه، هزاران اقلیت‌های مذهبی کشته شده و بقای آن‌ها، تهدیدی برای قرائت‌های افراط‌گرایانه به شمار می‌رود. برای مثال، داعش، مسیحی‌ها، ایزدی‌ها، شیعیان و اقلیت‌های بی‌شمار دیگر را مورد بردگی، تجاوز و شکنجه قرار

^۱ Ziauddin Sardar, "The Destruction of Mecca," New York Times, September ۳۰, ۲۰۱۴,

http://www.nytimes.com/2014/10/01/opinion/the-destruction-of-mecca.html?_r=0.

^۲ Pandith and Zarate, "Winning the War of Ideas."

^۳ Bruno S. Frey and Dominic Rohner, "Protecting Cultural Monuments against Terrorism," Defence and Peace Economics ۱۸, no. ۳ (۲۰۰۷): ۲۴۵-۵۲.

داده است.^۱ در پاکستان، مانند برخی نقاط دیگر جنوب آسیا، احمدی‌ها نسل‌ها است که با تبعیض و خشونت مواجه‌اند و در تازه‌ترین مورد، در سال ۲۰۱۰ در لاهور متحمل قتل عام تبلیغاتی شدند.^۲ جامعه بین‌المللی باید تهدیدات متوجه تکرر مذهبی را دنبال کرده و برای حفظ آزادی مذهبی و حفاظت از اقلیت‌های مذهبی و قومی در معرض خطر، ابزارهای جدیدی تدبیر نماید.

افزایش آگاهی

حتی در جاهایی که بازیگران محلی هم با افراط‌گرایی خشونت‌طلب مخالف هستند، ابزار یا اطلاعات لازم برای پاسخ مناسب را در اختیار ندارند. لازم است که تلاش‌ها برای افزایش آگاهی درباره خطرات رادیکال شدن و جذب نیرو افزایش یابند تا جلوی گسترش ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه در جوامع، خانواده‌ها و شبکه‌های اجتماعی گسترده گرفته شود.^۳ به همین ترتیب باید والدین، رهبران جوامع، پزشکان، معلمان، مربی‌ها و رهبران مذهبی را آموزش داد تا متوجه نشانه‌های استفاده از مواد مخدر، افسردگی، سوءاستفاده جنسی و رفتارهای جنایی شوند. آن‌ها باید از نشانه‌های عدم علاقه یا نارضایتی که می‌تواند فرایند رادیکال شدن را تسهیل نماید، اطلاع پیدا کنند.

رهبران اجتماعی، خانواده‌ها، مربیان و سازمان‌های جامعه مدنی باید درباره رفتارها یا اقداماتی که می‌تواند از علاقه فزاینده یا حمایت از گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب حکایت داشته باشند، اطلاع پیدا کنند. با این حال هیچ مجموعه‌ای از نشانه‌های هشدار که مورد توافق همگان باشد، وجود ندارد. مقامات انتظامی، افراط‌گرایان پیشین و شرکت‌های فناوری می‌توانند جلسات توجیهی خود برای اعضای جامعه درباره تاکتیک‌هایی که گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب به نحو مجازی و واقعی استفاده می‌کنند را افزایش دهند و فهرستی از عوامل را در اختیار بگذارند که اغلب در حین رادیکال شدن ظاهر می‌شوند و آگاهی درباره تغییرات رفتاری و فعالیت مرتبط با رادیکال شدن را افزایش دهند. این افزایش آگاهی باید در برنامه‌های جاری امنیت عمومی و سلامت عمومی ادغام شود تا تلاش ادامه یابد و از این گرایش احتراز شود که افراط‌گرایی خشونت‌طلب به عنوان امری کاملاً متمایز از دیگر خطرات تأثیرگذار بر جوامع تلقی نشود.

^۱ Human Rights Watch, "Iraq: ISIS Kidnaps Shia Turkmen, Destroys Shrines: Pillaging, Threats in Capture of Villages near Mosul," June ۲۷, ۲۰۱۴, <https://www.hrw.org/news/۲۰۱۴/۰۶/۲۷/iraq-isis-kidnaps-shia-turkmen-destroys-shrines>.

^۲ Rizwan Mohammed and Karin Brulliard, "Militants Attack Two Ahmadi Mosques in Pakistan; ۸۰ Killed," Washington Post, May ۲۸, ۲۰۱۰, <http://www.washingtonpost.com/wpdyn/content/article/۲۰۱۰/۰۵/۲۸/AR۲۰۱۰۰۵۲۸۰۰۶۸۶.html>.

^۳ Lynn Davies, Zubeda Limbada, Laura Zahra McDonald, Basia Spalek, and Doug Weeks, "Formers & Families: Transition Journeys in and out of violent extremisms in the UK," ConnectJustice, ۲۰۱۵; Hedayah and the Global Center on Cooperative Security, "The Roles of Families and Communities in Strengthening Community Resilience Against Violent Extremism," Meeting Note, May, ۲۰۱۴.

برای مثال، در منطقه تاور هملتس لندن^۱، مجریان قانون، برنامه‌های مداخله اولیه را با یک ساز و کار گزارش‌دهی تلفیق کردند تا جرایم علیه مسلمانان را ثبت کنند.^۲ این تمهید، تهدید رادیکال شدن را در رویکرد گسترده حفظ امنیت کل جامعه تلفیق کرده و نیازهای این جامعه را در اولویت قرار داده و انسجام جامعه را بهبود می‌بخشد و در نتیجه شکاف اعتماد را از بین ببرد. در نتیجه، ظرف دو سال، ارجاعات جوامع درباره تهدیدات تروریستی بالقوه، افزایشی ۸۰۰ درصدی داشت.

افزایش سرمایه‌گذاری در مداخله و توانبخشی

ایجاد زیرساخت جامعه برای مداخله اولیه

پرداختن به تهدید افراط‌گرایی خشونت‌طلب مستلزم ایجاد کادری از بازیگران ماهر و دارای اعتبار در سطح جامعه است که درگیر تلاش‌های ایجاد ارتباط شوند و مشاوره و تکنیک‌های کاهش منازعه را در اختیار افراد مستعد خشونت بگذارند و برای افراد در معرض خطر به تدوین جایگزین بپردازند. با توجه به عوامل بی‌نظیر ایدئولوژیکی که افراد را جذب افراط‌گرایی خشونت‌طلب می‌کند، همگان، صرف‌نظر از پیشینه حرفه‌ای یا مذهبی، واجد صلاحیت مداخله می‌شوند.^۳ افراد درگیر در این کار حساس باید برای پرداختن به محرک‌ها و انگیزه‌های دخیل در افراط‌گرایی، آموزش کامل ببینند.

هدف از تلاش‌ها برای مداخله اولیه، افزایش توانایی افراد برای اقدام در زمان مشاهده یک آسیب‌پذیری است. استفاده از این رویکرد در ایجاد فشار بر خشونت گروه‌های تبهکار در ایالات متحده و پیشگیری از رادیکال شدن در خارج از کشور موفقیت‌های بسیاری داشته است. برای نمونه، از سال ۲۰۰۰، درمان خشونت^۴ برای توقف خشونت در جوامع در سرتاسر ایالات متحده از تکنیک‌های سلامت عمومی استفاده کرده است. درمان خشونت با به‌کارگیری ترکیبی از مداخلات، از جمله تأمین فضاهای امن برای جوانان، تلاش در جوامع برای شناسایی درگیری‌های بالقوه خشونت‌طلبانه و آموزش بازیگران محلی در پیشگیری از منازعه، میزان درگیری مسلحانه در محله‌های خطرناک شیکاگو را تا ۶۷ درصد و در بالتیمور را تا ۵۶ درصد کاهش داد.^۵ البته ثابت شده که وقتی نیاز به حضور پایدار و بی‌وقفه و استراتژی برای پیشگیری از خشونت مورد بی‌توجهی قرار گیرد، این نتایج بی‌ثبات و متزلزل بوده‌اند.

^۱ London Borough of Tower Hamlets

^۲ Tower Hamlets Partnership, Tower Hamlets Prevention Action Plan: April ۲۰۰۸ to March ۲۰۱۱ (London: Tower Hamlets Partnership, June ۲۰۱۰),

<http://www.towerhamletsfoi.org.uk/documents/۳۰۳۴/LBTH/۲۰/۲۰Prevent/۲۰Action/۲۰Plan/۲۰June۲۰۱۰.pdf>.

^۳ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, interview and podcast with Jesse Morton, CSIS, June ۲۳, ۲۰۱۶.

^۴ Cure Violence

^۵ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, phone interview and podcast with Gary Slutkin, CSIS, July ۲۱, ۲۰۱۶.

در سطح بین‌المللی، زنان در صف اول این تلاش‌ها بوده‌اند. پیمان اعتماد^۱ به رهبری موسسات قدیم^۲، به آموزش جوانان و زنان در مناطق تحت تأثیر درگیری در پاکستان را آموزش می‌دهد تا به محرک‌های خاص رادیکال شدن بپردازند. پیمان به ایجاد گروه‌های مردانه و زنانه صلح در سرتاسر نواحی فدرال تحت مدیریت قبایل پرداخته تا جوامع مطبوع خود را درباره نشانه‌های رادیکال شدن و ایجاد قابلیت برای میانجی‌گیری در منازعات، آموزش دهند.^۳ این گروه‌ها مانع جذب تقریباً ۱۵۰۰ پسر بی‌پناه و مرد جوان از سوی افراط‌گرایان خشونت طلب شده است. به همین ترتیب، مدارس مادران که زنان بدون مرز ایجاد کرده، مادران داخل جوامع و سرتاسر جهان را با هم مرتبط می‌سازند تا به نحوی محرمانه به بحث درباره نشانه‌های هشدار بپردازند و قبل از اینکه فرزندان آن‌ها اسیر فرایند رادیکال شدن بشوند، جلوی آن‌ها را بگیرند.^۴ علاوه بر این، گروه‌های زنان، چه فردی و چه شبکه‌ای، همچنان به پیشبرد توانبخشی زنان، مخالفت با هنجارها و قوانین ستمگرانه و حمایت از دخالت زنان در فرایندهای صلح و امنیت ادامه داده‌اند. این‌ها همگی تمهیداتی تعیین‌کننده برای مخالفت با حمله افراط‌گرایان به حقوق و امنیت زنان است. آموزش و توانبخشی اعضای جامعه، علی‌الخصوص زنان، به جوامع اجازه می‌دهد تا مسئولیت رادیکال شدن در مراحل ابتدایی را برعهده گیرند.

تدوین راه‌های خروجی

یکی از شکاف‌های اصلی در تلاش‌ها برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب، فقدان «راه‌های خروجی» است، برنامه‌هایی که از افرادی که رادیکال شده‌اند اما هنوز مرتکب خشونت یا اقدام مجرمانه نشده‌اند، حمایت می‌کنند. تدوین راه‌های خروجی از این جهت اهمیت دارد که ابزارهای انتظامی محدود هستند و اگر تنها نتیجه بالقوه کار، پیگرد مجرمانه باشد، بعید است که اعضای جامعه داوطلبانه پیش قدم شوند. وقتی فردی مورد تحقیق قرار می‌گیرد، سازمان‌های مجری قانون می‌توانند اتهام مجرمانه مطرح کنند و اگر در چارچوب مشخصی قرار گیرد، به تحقیقات ادامه داده یا پرونده را مختومه کنند. مقامات انتظامی، بدون راه‌های خروجی عملی، هیچ گزینه دیگری ندارند که بخواهند از افرادی مانند عمر متین^۵ کمک بگیرند که اگرچه تحت تأثیر دعوی‌های افراط‌گرایانه قرار گرفته و از آن‌ها هواداری می‌کند، هنوز مرتکب اقدامی مجرمانه نشده است.^۶ برای پرداختن به انواع مختلف افراط‌گرایی خشونت طلبی که در ایالات متحده و

^۱ PAIMAN Trust

^۲ Mossarat Qadeem

^۳ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, interview and podcast with Mossarat Qadeem, CSIS, June ۲۲, ۲۰۱۶.

^۴ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, interview and podcast with Edit Schlaffer, CSIS, August ۴, ۲۰۱۶.

^۵ Omar Mateen

^۶ عمر متین در یک کلوب شبانه در اورلاندو ۴۹ نفر را کشت و ۵۳ تن دیگر را زخمی کرد.

جاهای دیگر شاهد آن هستیم، می توان از این راه های خروجی بهره گرفت. برای مثال، دیلان روف^۱ ۲۱ ساله که نه تن از سیاه پوستانی که در چارلستون^۲ در جنوب کالیفورنیا به کلیسا رفته بودند را به گلوله بست، به دوستان خود گفته بود که می خواهد برای تسریع «یک جنگ نژادی» مرتکب قتل شود.

در سرتاسر ایالات متحده، برنامه هایی تدوین شده اند تا در آن ها گروه های مختلف جامعه برای شناسایی جوانان سرخورده و مایوس با مجریان قانون، مقامات محلی، مشاوران، خانواده ها و دست اندرکاران سلامت عمومی همکاری کنند و قبل از اینکه دیر شود، این جوانان را از خشونت دور سازند. برای مثال، در شهر مونتگومری ایالت مریلند، سازمان جهانی برای منابع و توسعه و آموزش^۳، پیشگام مداخله ای جامعه محور شده است. این سازمان که کار خود را از اواخر سال ۲۰۱۳ آغاز کرده، با دپارتمان پلیس شهرستان مونتگومری، مقامات حکومت محلی، مشاوران آسیب و ضربه روحی، فعالان جوان، رهبران ادیان و کارشناسان پیشگیری از خشونت همکاری نزدیک دارد تا به ارزیابی نارضایتی ها و انگیزه های خاص شرکت کنندگان در هر برنامه پرداخته و برای کاهش این عوامل خطر مداخله کند. این الگو بر مبنای اعتماد بین جامعه و مقامات انتظامی کار می کند تا نه تنها با جاذبه افراطگرایی مقابله کند، بلکه به هماهنگی و اجرای مداخلات مبتنی بر ارجاع هم بپردازد.^۴

تمرکز بر توانبخشی و ادغام دوباره

مقامات قضایی بیش از پیش به دنبال این هستند که جای زندانی کردن افراطگرایانی که مرتکب اقدام مجرمانه شده اند (مثلاً حمایت مالی از یک گروه تروریستی) اما درگیر خود خشونت نشده اند، جایگزین ها یا مکمل هایی جز زندان پیدا کنند. افزایش محکومیت های جایگزین برای مجازات حبس، علی الخصوص برای جوانانی که در دام مأموران عضوگیری افراطگرایان افتاده اند، نه ضرورتی اخلاقی بلکه استراتژیک هم هست. در مینیاپولیس که ۱۰ سومالیایی-آمریکایی تلاش کردند برای شرکت در نبرد داعش از ایالات متحده بگریزند، مایکل دیویس^۵، قاضی ایالات متحده خواهان حضور دانیل کوهرل^۶، کارشناس رادیکال زدایی شد، تا به ارزیابی مسیر متهمان در راه رادیکال شدن و پیشنهاد یک طرح برای دور کردن وی از افراطگرایی

^۱ Dylan Roof

^۲ Charleston

^۳ World Organization for Resource and Development and Education (WORDE)

^۴ World Organization for Resource Development and Education (WORDE), "The Montgomery County BRAVE Model," <http://www.worde.org/programs/the-montgomery-county-model/>.

^۵ Michael Davis

^۶ Daniel Koehler

شد.^۱ این ارزیابی به تصمیم قاضی دیویس کمک می‌کند که برای توانبخشی این افراد به چه محکومیت و حمایت اضافی احتیاج است.

کشورهای معدودی هستند که گام فراتر گذاشته و در زندان‌ها، برنامه‌های رادیکال‌زدایی راه انداخته باشند. برای مثال، دکتر فاطمه آکیلو^۲، روانشناس و مبدع برنامه رادیکال‌زدایی نیجریه، بر کاهش تسلط و نفوذ روانشناختی و ایدئولوژیک بوکوحرام بر زندانیان تمرکز کرده است. این برنامه رویکردی جامع اتخاذ کرده و آموزش مذهبی روحانیون محلی، مشاوره روانشناختی و آموزش مهارت‌های ابتدایی زندگی را با هم تلفیق می‌کند تا نهایتاً به تغییر در نگرش آن‌ها بیانجامد.^۳

ایالات متحده با توجه به ماهیت فرایند رادیکال‌زدایی و امکان بالقوه رادیکال شدن بیشتر در زندان‌ها، باید به آزمایش رویه‌های محکومیت جایگزین و تلاش‌های توانبخشی و ادغام دوباره در جامعه ادامه دهد. این برنامه‌ها باید به دقت مورد نظارت قرار بگیرند و کارایی و تکرارپذیری نتایج به دست آمده، ارزیابی شوند.

رهنمود

حمایت از تلاش‌ها برای پیشگیری جامعه‌محور، از جمله افزایش آگاهی، مداخله و توانبخشی، با افزایش فضا برای جامعه مدنی (مثلاً محیط حقوق و سیاستی) جهت انجام این کار.

حکومت ایالات متحده باید برای مدیریت مداخله جامعه‌محور و تلاش‌ها برای توانبخشی در داخل ایالات متحده، چارچوب‌هایی حقوقی و سیاست‌گذاری با حدود، رویه‌ها و اصول مشخص تدوین کند. مشخصاً، باید پروتکل‌های مدونی برای ارجاع وجود داشته باشد، یعنی هنگامی که سازمان‌های انتظامی، پرونده‌ای را به گروه‌های جامعه ارجاع می‌دهد و یا شرایطی که گروه‌های جامعه، پرونده‌ای را به سازمان‌های انتظامی ارجاع می‌دهند. همچنین در مورد اینکه سازمان‌های جامعه محور چگونه باید فعالیت شرکت‌کنندگان در این برنامه را پیگیری کنند و در مورد آن‌هایی که از برنامه خارج می‌شوند یا از رژیم مداخله ناراضی هستند، چه کارهایی باید انجام شود، باید خط‌مشی‌هایی وضع شود.

علاوه بر این، حکومت ایالات متحده باید در خصوص قواعد مربوط به حمایت مالی شفاف‌سازی کرده و برای جامعه مدنی و گروه‌های اجتماعی ذی‌صلاح که در ایالات متحده درگیر پیشگیری، مداخله، رادیکال‌زدایی، توانبخشی یا ادغام دوباره هستند، استثنائاتی قائل شود. در حال حاضر، بازیگران جامعه مدنی

^۱ Nicole Hong, "Judge Tries New Approach with Terror Defendants: Deradicalization," Wall Street Journal, May ۸, ۲۰۱۶, <http://www.wsj.com/articles/judge-tries-new-approach-with-terror-defendants-deradicalization-1462751841>.

^۲ Fatima Akilu

^۳ Shannon N. Green, managing director, CVE Commission, interview and podcast with Fatima Akilu, CSIS, June ۲۲, ۲۰۱۶.

در پی ارتباط با افراط‌گرایان بالقوه و آنانی که اسیر دام مأموران عضوگیری تروریست‌ها شده‌اند، خطرات حقوقی و اعتباری زیادی را متحمل می‌شوند. بدون حمایت‌های مکتوب بیشتر، مجموعه بزرگی از رهبران سازمانی و اجتماعی، هرگز درگیر این کار لازم و ضروری نخواهند شد. حکومت ایالات متحده هم باید به سراغ شرکت‌ها برود تا درک و سهم آن‌ها در تلاش‌ها برای مداخله را افزایش دهد. در حال حاضر، مدیران ساختمانی، شرکت‌های مخابراتی و دیگر شرکت‌های خدماتی نمی‌خواهند برای بازیگران جامعه مدنی که مشغول این کار هستند، دفتر کار اجاره کنند و از آن‌ها حمایت کنند. مقامات حکومت ایالات متحده می‌توانند به افزایش اعتبار این تلاش‌ها کمک کرده و به شیوه‌های مختلف، این شرکت‌ها را به حمایت از مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب ترغیب نمایند.

در نهایت، ایالات متحده و متحدان آن باید حمایت‌های خود از افراد شجاعی که در صف مقدم پیکار با ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه قرار دارند را افزایش دهند. بودجه‌ها و برنامه‌های بی‌شماری هستند که به پژوهشگران، فعالان جامعه مدنی و روزنامه‌نگارانی که به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری خود در معرض تهدید هستند، کمک می‌کند. این تلاش‌ها، امکان جابجایی موقت را برای رهایی افراد از موقعیت‌های خطرناک فراهم می‌آورند، و یا کمک‌هزینه‌های اندکی ارائه می‌دهند که سازمان‌ها می‌توانند برای امنیت شخصی، بهبود امنیت دفاتر کار، هزینه‌های حقوقی، ملاقات‌های زندان، نظارت بر محاکمات، تعویض تجهیزات‌شان و غیره استفاده کنند.^۱ در مواجهه با تهدیدات فزاینده گروه‌های افراط‌گرای خشونت طلب، این بودجه‌ها باید به سازمان‌های جامعه مدنی و بازیگران جامعه محوری که در حوزه مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب کار می‌کنند، اختصاص پیدا کنند.

۳. اشباع بازار جهانی ایده‌ها

افراط‌گرایان خشونت طلب از نارضایتی‌ها و منازعات محلی استفاده کرده و روایت جهانی «ما در برابر آن‌های» خود را جایگزین این بحران‌ها کرده‌اند. برای مثال، داعش به این دلیل در به خدمت گرفتن جنگجویان خارجی موفق بود که توانست پیام‌های درخور و مناسبی طرح کند که خوشایند مخاطبان هدف خود واقع شد و راه‌کاری ساده و ایجابی برای هر آنچه آزرده‌خاطرشان ساخته، فراهم نماید، «به ما بپیوندید و در ساخت جامعه‌ای ایده‌آل که همیشه به آن تعلق خواهید داشت، همراهان شوید». به همین ترتیب، القاعده هم روایتی از قدرت‌گیری عرضه می‌کند، فرصتی برای مقابله به مثل و پاسخ به «متجاوزان خارجی». ما برای اینکه مانع رادیکال شدن جوانان شویم، نه تنها باید مطمئن شویم که متوجه هستند که افراط‌گرایان خشونت طلب چگونه و چرا آن‌ها را هدف قرار می‌دهند، بلکه تلاش‌های مأموران عضوگیری برای ایجاد این ارتباط‌ها را هم مختل سازیم. صرف مقابله با این پیام‌ها کفایت نمی‌کند. ما باید بیش سازنده خودمان را ارائه کرده و انواع مختلف ایده‌ها و صداها را تقویت نماییم.

^۱ Lifeline, "Lifeline Embattled CSO Assistance Fund," <https://www.csolifeline.org/>.

ایالات متحده و متحدان آن برای اشباع بازار جهانی ایده‌ها باید:

- تلاش‌ها برای ارتباطات استراتژیک را از سر بگیرد. ایالت متحده و متحدان آن اساساً باید درباره ابعاد و نحوه پخش و توزیع «پادروایت‌ها»^۱ و «قرائت‌های بدیل» در فضاهای مجازی و واقعی، تجدیدنظر کنند. تلاش‌ها برای ارتباطات استراتژیک تنها در صورتی نتیجه‌بخش خواهند بود که سازمان‌یافته بوده، در شبکه‌های محلی تثبیت شده باشند، از جانب پیام‌رسان‌هایی قابل اعتماد عرضه شوند و بینشی مثبت و سازنده برای جامعه را به صورت روشن بیان دارند.
- بخش خصوصی را در تولید و ارائه قرائت‌هایی قانع‌کننده و تأثیرگذار در رسانه‌ها مشارکت دهد. مهارت‌های روایت‌گویی و فنی شرکت‌های پیشگام فن‌آوری و رسانه‌ای دیجیتال وقتی با دانش، نقطه‌نظرات و ارتباطات کارشناسان همراه شود، می‌تواند تلاش‌ها برای پخش روایت‌ها و پادروایت‌ها را حرفه‌ای و تقویت کند.
- فرصت‌های بدیل برای جوانان، جهت رسیدن به معنی و جایگاه، ایجاد شود. اگر بخواهیم از توان و قدرت ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه بکاهیم، لازم است که به جوانان کمک کنیم تا انرژی و شور و حرارت خود را در مسیری سازنده به کار ببندازند.

از سرگیری تلاش‌ها برای ارتباطات استراتژیک

اکثر مسلمانان در سرتاسر جهان با ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه و گروه‌های حامی این ایدئولوژی‌ها مخالف هستند. یک نظرسنجی سال ۲۰۱۵ مرکز تحقیقات پیو^۲ نشان داد که اغلب شهروندان کشورهای دارای اکثریت مسلمان از داعش نفرت دارند. در اندونزی، تنها ۴ درصد از پاسخ‌دهندگان دیدگاهی موافق با داعش داشتند؛ در پاکستان، این میزان حدود ۹ درصد بود. در ترکیه، ۷۳ درصد از پاسخ‌دهندگان دیدگاهی مخالف داشتند و ۸ درصد دیدگاهی موافق (و ۱۹ درصد هم ایده‌ای نداشتند). در سرزمین‌های فلسطینی، ۸۴ درصد نظر مساعدی نداشتند، در اردن هم ۹۴ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی دید بدی به این گروه تروریستی داشتند. در لبنان، ۱۰۰ درصد پاسخ‌دهندگان دیدگاهی منفی نسبت به داعش داشتند.^۳ چندان جای تعجب ندارد، پاسخ‌دهندگانی که در کشورهای مجاور داعش زندگی می‌کنند و تحت تأثیر مستقیم این گروه و خیل پناهجویان ناشی از آن قرار گرفته‌اند، دیدگاه‌های بسیار خصمانه‌تری نسبت به این گروه تروریستی داشته باشند.

^۱ counternarratives

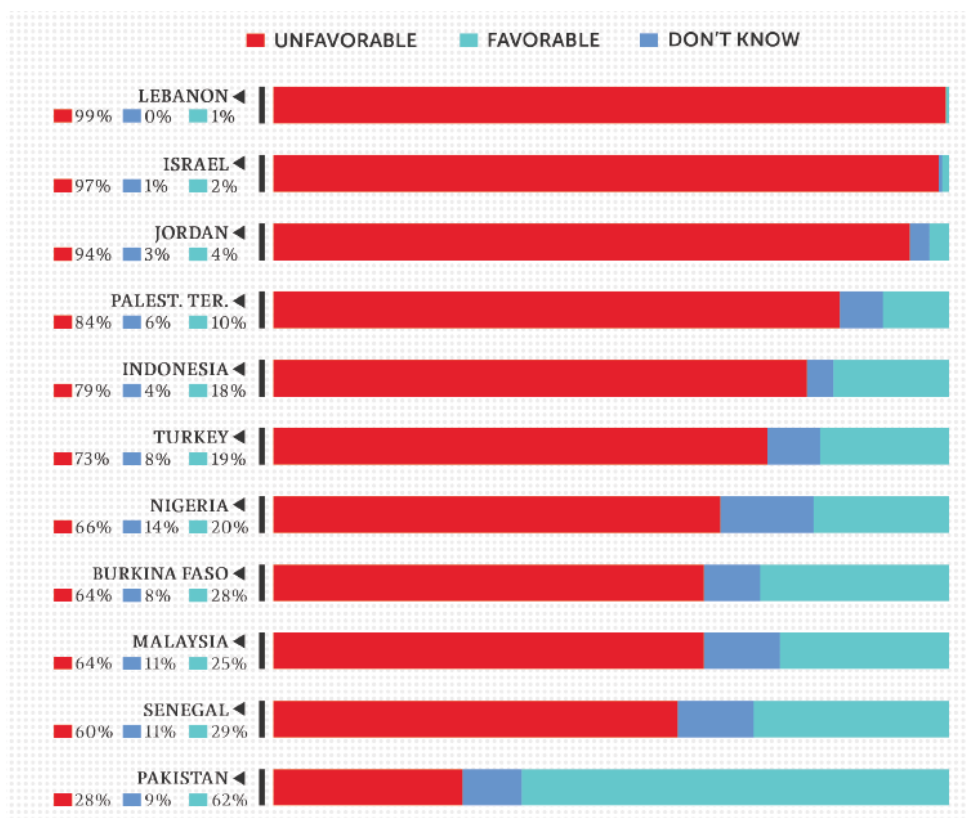
^۲ Pew Research Center

یک اندیشکده آمریکایی مستقر در واشینگتن دی. سی. است که به ارائه اطلاعات درباره مسائل، نگرش‌ها و روندهای شکل‌دهنده ایالات متحده و جهان می‌پردازد.

^۳ Jacob Poushter, "In Nations with Significant Muslim Populations, Much Disdain for ISIS," Pew Research Center, November ۱۷, ۲۰۱۵, <http://www.pewresearch.org/fact-tank/۲۰۱۵/۱۱/۱۷/in-nations-with-significant-muslim-populations-much-disdain-for-isis/>.

این مخالفت با افراط‌گرایی خشونت‌طلب مختص به داعش نیست. ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه اغلب در تضاد با باورها و عرف‌های محلی هستند. تفسیرهای سخت و انعطاف‌ناپذیر از قرآن که گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب ترویج می‌دهند، اغلب با سنت‌های توده مردم که کثرت‌گراتر و روادارترند، تضاد پیدا می‌کند. تاکتیک‌های این گروه‌های افراط‌گرا، یعنی خشونت بی‌حد، شقاوت و سرکوب محلی‌ها، به برجسته کردن این اختلافات می‌انجامد و حمایت‌های مردمی از آن‌ها را بیش از پیش کاهش می‌دهد.^۱ برای مثال، در پی بمب‌گذاری‌های تروریستی سال ۲۰۰۲ در جزایر بالی، شهروندان برای ایجاد یک «پارک صلح» در محل انجام این حمله همکاری کردند تا افکار عمومی را علیه این گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب بسیج نمایند.^۲ اگر صداهای اکثریت مسلمانان شنیده شود، نفرت و بیزاری از تاکتیک‌های تروریستی می‌تواند ابزاری قدرتمند برای مبارزه با افراط‌گرایی خشونت‌طلب باشد. متأسفانه، اظهارنظرها و سخنرانی‌های اتفاقی یا مصاحبه‌های گزینشی نمی‌توانند جایگزینی برای این دیدگاه منسجم و رایج باشند که این احساسات وجود خارجی دارند.

دیدگاه‌ها نسبت به داعش فوق‌العاده منفی است



^۱ Audrey Kurth Cronin, *How Terrorism Ends: Understanding the Decline and Demise of Terrorist Campaigns* (Princeton, NJ: Princeton University Press, ۲۰۰۹).

^۲ Ibid.

با وجود این انزجار ریشه‌دار و عمیق، ایالات متحده و متحدان آن عملاً نتوانسته‌اند که در فضاهای مجازی یا واقعی، با این قرائت‌های افراط‌گرایانه رقابت کنند. در سال‌های اخیر، بیشتر توجهات در زمینه مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب بر «مقابله با پیام‌ها»^۱ متمرکز بوده است. با این حال، این برنامه‌ها به سبب نبود خلاقیت، خطرپذیری و مهارت در درون بوروکراسی‌های دولتی؛ کمبود بودجه؛ و مشکلات بر سر راه تقویت کارهای تأثیرگذار، موفقیت و عدم موفقیت را به صورت آمیخته و درهم داشته‌اند. تلاش‌ها برای ارسال پیام‌های سازنده نیز وقتی در پایتخت‌های خارجی طراحی شده باشد، با واقعیت فاصله داشته و واکنشی باشد یا صرفاً تمرکز آن بر مسائلی باشد که با آن‌ها مخالف هستیم، محکوم به شکست است. «شکل‌دهی هنجارها» که هدف تلاش‌ها برای ارتباطات استراتژیک است، بدون پیام‌رسانی قابل‌اعتماد که حامل این پیام باشد و مطلوب نظر جوامع محلی واقع شود و بر اساس متن به عوامل خاص دفع و جذب محرک حمایت از ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه بپردازد، ممکن نخواهد بود.

تلاش‌ها برای تدوین روایت باید در بافتار اجتماعی محلی، جوامع و شبکه‌هایی تثبیت شود که افراط‌گرایی خشونت‌طلب در آن‌ها رونق پیدا می‌کند. راه‌کارهای فن‌آوری محور نمی‌توانند جوانان را به مسیری سازنده سوق دهند. قرائت‌های بدیل باید ریشه در واقعیت داشته باشند تا باعث تحول رفتاری شوند. علاوه بر این، اگر همیشه در موضع تدافعی باشیم و بخواهیم با قرائت‌های تعریف شده از سوی دشمن مقابله کنیم، تلاش‌ها برای رساندن پیام‌های مثبت هرگز تأثیر مطلوب را نخواهد داشت. ما باید آماده پیشبرد بینشی مثبت و سازنده برای جامعه باشیم: بینشی مبتنی بر ارزش‌های بنیادین تکرر، برابری، منزلت و عدالت.

صرف مقابله با این پیام‌ها کفایت نمی‌کند. ما باید بینش سازنده خودمان را ارائه کرده و انواع مختلف ایده‌ها و صداها را تقویت نماییم.

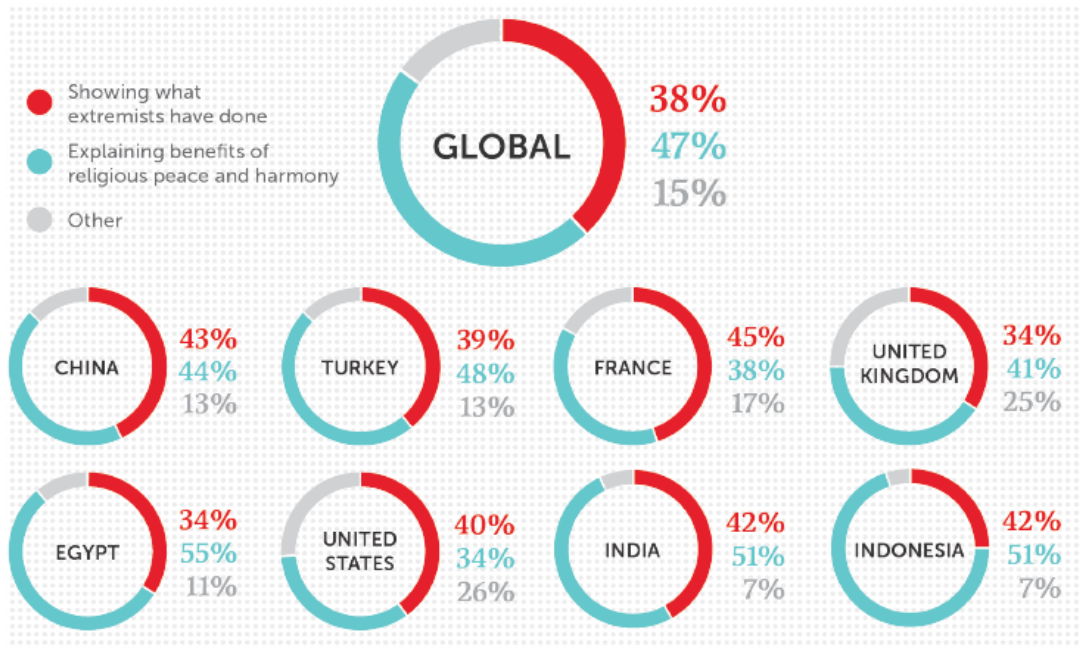
در نهایت، جامعه مدنی و رهبران اسلامی بهترین موقعیت را برای پیشبرد روایت‌ها و تفسیرهای بدیل دارند. کار حکومت‌ها حصول اطمینان از این است که جامعه مدنی و رهبران، فضا و حمایت لازم برای ایفای این نقش حیاتی را در اختیار دارند.

درگیر کردن بخش خصوصی

انقلاب رسانه‌های اجتماعی و ظهور ارتباطات جهانی، فرصت‌های تازه‌ای در اختیار افراط‌گرایان خشونت‌طلب گذاشته تا تبلیغات خود را پخش کنند و نسل جدیدی از طرفداران را به خدمت بگیرند. آن‌ها می‌توانند به دروغ تصویر و تصور خود از موفقیت‌هایشان را از طریق شبکه آنلاین حامیان و هواداران متعهد خود بزرگ جلوه دهند.

^۱ countermessaging

پیام‌های سازنده برای غلبه بر قرائت‌های افراط‌گرایانه، لازم و ضروری هستند



این تلاش‌ها برای جذب نیروی آنلاین به شدت سازمان یافته و سلسله مراتبی هستند. کارآمدترین شیوه برای تغییر روند به ضرر سلطه افراط‌گرایان بر روایت خود، تقویت صداهای اکثریت قالب مردمی است که علنی در مخالفت با ایده‌های افراط‌گرایانه سخن می‌گویند.

ما برای اینکه تلاش‌های خود را به بزرگی و عظمت این چالش برسانیم، نیازمند مشارکت‌های بخش خصوصی هستیم. افراط‌گرایان نشان داده‌اند که در استفاده از ابزار دیجیتال و فرهنگ عامه برای جلو بردن قرائت‌های رادیکال، ماهرتر از حکومت‌ها هستند. ما برای فاصله گرفتن از این موضع انفعالی باید از مهارت‌های بازاریابی و ارتباطات بخش خصوصی بهره بگیریم. دولت بعد باید به تسهیل همکاری بین شرکت‌های خصوصی، بازیگران انتفاعی و سازمان‌های حکومتی کمک کند. برای مثال، حکومت ایالات متحده باید بودجه برنامه‌های تبادل اطلاعات بین شرکت‌های فن‌آوری و مقامات حکومت محلی و ملی را تأمین نماید تا به دانش پرداخته، مهارت‌ها افزایش یافته و روابط برقرار شوند.^۱

رسانه‌های اجتماعی و شرکت‌های فن‌آوری، به عنوان کانون ارتباطات جهانی، فرصت‌های مغتنمی برای شناسایی و ارزیابی مؤثرترین پیام‌ها، پیام‌رسان‌ها و سکوه‌های انتشار پیام‌های مورد تأیید و هدف گرفتن کاربران آنلاین خاص برای دریافت این روایت‌ها به وجود می‌آورد. مثلاً، آن‌ها می‌توانند تعیین کنند که مخاطبان هدف چگونه بر این پیام‌ها تأثیر متقابل گذاشته، چه به اشتراک گذاشته یا آن‌ها را تقویت کرده‌اند، و پس از مصرف این محتوا چه کاری کرده‌اند. غرایز ما نسبت به مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب اغلب نادرست و اشتباه است، پس برای موفقیت تلاش‌ها جهت ارتباطات استراتژیک، جمع‌آوری داده و تحلیل،

^۱ "Homeland Security Advisory Council," ۲۳.

اهمیت تعیین‌کننده‌ای پیدا می‌کند. گسترش شراکت‌های پژوهشی و تحلیلی با دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها و بخش فن‌آوری می‌تواند به تولید دانش و داده‌ای بیانجامد که ما برای شکل دادن به قرائت‌های کارآمد نیاز داریم. نقش حکومت در این تلاش‌ها، مهم اما کم‌رنگ است و باید از قدرت خود برای ایجاد ائتلاف‌های پژوهشی، تأمین بلندمدت بودجه لازم برای تلاش‌های تحلیلی و اشتراک پژوهش پیشگامانه در باب محرک‌های افراطگرایی خشونت طلب استفاده کند. استفاده از داده‌های مربوط به پیام‌رسانی به ایجاد کارزارهایی کمک می‌کند که در جذب مخاطبانی که گروه‌های افراط‌گرای خشونت طلب در صدد کشاندن آنها به صفوف خود هستند، اعتبار و موفقیت بیشتری خواهند داشت.

به همین ترتیب، جامعه خلاق و صنعت سرگرمی، بینش‌ها و ابزارهای تعیین‌کننده‌ای برای ترویج قرائت‌های بدیل ارائه می‌کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رسانه‌های روایتی مانند برنامه‌های تلویزیونی و نمایش‌های رادیویی می‌توانند فضای لازم برای مخاطبان را فراهم سازند تا ارزش‌های خود را بررسی و محتوای دشوار یا به لحاظ احساسی ناراحت‌کننده را به شیوه‌ای بی‌خطر پردازش نمایند. برای نمونه، در مصر یک مسابقه تلویزیونی بسیار محبوب با زیرکی تمام، پیام‌هایی سازنده درباره امید و تساهل را در برنامه خود گنجانده و جوانان پویای مصری را مخاطب قرار می‌دهد. شرکت‌کنندگان که ۱۴ جوان از طیف‌های مختلف با پیشینه‌های فرهنگی، مذهبی و قومی بودند، برای اینکه کارآفرین برتر شوند، با هم همکاری می‌کردند و به خاطر این تفاوت‌ها موفق می‌شدند.

صنعت سرگرمی کودکان هم عرصه‌ای مهم برای تعامل با جامعه و القای احترام به ارزش‌های مدنی است، زیرا خانواده‌ها می‌خواهند که در کنار یکدیگر تلویزیون تماشا کنند، به رادیو گوش دهند یا کتاب بخوانند. برای مثال، در پاکستان، هنرمندان و تولیدکنندگان از طریق کارتون‌ها، برنامه‌های موبایل و کتاب‌های مصور که به جوانان الگوها و قهرمانانی در نقش مثبت ارائه می‌دهد، با تبلیغات افراط‌گرایان مقابله می‌کنند.^۱ این تلاش‌ها باید افزایش پیدا کنند. موسیقی، فیلم، بازی‌های ویدئویی و برنامه‌های تلویزیونی، فرصت‌های عمیق و عمدتاً بکری برای شکل دادن به نگرش‌ها، آن هم در سنین پایین در اختیار ما می‌گذارند.

حکومت‌ها برای موفقیت در رسیدن به این اهداف مشترک باید به شناسایی نقاط ورودی اصلی برای همکاری با بخش خصوصی پردازند. جامعه فن‌آوری و صنعت سرگرمی متشکل از آدم‌های مشکل‌گشا، مهندسان و داستان‌پردازانی^۲ است که وقتی با چالش‌های مجزا و قابل پیگیری مواجه می‌شوند، می‌توانند به خوبی از پس آن برآیند و وقتی اهداف مشخص و واقع‌گرایانه نباشند، ضعیف عمل می‌کنند.

ایجاد فرصت‌های بدیل برای جوانان

^۱ Lawrence Pintak, "Can Cartoons Save Pakistan's Children from Jihad?," Foreign Policy, August ۱۹, ۲۰۱۶,

<http://foreignpolicy.com/۲۰۱۶/۰۸/۱۹/can-cartoons-save-pakistans-children-from-jihad/>.

^۲ problem solvers

^۳ storytellers

اگر قرائت‌های بدیل به ترویج و تبلیغ مسیرهایی پردازند که در واقعیت وجود خارجی ندارند، پوچ و بی‌نتیجه خواهند بود. بسیار مهم است که این روایت‌ها به فرصت‌های هدفمند برای جوانان توجه کنند که بتوانند خود را اثبات نمایند. جایی که جوانان نتوانند ازدواج کنند، تشکیل خانواده دهند یا گذاری کامل به بزرگسالی داشته باشند، افراطگرایی خشونت طلب پاسخ‌هایی قابل پیگیری ارائه می‌دهد. فراهم نمودن فرصت‌هایی مسالمت‌آمیز برای جوانان تا بتوانند به دنبال معنی، اعتبار و حس تعلق بروند، به کاستن از شدت علاقه به ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های افراط‌گرایانه کمک خواهد کرد.

نمونه‌های موفق بی‌شماری وجود دارند. در شرق افغانستان، هسته منابع طبیعی ضدشورش،^۱ با همکاری ریش‌سفیدان محلی به تدوین یک برنامه توسعه رهبری برای مردان جوان در حال رشد و ترقی پرداخت، دقیقاً همان نوع افرادی که فرماندهان میان‌رده گروه‌های شورشی می‌شدند. این برنامه نشان داد که انگیزه این مردان جوان، تمایل به دستیابی به منزلت و جایگاه در جوامع خود است، پس هسته منابع طبیعی ضدشورش به تدوین یک برنامه آموزشی بسیار گزینشی و شایسته‌سالار - به بیان دیگر، شاخص بدیلی برای منزلت و جایگاه در جامعه - پرداخت و پروژه‌های توسعه کوچکی ایجاد کرد که کاروان می‌توانستند به طراحی، رهبری و اجرای آن پردازند. این برنامه در کاهش جذب نیرو و حملات محلی نتیجه‌بخش بود.^۲

در ایالات متحده، روحانیون برجسته مسلمان با دخیل کردن جوانان در خدمات اجتماعی به مقابله با افراطگرایی خشونت طلب می‌پردازند. برای مثال، یکی از این روحانیون به سازماندهی سفرهای تفریحی با خانواده‌های پناهندگان و خدمات مسافرت به اردوگاه‌های پناهجویان در اردن پرداخت. هدف این است که جوانان درگیر شوند و نشان دهند که می‌توانند با خدمت سازنده و مثبت به جامعه، اهمیت داشته باشند.

ما برای حیات و اعتبار بخشیدن به این روایت‌ها، باید به فراهم ساختن فرصت‌هایی برای جوانان کمک کنیم تا انرژی و تمایل خود را به سمت و سوی ایجاد تفاوت از طریق دستیابی به نتایج مسالمت‌آمیز، سازنده و پایدار، جهت بدهند.

رهنمود

لازم است یک شورای مستقل مشورتی ریاست جمهوری که از نمایندگان بخش فن‌آوری و بخش خصوصی تشکیل شده باشد تا درباره بهترین راه رقابت در نبرد ایده‌ها و پیروزی در آن، راهنمایی، رهنمود و ایده‌هایی خلاقانه در اختیار رئیس‌جمهور بگذارد، ایجاد شود. این شورا به تقلید از هیأت مشاوره اطلاعاتی رئیس‌جمهور که واحدی مستقل در ستاد ریاست جمهوری است، چهار کارکرد اصلی خواهد داشت: تدوین رویکردهای مختلف برای کاهش انتشار نفرت‌پراکنی و تبلیغات افراط‌گرایانه آنلاین؛ حصول اطمینان از

^۱ the Natural Resources Counter-insurgency Cell (NRCC)

^۲ Rachel Kleinfeld and Harry Bader, *Extreme Violence and the Rule of Law: Lessons from Eastern Afghanistan* (Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace, April ۲۰۱۴),

http://carnegieendowment.org/files/violence_rule_of_law.pdf.

اینکه تلاش‌ها برای مقابله با افراطگرایی خشونت‌طلب از قانون اساسی و تمامی قوانین اجرایی تبعیت می‌کنند؛ تبادل اطلاعات درباره نحوه استفاده افراط‌گرایان از عرصه‌های دیجیتال برای مطلع ساختن شرکت‌های پیام‌رسانی و جلسات اجتماعی؛ و ایجاد شراکت‌های جدید برای رقابت با قرائت‌های افراط‌گرایانه و تقویت بدیل‌های موجود. این هیأت، پیوندی تعیین‌کننده با بخش خصوصی خواهد بود و عرصه‌ای منسجم برای تبادل و تحکیم شراکت‌های عمومی-خصوصی فراهم خواهد ساخت.

۴. تطبیق سیاست‌ها و ارزش‌ها

جذاب‌ترین پیامی که افراط‌گرایان خشونت‌طلب می‌توانند بر علیه ایالات متحده و متحدان آن به کار بگیرند، اتهام تزویر و ریاکاری است. وقتی ایالات متحده از اصول پایه‌ای و بنیادی خود دست می‌کشد، مانند نگهداری مظنونان تروریستی برای مدت نامعلوم در گوانتانامو یا شکنجه زندانیان در ابوغریب، ما نه تنها اعتبار و مقبولیت خودمان را تضعیف کرده‌ایم، بلکه برای قرائت‌های افراط‌گرایان خشونت‌طلب هم خوراک فراهم می‌کنیم. ما باید بهتر عمل کنیم. این کمیسیون اذعان دارد که الزامات عمل‌گرایانه، اغلب محرک سیاست خارجی هستند و گاه اولویت‌های رقیبی وجود دارند که نمی‌توان به سادگی رفع و رجوع کرد. با این حال، این بهانه‌ای برای ایالات متحده نیست که بخواهد نسبت به متحدان و شرکای خود بی‌تفاوت باشد و آن‌ها را برای برداشتن گام‌های جدی جهت بهبود احترام به حقوق بشر تحت فشار قرار ندهد.

ایالات متحده و متحدان برای تطبیق بیشتر سیاست‌ها با ارزش‌ها باید:

- به حاکمیت قانون و حقوق بشر اولویت دهند. ما باید تلاش‌های خود برای تقویت حاکمیت قانون، مهار فساد و پرداختن به بی‌عدالتی به عنوان بخشی از یک سرمایه‌گذاری بلندمدت در تضعیف افراط‌گرایی خشونت‌طلب را افزایش دهیم.
- تنش‌ها بین اهداف ضد‌تروریسم و اهداف حقوق بشری را حل نمایند. اغلب اوقات، دغدغه‌های حقوق بشری تابع اولویت‌های دیگر سیاست خارجی می‌شوند، از جمله لزوم همکاری برای مبارزه با تروریسم. ایالات متحده برای احتراز از اتهامات مبنی بر تزویر و ریاکاری که تبلیغات افراط‌گرایان را تغذیه می‌کند، باید این بده و بستان‌های خود را به حداقل برساند.
- حفاظت و گسترش فضای مدنی به عنوان یک اولویت سیاست خارجی مطرح باشد. برای پرداختن به نارضایتی‌ها و قرائت‌هایی که باعث رادیکال شدن و جذب نیرو می‌شوند، باید از جامعه مدنی و صداهای شهروندان حفاظت کرد.

اولویت دادن به حاکمیت قانون و حقوق بشر

دولت‌های سرکوب‌گر، متجاوز و فاسد، سرچشمه‌هایی هستند که افراط‌گرایی خشونت‌طلب اغلب از دل آن‌ها می‌جوشد. هر کجا که حکومت‌ها، متجاوز و غیرپاسخگو باشند، تمایل به عدالت و منزلت، انگیزه و

محرك اصلی نیروهای جدید افراط‌گرایان می‌شود.^۱ استراتژی مشترک وزارت امور خارجه و اداره توسعه بین‌المللی آمریکا برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب، بر این یافته‌ها تأکید می‌کند: «در چشم‌انداز تروریستی امروز، گروه‌های تروریستی اغلب در مناطقی با حکمرانی محدود یا تجاوزکارانه، حاکمیت ضعیف قانون، میزان بالای خشونت و فساد رشد پیدا می‌کنند ... جایی که جامعه مدنی، نیرو یا فضای محدودی برای عمل دارد».^۲ بنابراین، از بیخ و بن برانداختن افراط‌گرایی خشونت‌طلب مستلزم این خواهد بود که ما برای ترویج حقوق بشر؛ پیشبرد سیاست‌های حکومتی که از حکمرانی و دربرگیری مطلوب حمایت می‌کنند و رویکردها به اجرای عادلانه قانون و امنیت را افزایش می‌دهند؛ و خاتمه دادن به تنش‌های سیاستی که همکاری امنیتی کوتاه‌مدت را به قیمت از دست رفتن ثبات بلندمدت پیش می‌برند، از ابزار دیپلماتیک و توسعه‌ای خود استفاده کنیم.

اتخاذ چنین رویکردی می‌طلبد که حکومت ایالات متحده در اولویت‌ها و در نتیجه بودجه خود بازنگری کند. همکاری با کشورهای شریک برای بهبود رویه‌های بخش امنیتی، از جمله تعامل بیشتر با محلی‌ها در یک چارچوب مدنی باید هدف اصلی باشد. تمهید حکمرانی امنیتی^۳ که یک تلاش چند ساله ۶۵ میلیون دلاری متشکل از شش کشور آفریقایی غنا، کنیا، مالی، نیجر، نیجریه و تونس است، یک الگو و طرح در اختیار می‌گذارد. هدف اصلی این تمهید، کمک به کشورهای شریک برای تدوین سیاست‌ها، ساختارها و فرایندهایی است که امنیت و عدالت را برای شهروندان آنان به ارمغان بیاورد.^۴ تمهید حکمرانی امنیتی نه بر تعاملات تاکتیکی بلکه بر بهبود مدیریت، نظارت، پاسخگویی و بقا و تداوم نهادهای امنیتی استوار است. چنین رویکردهایی باید در شراکت نزدیک با جامعه مدنی تقویت شوند و به مناطق دیگری که رویه‌های امنیتی و اجرای قانون بیشتر به افراط‌گرایی خشونت‌طلب کمک می‌کنند تا اصلاح آن، گسترش پیدا کنند.

در کشورهایی که حکومت مدت‌های مدید است که برای حفظ سلطه خود بر قدرت به سرکوب، تبعیض یا فساد متوسل شده، رابطه بین دولت و جامعه عموماً افتضاح و درهم‌ریخته است. تجدید تعهد و پیمان بین شهروندان و تمامی سطوح حکومت باید بخشی از راه‌حل مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب باشد. اهداکنندگان مالی و سیاست‌گذاران باید به دنبال فرصت‌هایی برای بازسازی اعتماد و اطمینان متقابل باشند، مثلاً از طریق ایجاد مجمع‌هایی برای حکومت‌ها و جامعه مدنی تا در کنار هم بر سر مسائل و

^۱ Proctor, Youth & Consequences.

^۲ U.S. Department of State, "Department of State & USAID Joint Strategy on Countering Violent Extremism," May ۲۰۱۶, <https://www.state.gov/documents/organization/۲۵۷۹۱۳.pdf>.

^۳ The Security Governance Initiative (SGI)

^۴ U.S. Department of State, "Security Governance Initiative: ۲۰۱۵ Review," March ۲, ۲۰۱۶, <http://www.state.gov/p/af/rls/۲۰۱۶/۲۵۳۹۰۶.htm>.

دغدغه‌های مشترک همکاری کنند و در عین حال استقلال یا مشروعیت سازمان‌های جامعه مدنی را هم به خطر نیاندازند.

حل تنش‌ها بین اهداف ضدتروریسم و اهداف حقوق بشری

در مجموع، امنیت و حقوق بشر به نحوی متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند. فساد و سوءاستفاده‌های فراگیر نیروهای امنیتی در بلندمدت باعث تضعیف ثبات و رفاه یک دولت می‌شود، در حالی که ناکامی در پرداختن به این سوءاستفاده‌ها می‌تواند به این واقعیت منتهی شود که ایالات متحده نتواند در بلندمدت شریکی قابل اعتماد داشته باشد.

با این حال، همکاری امنیتی -مانند برنامه‌های آموزش و تجهیز سازمان‌های نظامی و انتظامی حکومت شریک- وقتی پای ارزش‌ها و علائق متفاوت، خصوصاً در مسائل مرتبط با حقوق بشر، پاسخگویی و نظارت شهروندی، در میان باشد، می‌تواند نتیجه عکس بدهد.^۱ برای مثال، در سومالی، برخورد خشن شرکای مأموریت اتحادیه آفریقا در سومالی (آمیسوم)^۲ -خصوصاً اتهام شایع بدرفتاری با شهروندان و تلفات غیرنظامی- با وجود موفقیت‌های میدانی، تلاش برای سرکوب الشباب را تضعیف کرده است. در واقع، این شراکت می‌تواند باعث نارضایتی‌هایی شود که خود محرک خشونت هستند، مانند وقتی شرکا برای پرداختن به تهدیدات تروریستی از تاکتیک‌های خشن و تمهیدات فراقانونی استفاده می‌کنند.^۳

حکومت ایالات متحده باید اطمینان یابد که تعهد آن در قبال روابط امنیتی محکم در خارج از مرزها با تعهد آن نسبت به حقوق بشر و حاکمیت قانون مطابقت داشته باشد. آموزش، تجهیز و حمایت‌های دیگر از شرکا در جنگ با تروریسم، اگر با تلاش همزمان برای توسعه قابلیت این شرکا در تعقیب رویکردهای دموکراتیک و حقوق محور جفت نشود، خطر تشدید هواداری از تروریست‌ها را همراه دارد.^۴ این امر مستلزم بهبود همکاری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در داخل حکومت ایالات متحده است تا این اطمینان حاصل شود که تصمیمات مربوط به همکاری امنیتی، ملاحظات سیاست خارجی گسترده‌تری را لحاظ کرده و به پیشبرد اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ما کمک می‌کند؛ همچنین مستلزم آموزش نیروهای امنیتی شریک است تا به شیوه‌هایی درست و پایدار به چالش‌های تروریسم و افراطگرایی خشونت طلب بپردازند.^۵

^۱ Ibid.

^۲ AMISOM (African Union Mission in Somalia)

^۳ Nancy Lindborg, "The Causes and Consequences of Violent Extremism and the Role of Foreign Assistance" (testimony before the Senate Appropriations Subcommittee on State, Foreign Operations and Related Programs, April ۱۲, ۲۰۱۶), <http://www.usip.org/publications/۲۰۱۶/۰۴/۱۲/the-causes-and-consequences-of-violent-extremism-and-the-role-of-foreign>.

^۴ Ibid.

^۵ Ibid.

حفاظت و گسترش فضای مدنی به عنوان یک اولویت سیاست خارجی

یک جامعه مدنی قدرتمند، بهترین استحکام دفاعی در برابر افراطگرایی خشونت‌طلب است و نقش سنگر و خاکریزی مقابل تأثیرات و قرائت‌های مهلک و خانمان‌برانداز گروه‌های افراط‌گرا را ایفا می‌کند. با این حال، علی‌رغم -یا شاید به خاطر- نقش کلیدی که جامعه مدنی بازی می‌کند، فضای مدنی بیش از پیش آماج حملات قرار می‌گیرد. تنها در سال ۲۰۱۵، در بیش از ۱۰۰ کشور جهان، تهدیدات جدی متوجه آزادی‌های مدنی بودند، از جمله محدودیت‌ها بر بودجه‌های خارجی، الزامات پردردسر ثبت احوال، نظارت مداخله‌آمیز حکومت و اتهامات سیاسی یا اقدامات حقوقی بر علیه سازمان‌های غیردولتی.^۱ کشورهای بسیاری مانند مصر، هند و روسیه که تهدیدات تروریستی جدی داشته‌اند، قوانین و مقرراتی را اجرایی کردند که حمایت خارجی از سازمان‌های جامعه مدنی را محدود می‌کند. در جاهای دیگر مانند کنیا، حکومت کارزاری بی‌وقفه به راه انداخته تا بازیگران جامعه مدنی را بی‌اعتبار و بدنام سازد. این محدودیت‌ها تأثیر ویرانگری بر حقوق بشر و دیگر گروه‌های جامعه مدنی داشته‌اند که برای پرداختن به اوضاع زیربنایی مورد بهره‌برداری افراط‌گرایان خشونت‌طلب، بسیار تعیین‌کننده هستند.

تهدیدات متوجه جامعه مدنی چه از جانب افراط‌گرایان خشونت‌طلب باشد و چه حکومت، ما باید برای حفظ این فضای مدنی اقدام کنیم. ایالات متحده و متحدان آن باید پیوسته با حکومت‌های شریک تعامل داشته باشند تا فضا را برای بازیگران جامعه مدنی باز کنند که خط مقدم مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب هستند و این فضا را حفظ کنند. وقتی این بازیگران بین افراط‌گرایان خشونت‌طلب از یک سو و حکومت‌های خود از سوی دیگر گرفتار و تحت فشار قرار می‌گیرند، نمی‌توانند این کارکرد حیاتی را داشته باشند.^۲

رهنمود

لازم است بر تمامی کمک‌های امنیتی که در اختیار شرکای خارجی قرار می‌گیرد نظارت شود تا این اطمینان حاصل شود که این کمک‌ها برای پرداختن به تهدیدات تروریستی به شکل کارآمد و مؤثری مورد استفاده قرار می‌گیرند و در راستای ارزش‌ها و منافع ایالات متحده در پیشبرد حاکمیت قانون، منزلت و عدالت هستند. دولت بعدی باید در خصوص مبادلات تسلیحات، برنامه‌های آموزش-تجهیز و دیگر کمک‌های امنیتی که در اختیار کشورهای می‌گذارد که حقوق سیاسی یا آزادی‌های مدنی را محدود می‌سازند یا پیشینه نقض جدی حقوق بشر دارند، بررسی و تجدیدنظر کلی انجام دهد. کشورهایی که وضعیت آزادی آن‌ها بر حسب شاخص سالانه آزادی در جهان در رده «غیر آزاد» یا «نسبتاً آزاد» قرار می‌گیرند، باید موضوع این بازبینی

^۱ Civicus, State of Civil Society Report ۲۰۱۶: Executive Summary (New York: Civicus, June ۲۰۱۶),

http://civicus.org/images/documents/SOCS۲۰۱۶/summaries/State-of-Civil-Society-Report-۲۰۱۶_Exec-Summary.pdf.

^۲ Green, "Violent Groups Aggravate."

باشند. دولت می‌تواند این اطلاعات را بر اساس گزارش‌های سالانه حقوق بشر وزارت امور خارجه و دیگر گزارش‌های مستقل حقوق بشری درجه‌بندی نماید. این ارزیابی باید با در نظر گرفتن همه جوانب انجام شود که آیا این مساعدت به اهداف امنیتی و ضدتروریسم کمک می‌کند یا به وخامت اوضاعی که گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب از آن بهره می‌برند، منجر می‌شود. برای ترغیب اصلاحات سیاسی یا بهبود در اوضاع حقوق بشر باید این مساعدت را به حالت تعلیق درآورد یا از آن به عنوان اهرم فشار استفاده کرد.

۵. به کارگیری ابزار نظامی و انتظامی

پیشگیری از رادیکال شدن و جذب جوانان در گروه‌های افراط‌گرا و پرداختن به نمودهای عینی ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه، مستلزم بسیج تمامی ارکان قدرت ملی و بین‌المللی، از جمله ابزار نظامی و انتظامی، است. گرچه این کمیسیون معتقد است که مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب باید از نظر تاکتیک‌ها، سازمان‌ها و بازیگران درگیر، متمایز از مبارزه با تروریسم نگه داشته شود، یک استراتژی کارآمد مستلزم این خواهد بود که قدرت نرم و سخت در مقیاس بزرگ و هم‌زمان عمل کنند.^۱

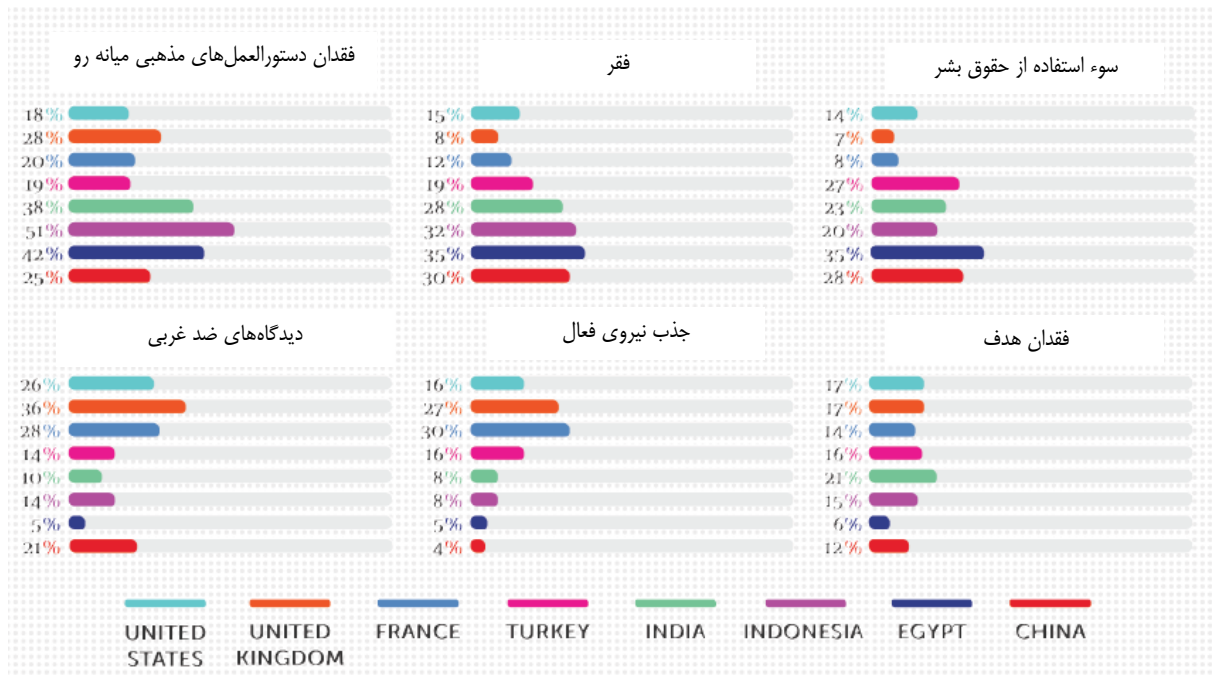
ایالات متحده و متحدان برای به کارگیری کارآمد ابزارهای نظامی و انتظامی به عنوان بخشی از یک استراتژی جامع باید:

- از ابزار ضدتروریسم به عنوان بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر سیاسی و دیپلماتیک استفاده کنند. ایالات متحده و متحدان آن باید به انجام عملیات‌های نظامی و انتظامی جهت جلوگیری و پاسخ به تهدیدات تروریستی مستقیم، بیرون راندن گروه‌های افراط‌گرایی که کنترل سرزمینی را در اختیار دارند، کمک و حمایت از دیگر کشورهای درگیر در مبارزه با تروریسم و بی‌اعتبار ساختن تأکید تروریست‌ها بر شکست‌ناپذیری و شتاب حرکت خود، ادامه دهند.
- قابلیت‌های ضدتروریسم تقویت شود. ایالات متحده باید شراکت‌های خود با دولت‌های در خط مقدم را تحکیم نموده و به تقویت قابلیت‌های عملیاتی خود و متحدانش بپردازد تا به تهدیدات تروریستی جهان امروز پاسخ دهد.
- تیم‌های واکنش سریع ایجاد شود. سازمان‌های نظامی و انتظامی باید از سرمایه‌ها و آموزش بی‌نظیر خود برای حراست از افراد غیرنظامی و بناهای مهم مذهبی، فرهنگی و تاریخی که در معرض خطر گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب هستند، استفاده کنند.

یک جامعه مدنی قدرتمند، بهترین استحکام دفاعی در برابر افراط‌گرایی خشونت‌طلب است و نقش سنگر و خاکریزی مقابل تأثیرات و قرائت‌های مهلک و خانمان‌برانداز گروه‌های افراط‌گرا را ایفا می‌کند.

^۱ برخی از اعضای کمیسیون احساس می‌کردند که بحث‌های مرتبط به استراتژی‌های نظامی در حوزه تخصص آنان نیست و از همین رو در مشاورات و رهنمودهای مربوط، به این موضوع مشارکت نکردند.

عوامل ثانویه مرتبط با افراطگرایی خشونت طلب



استفاده از ابزار ضد تروریسم به عنوان بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر سیاسی و دیپلماتیک

نیروهای نظامی در بازپس‌گیری تصرفات سرزمینی افراط‌گرایان خشونت‌طلب، راهگشا و مؤثر بوده‌اند. عملیات‌های نظامی باعث عقب‌نشینی گروه‌های تروریستی در افغانستان، عراق، مالی، نیجریه و سومالی شده، پناهگاه‌های آنان را محدود کرده و دسترسی تروریست‌ها به منابع مالی (مثلاً نفت، مصنوعات و عواید حاصل از اخاذی از محلی‌ها) که برای حمایت از عملیات‌های خود مورد استفاده قرار می‌دادند، را قطع کرد. حملات نظامی به رهبری ایالات متحده، فضای عملیاتی داعش در عراق و سوریه را کاهش داده و هزاران نفر را از شر وحشیگری و بی‌رحمی آن نجات داده است. افزایش گردآوری اطلاعات در میدان نبرد در افغانستان و جاهای دیگر به عملیات‌های مهم و چشمگیر ضد تروریسم بر علیه اهداف با ارزش منتهی شده است؛ و عقب‌نشینی‌های پر جار و جنجال نظامی هم به کاهش اثر تبلیغات و جاذبه گروه‌های تروریستی مانند الشباب کمک کرده‌اند.

اگرچه ارتش ایالات متحده، چه با اقدام یکجانبه و چه با همراهی شرکا، می‌تواند یک گروه تروریستی متعارف در خاک خارجی را به نحو مؤثری تضعیف نماید، نیروی نظامی به ندرت می‌تواند دلیل اصلی خاتمه دادن به سازمان‌های تروریستی باشد.^۱ در هر کجا که تروریست‌ها تاکتیک‌های شورشیان و چریک‌ها را پیش می‌گیرند و در مردم عادی قاطی می‌شوند، اغلب اهمیت سازمان‌های انتظامی و اطلاعاتی بیشتر از

^۱ Seth G. Jones and Martin C. Libicki, How Terrorist Groups End: Lessons for Countering Al-Qaida (Santa Monica, CA: RAND, ۲۰۰۸), http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/۲۰۰۸/RAND_MG۷۴۱-۱.sum.pdf.

نیروهای نظامی است. آن‌ها که عموماً درک بهتری از تهدید واقعی دارند، می‌توانند در گروه مزبور نفوذ کنند و موقعیت بهتری برای تأثیرگذاری بر گذار سیاسی پیدا کنند.

نیروی نظامی و رویکردهای انتظامی می‌توانند نقشی حیاتی در کاستن از شتاب حرکت افراط‌گرایان خشونت‌طلب و کاهش سلطه آنان بر قلمروی سرزمینی ایفا کنند، اما ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه تنها در میدان نبرد مغلوب نخواهند شد. همان‌طور که ژنرال مایک مولن^۱ رییس پیشین ستاد مشترک ارتش آمریکا در سال ۲۰۰۸ هشدار داد، «ما نمی‌توانیم با کشت و کشتار راه خود برای پیروزی را هموار کنیم». علاوه بر این، پاسخ‌های حرکتی^۲ که بد اجرا شده و به تلفات غیرنظامی یا تضعیف اقتدار حکومتی منتهی می‌شوند، نعمتی تبلیغاتی برای گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب هستند و شکاف بین ارزش‌ها و اقدامات آمریکایی را عمیق می‌کنند.

پس ابزارهای نظامی و انتظامی برای مقابله با تروریسم لازم و ضروری هستند اما کفایت نمی‌کنند. این رویکردها باید در قالب رویکردی جامع هماهنگ و گنجاننده شوند که دیپلماسی، توسعه و عملیات‌های سایبری و اطلاعاتی را هم شامل شود. مهم‌تر از همه اینکه، باید بین قدرت نرم و سخت توازن بهتری ایجاد شود تا این اطمینان حاصل شود که پیشگیری همیشه یک فکر ثانویه نیست.

تقویت قابلیت‌های ضد تروریسم

قاطعیت و شفافیت هدف برای موفقیت کارزارهای مقابله با تروریسم، حیاتی و تعیین کننده هستند. مردم محلی که در شرایط دیگر از سازمان‌های تروریستی حمایت کنند، باید متقاعد شوند که تا زمانی که لازم باشد، از حمایت خارجی برخوردار خواهند بود، حتی اگر این نوع حمایت با تغییر شرایط دچار تحول شود.

مؤلفه‌های زیر اهمیت بسزایی دارند، اما باید برای منطقه و پویایی خاصی تنظیم شوند که در آن ایالات متحده و متحدان آن دست به عملیات می‌زنند:

- استفاده از شرکای متعهد در میدان نبرد، به شکل حکومت محلی کارآمد و نیروهای امنیتی؛
- استفاده از شرکای ائتلافی، برای افزایش مشروعیت و افزایش منابع محدود؛
- استفاده از اطلاعات، نظارت و شناسایی، از جمله هواپیماهای بدون سرنشین، نظام‌های اطلاعاتی استراتژیک و منابع اطلاعاتی انسانی؛
- استفاده از نیروهای ویژه برای کمک به هدف قرار دادن رهبران و ارتباطات تروریست‌ها و آموزش نیروهای امنیتی محلی؛
- استفاده از حمایت هوایی و امکان جابجایی تاکتیکی بی‌وقفه برای حمایت از نیروهای امنیتی محلی؛ و

^۱ Mike Mullen

^۲ kinetic responses

• استفاده از توافقات دسترسی برای حمایت از تلاش‌ها در میدان نبرد، علی‌الخصوص در مناطق در اولویت مانند خاورمیانه، آفریقا و جنوب شرق آسیا.

ایالات متحده در ادامه باید تمرکز آموزشی متعارف خود را با گسترش و حفظ قابلیت‌هایی که در کارزار بلندمدت علیه گروه‌های تروریستی مؤثر خواهند بود، توازن ببخشد. این امر مستلزم حفظ نیروهای عملیات ویژه و قابلیت‌های تاکتیکی نظامی اطلاعاتی آزموده شده در عراق و افغانستان و همچنین سرمایه‌گذاری در مجموعه‌ای گسترده‌تر از ابزار لازم برای شکست گروه‌های تروریستی خواهد بود. ارتش ایالات متحده برای منازعات متعارف بزرگ عمدتاً به رژیم‌های آموزشی سنتی خود رجوع می‌کند. سیاست‌گذاران باید بین آموزش و تجهیز نیروهای مسلح ایالات متحده برای طیفی از منازعات احتمالی توازن بهتری برقرار کنند.

ایالات متحده باید تعهد پایدار خود را به متحدانش نشان دهد و در مقابله با شورش‌ها و عملیات‌های مبارزه با تروریسم، کمک‌های ظرفیت‌ساز نظام‌مندتری ارائه دهد. در ۱۵ سال گذشته، ارتش ایالات متحده برای آموزش ارتش‌های شریک بر راه‌کارهای موقتی تکیه کرده و از تلفیقی از نیروهای عمومی، نیروهای عملیات ویژه و نیروهای قراردادی بهره گرفته است. نتایج این تلاش‌ها در عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و جاهای دیگر ناامیدکننده بوده است. ایالات متحده باید برای حل این مسأله به فکر ایجاد یک رکن دائمی با پرسنل متخصص باشد که بر آموزش‌های تخصصی با تمرکز به رایه آموزش و راهنمایی نیروهای نظامی شریک استوار باشد. این رکن آموزشی که اکنون ارتش ایالات متحده تحت بررسی قرار داده، باعث ترغیب روابط بلندمدت بین ایالات متحده و نیروهای امنیتی شریک خواهد شد.^۱ یک رکن آموزشی نهادینه همچنین نیروی رزمی را که پیش‌تر برای آموزش سربازان از میدان نبرد خارج شده‌اند، آزاد می‌کند. این آموزش باید نحوه ایجاد ثبات و حکمرانی در قلمروهای بازپس گرفته شده از تروریست‌ها؛ نحوه تعامل سازنده با جوامع، گسترش ادارات و سازمان‌های جامعه مدنی؛ و مهمتر از همه، نحوه تضمین احترام به حقوق بشر و پیشگیری از صدمه دیدن شهروندان را شامل شود.

در نهایت، حکومت ایالات متحده و متحدان آن باید به تعریف راه‌کارهایی برای آموزش نیروهای نظامی خارجی پردازند. موفقیت بلندمدت در مبارزه با تروریسم به توسعه کارآمد نیروهای نظامی و اطلاعاتی شرکای ما بستگی دارد. با اینکه آموزش بین‌المللی برای مجریان قانون، از جمله آکادمی‌های بین‌المللی اجرای قانون^۲، وجود دارد، ایالات متحده نمی‌تواند به آموزش و حفظ روابط با تمامی نیروهای نظامی پردازد. ایالات متحده برای پُر کردن این شکاف، خصوصاً در مناطق بحران، حمایت ارتش ایالات متحده، وزارت امور خارجه و پیمانکاران نظامی را در کنار هم قرار داده است. ایالات متحده به جای رهبری این رکن در مبارزه که خطر مسلح کردن نیروهای نظامی محلی را به همراه دارد، باید به متحدان

^۱ Sydney J. Freedberg Jr., "Army Mulls Train & Advise Brigades: Gen. Milley," *Breaking Defense*, December ۱۴, ۲۰۱۵, <http://breakingdefense.com/2015/12/army-mulls-train-advise-brigades-gen-milley/>.

^۲ International Law Enforcement Academies

اروپایی و آسیایی‌اش که نیروهای انتظامی ملی مشابهی دارند و می‌توانند به آموزش نیروهای نظامی بپردازند، فشار بیاورد.

ایجاد تیم‌های واکنش سریع

نیروهای نظامی، تجهیزات و آموزش‌های بی‌نظیری دارند که می‌توان برای حفاظت از شهروندان؛ بناهای مهم مذهبی، فرهنگی و تاریخی؛ و زیرساخت‌های حیاتی یا منابع طبیعی از دست‌گروه‌های تروریستی مورد استفاده قرار دهند. تقویت این قابلیت‌ها، از جمله سرمایه‌گذاری در ایجاد «واحدهای چترباز» حرفه‌ای برای حفاظت از شهروندان، بناها و زیرساخت‌ها، امری لازم و ضروری است.

نمایندگان ماهر سازمان‌های مدنی، چند جانبه یا بین‌المللی باید رهبری این تیم‌ها را بر عهده بگیرند و در صورت لزوم، از سوی نیروهای نظامی و انتظامی تقویت شوند. بسته به ماهیت تهدید افراط‌گرایانه، این تیم‌ها دو تعهد اصلی خواهند داشت: الف) حفظ امنیت بناها و صنایع دستی مذهبی، فرهنگی و تاریخی؛ و ب) ایجاد گذرگاه‌ها یا مناطق حفاظت شده بشر دوستانه برای شهروندان. برای مثال، جامعه بین‌المللی باید قابلیت انجام عملیات‌های نجات‌بخش، مانند مأموریت نجات در کوهستان سنجار^۱ را ایجاد و نهادینه سازد، مأموریتی که طی آن مواد غذایی، آب و تدارکات اضطراری در اختیار ایزدی‌های در محاصره داعش قرار گرفت و دیگران را به مناطق امن رساند. کمک به حفاظت از حیات و بناهای نایاب، علاوه بر اینکه مطابق ارزش‌های ایالات متحده است، این ادعاهای تروریست‌ها که غرب در برابر رنج کشیدن دیگران بی‌تفاوت است را نیز تضعیف می‌کند.

رهنمود

لازم است یک ائتلاف پایدار برای تضعیف و شکست سازمان‌های تروریستی و برچیدن زیرساخت‌های ارتباطی استراتژیک آن‌ها و در عین حال، ایجاد ساز و کارهای واکنش سریع برای حفاظت از شهروندان و بناهای فرهنگی کهن در معرض خطر ایجاد شود. در ۱۵ سال گذشته و از زمان ۱۱ سپتامبر، شاهد پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در ایجاد شبکه همکاری بین‌المللی لازم برای جنگ با تروریسم بوده‌ایم. این توافقات موجود، بنیان و پایه‌ای محکم ایجاد می‌کنند. با این حال، دولت بعدی باید به ایجاد شراکت‌های عمیق‌تر با دولت‌های در خط مقدم در خاورمیانه، آفریقا، آسیای میانه، جنوب آسیا و جنوب شرقی آسیا بپردازد.

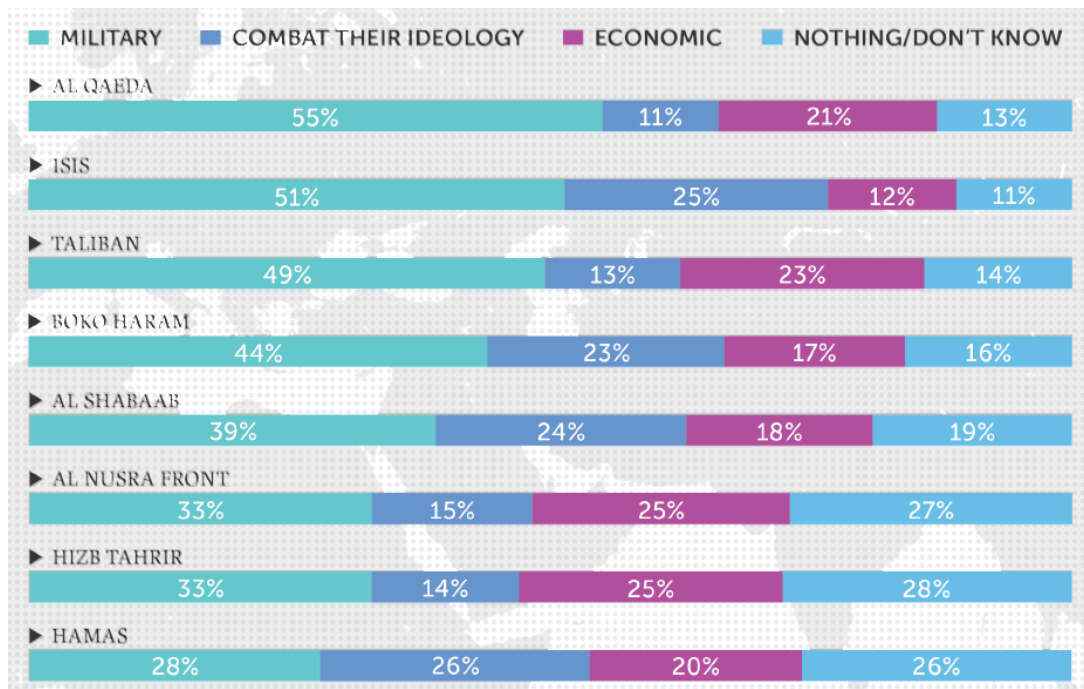
ایالات متحده باید در متقاعد ساختن متحدان و شرکای خود، خصوصاً کشورهای دارای اکثریت مسلمان، نقشی محوری ایفا کند تا در نزاع بر علیه افراط‌گرایی خشونت‌طلب کمک نظامی کرده و از تمامی ابزارهای موجود برای قطع فرایند جذب نیرو، سلاح، پول و مشروعیتی که گروه‌های تروریستی برای بقا و گسترش در مناطق جدید لازم دارند، استفاده نمایند. این معاضدت و کمک باید کشورهای درگیر در

^۱ Sinjar

سرتاسر جهان را شامل شود تا نیازهای اساسی مردم تأمین شود و در جاهای دیگر به دنبال برآورده ساختن این نیازها نباشند.

دولت بعد، برای ایجاد یک ائتلاف گسترده باید کار خود را با تجدید نقش رهبری خود در جهان، خصوصاً در خاورمیانه، آغاز کند. عدم حضور نسبی رهبری آمریکا در سرتاسر دوران آشوب بزرگ^۱، باعث تضعیف اعتبار و مقبولیت ما در منطقه شده است. تثبیت دوباره اعتبارمان کار آسانی نخواهد بود. قدرت‌های سنی مذهب نسبت به مقاصد و نیات ایالات متحده تردید عمیقی دارند و شدیداً نگران خیزش ایران هستند. ایالات متحده برای بازسازی اعتماد این شرکا باید تعهد خود در قبال صلح و امنیت در خاورمیانه را به روشنی بیان ساخته، منافع خود را دقیق بیان دارد و یک استراتژی جامع برای پرداختن به افراطگرایی خشونت‌طلب طرح کند. دولت بعد باید به اولویت‌ها، ترس‌ها و محدودیت‌های شرکای ما توجه کند. همکاری برای مقابله با افراطگرایی خشونت‌طلب، بدون یک چارچوب و اهداف مشترک، محکوم است که انفعالی مانده و ایالات متحده و متحدانمان را تحلیل ببرد.

حمایت گسترده از اقدام نظامی همراه با تمهیدات دیگر



مشارکت و همکاری به معنای چشم بستن و بی‌توجهی به نقاط ضعف و نقض حقوق بشری نیست که به چرخه رادیکال شدن و جذب نیرو دامن می‌زند و برای توقف آن تلاش می‌کنیم. در عوض، ایالات متحده باید روشن بیان کند که از متحدان خود چه انتظاراتی دارد:

- تبعیت از الزامات بین‌المللی در قبال حقوق بشر؛

^۱ great turmoil

- اقدام برای پرداختن به محرک‌های افراط‌گرایی خشونت طلب؛
 - پیشگیری از لطمه دیدن شهروندان در جریان عملیات‌های نظامی و انتظامی؛
 - توقف حمایت مالی شهروندان‌شان از ایده‌های افراط‌گرایانه؛
 - سپرده شدن مقصران بدترین اشکال ارتکاب خشونت به دست عدالت؛
 - توقف حمایت از گروه‌های تروریستی؛ و
 - مشارکت در یک کارزار سیاسی و نظامی بر علیه افراط‌گرایی خشونت طلب.
- این ائتلاف باید از بحث شکست داعش فراتر رفته و به فراتر از خاورمیانه گسترش یابد. باید گروه‌های تروریستی را در هر جایی که ظاهر شده و باعث تهدید شهروندان و امنیت جمعی مان می‌شوند، تضعیف و مغلوب نماید. ایالات متحده باید با ایجاد این ائتلاف بین‌المللی، به طور صریح ابراز دارد که شکست افراط‌گرایان خشونت طلب و ایدئولوژی‌ها و قرائت‌هایی که از آن تغذیه می‌کنند، مستلزم رهبری، سرسختی و بینش برای یک نسل یا بیشتر خواهد بود.

اجرا

یک استراتژی، صرف نظر از اینکه هر چقدر هم جامع باشد، بدون برنامه درست اجرایی محکوم به شکست خواهد بود. عملیاتی ساختن این استراتژی مستلزم: رهبری و پرسنل قدرتمند و شایسته؛ بودجه‌های اختصاصی؛ و هماهنگی بیشتر در داخل حکومت ایالات متحده، بین سازمان‌های داخلی و امور بین‌الملل، مقامات غیرنظامی و نظامی و مقامات انتظامی و خدمات اجتماعی خواهد بود. همچنین منوط به توانایی در افزایش بیش از حد انعطاف‌پذیر بودجه برای گروه‌های جامعه مدنی و بازیگران جامعه مدنی است که در ایالات متحده و خارج از آن فعالیت می‌کنند.

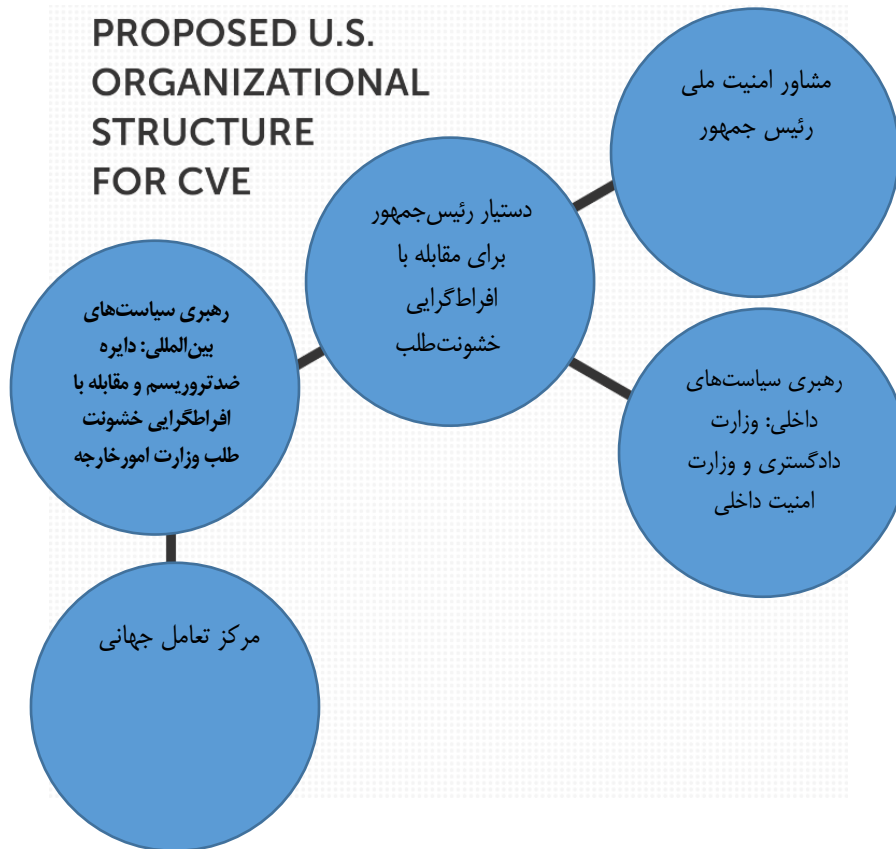
مباحثات بر سر ساختارهای سازمانی صحیح از زمان ۱۱ سپتامبر، مُخل تلاش‌ها برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب بوده و قابلیت ما در پرداختن به این تهدید ایدئولوژیک را تضعیف کرده است. حکومت ایالات متحده پس از مبهم‌گویی‌های بسیار درباره الگوهای سازمانی در یک دهه گذشته، دیگر نمی‌تواند از عهده اتلاف وقت بیشتر برای تعیین ترتیبات و آماده‌سازی ممکن برآید. کمیسیون برای اجرای این استراتژی، ساختارهای سازمانی و ساز و کارهای تأمین بودجه زیر، در داخل و خارج از حکومت ایالات متحده را توصیه می‌کند تا از تعداد افرادی که در ایالات متحده و سراسر جهان جذب گروه‌های افراط‌گرای خشونت طلب می‌شوند، به نحو چشمگیری کاسته شود.

سازماندهی حکومت ایالات متحده برای بدل شدن به رهبری کارآمد در مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب

مسئولیت مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب بین ده‌ها دپارتمان و سازمان حکومت و هیأت مدیره‌های مختلف در شورای امنیت ملی پخش شده است. با اینکه حکومت ایالات متحده افراد بسیار با استعدادی در اختیار دارد که روی مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب کار می‌کنند، دعوای بیهوده بر سر دستورالعمل‌ها و اختیارات، محدودیت‌های بوروکراتیک بر ابداع و زیرکی و چالش‌های هماهنگی، تلاش‌های آنان را تضعیف می‌کند. در پی ایجاد کارگروه ویژه مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب تحت رهبری وزارت امنیت داخلی و وزارت دادگستری و دایره ضد تروریسم و مقابله با افراط‌گرایی وزارت امور خارجه، این وضعیت بهبودی چشمگیر را تجربه کرده است.

با این همه، این ساختارها کفایت نمی‌کنند. بدون وجود کانونی معین در شورای امنیت ملی، هیچکس در برابر نتایج مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب مسئول و پاسخگو نیست. هیچکس نظری کلی درباره تمام تلاش‌های مرتبط در خصوص مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب و مبارزه با تروریسم ندارد و در نتیجه امکان هماهنگی سیاست‌ها و اختصاص عقلایی منابع وجود ندارد. هیچ کس به تنهایی نمی‌تواند بار مسئولیت مقابله با افراط‌گرایی خشونت طلب را به دوش داشته باشد که هر روز به رئیس‌جمهور پاسخگو باشد.

ساختار سازمانی پیشنهادی در آمریکا برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب



این مسأله باید تغییر کند. کمیسیون یک ساختار نهادی برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب را توصیه می‌کند که یکی از دستیاران رئیس‌جمهور در شورای امنیت ملی هدایت آن را برعهده داشته باشد. او باید همکاری نزدیکی با دستیار امنیت داخلی و ضدتروریسم رئیس‌جمهور و جانشین مشاور امنیت ملی داشته باشد. این شخص وظیفه هماهنگی سیاست‌ها و برنامه‌های مبارزه با تروریسم و مقابله با افراط‌گرایی، در داخل و خارج؛ بسیج و هماهنگی سازمان‌ها با دستورالعمل‌های مرتبط به مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب از جمله سازمان‌های داخلی با تمرکز نظارتی (مثل وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و خدمات انسانی)؛ و ایجاد شراکت‌های عمومی-خصوصی که برای پیشبرد این استراتژی ضروری هستند را بر عهده دارد. او اساساً مسئول ارتباط با شورای مشاوره مستقل ریاست‌جمهوری خواهد بود که در این استراتژی تعریف و از نمایندگان بخش فن‌آوری و بخش خصوصی تشکیل شده است. مهم‌تر از همه، دستیار رئیس‌جمهور مدیریت اجرای استراتژی جامع برای مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب را انجام می‌دهد و مسئول نتایج حاصله خواهد بود.

کمیسیون در لوای این موضع جدید، یک ساختار رهبری سه‌جانبه را توصیه می‌کند. کاخ سفید باید بیشتر بر واحدها و قابلیت‌های موجود تکیه کند تا به دنبال ایجاد جای پای بزرگ در شورای امنیت ملی باشد. کارگروه ویژه مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب باید سیاستی داخلی مانده و به اهرمی فشار برای هماهنگی

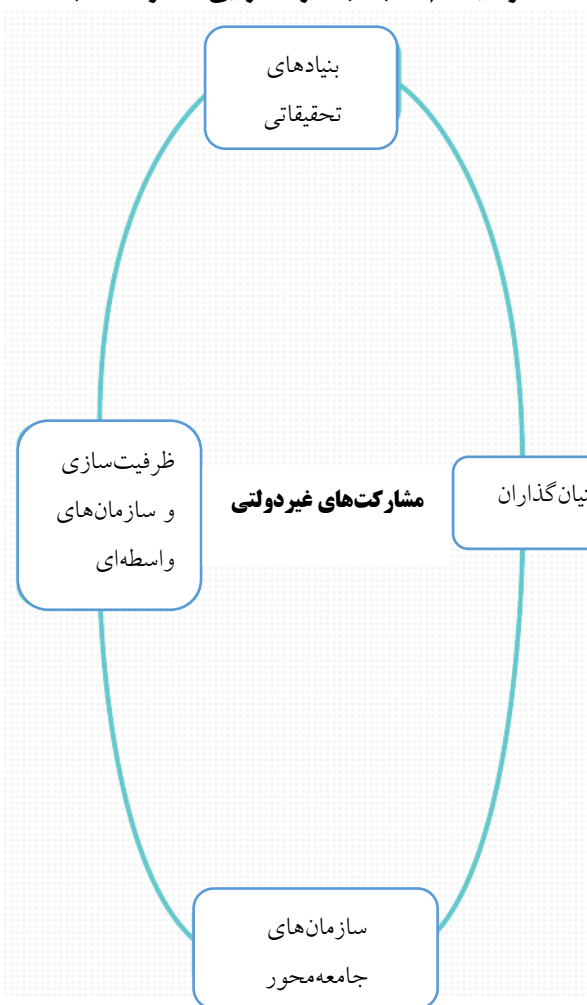
ساز و کارهایی که اخیراً ایجاد کرده، منتهی شود. کارگروه ویژه برای تداوم این ترتیبات، باید یک فضای دفتری دائمی، پرسنل متعهد و بودجه‌ای مشخص برای تأمین هزینه‌های عملیاتی خود در اختیار داشته باشد. این کارگروه ویژه به اختیارات بیشتر برای افزایش هماهنگی بین سازمان‌های داخلی هم نیاز دارد. این مستلزم آن است که دپارتمان‌ها و سازمان‌های داخلی صلاحیت این کارگروه در سیاست‌ها، برنامه‌ها یا تلاش‌ها برای ارتباط را به رسمیت بشناسند که در هماهنگی تلاش‌های داخلی برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب تأثیر بسزایی خواهد داشت.

دایره ضد تروریسم و مقابله با افراطگرایی خشونت طلب وزارت امور خارجه، باید رهبری سیاست بین‌المللی را برعهده داشته باشد، زیرا نفوذ سیاسی و روابط لازم برای پیشبرد تلاش‌ها برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب را در اختیار دارد. این دایره تحت رهبری معاون هماهنگی برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، اختیار لازم برای هماهنگی در داخل وزارت امور خارجه و با اداره توسعه بین‌المللی آمریکا را داشته و برای کارگروه ویژه مقابله با افراطگرایی خشونت طلب نقش یک پل را ایفا می‌کند. در حال حاضر دفتر دایره مقابله با افراطگرایی خشونت طلب کارکنان تمام‌وقت دارد و سه موقعیت شغلی دیگر هم در حال ایجاد است. دولت بعد باید تعداد موقعیت‌های شغلی در دایره را دو برابر کند تا بتواند نقش هماهنگی خود را به‌درستی ایفا کرده و به اهالی واشنگتن و سفارتخانه‌های مسئول مقابله با افراطگرایی خشونت طلب کمک فنی کند.

سفارتخانه‌ها و هیأت‌های اعزامی اداره توسعه بین‌المللی آمریکا، نقشی مؤثر در شناسایی، حمایت و پیوند دادن بازیگران عادی ایفا می‌کنند که می‌توانند تفاوتی واقعی در جوامع خود ایجاد کنند. به این ترتیب، تیم هر کشور باید یک کارمند تمام وقت مقابله با افراطگرایی خشونت طلب در وزارت امور خارجه یا اداره توسعه بین‌المللی آمریکا داشته باشند که شغل وی فراهم ساختن سکویی برای متنفذان و کارآفرینان، ایجاد شبکه‌های پاسخ و یافتن راه‌هایی برای حمایت از کار پیشگامانه برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب است. دایره ضد تروریسم و مقابله با افراطگرایی خشونت طلب باید اطمینان یابد که تمام تلاش‌های ایالات متحده شامل نظارت و ارزیابی رویکردهایی می‌شود که از زیر تیغ بررسی‌های کنگره عبور می‌کنند. همچنین باید مسئولیت آموزش کارمندان خدمات خارجی عازم خارج از کشور و کارمندان تعیین شده به عنوان کانون‌های مقابله با افراطگرایی خشونت طلب را برعهده بگیرد.

بودجه مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، یک دهم از ۱ درصد بودجه ضد تروریسم است.

اکوسیستم مقابله با افراطگرایی خشونت طلب



گسترش اکوسیستم برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب

حکومت‌ها نمی‌توانند و نباید چهره اصلی تلاش‌ها برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب باشند. اگر منابع، راهنمایی و حمایت کافی در اختیار بخش خصوصی و جامعه مدنی قرار بگیرد، کمک‌های شایانی خواهند کرد. در ۱۵ سال گذشته، حکومت ایالات متحده بذر شبکه‌ها و تمهیدات مختلفی را کاشته است: از تغییر نسلی، شبکه‌ای جهانی از رهبران جوان که انعطاف و انسجام جامعه را شکل می‌دهند گرفته تا شبکه‌های هم‌نظیر به چالش کشیدن افراطگرایی خشونت طلب و تلاش برای جذب دانشجویان دانشگاه‌های فن‌آوری برای توسعه کارزارهای استراتژیک پیام‌رسانی. وقت آن است که این تلاش‌ها تقویت شده و سرمایه‌گذاری ایالات متحده در برنامه‌های موجود و افراد دوباره از سر گرفته شوند. لزومی به دوباره‌کاری وجود ندارد، ما باید از همه ابزارهای در اختیار خود اطلاع داشته و به بهترین شکل ممکن از آن‌ها استفاده کنیم.

تأمین‌کنندگان مالی

همان طور که در طول این گزارش هم صحبت شد، کمبود منابع، یکی از موانع اصلی بر سر راه برانگیختن یک نهضت مقابله با افراطگرایی خشونت طلب و افزایش تمهیدات امیدوارکننده بوده است. این کمیسیون برای جاری کردن منابع به فضای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، سه سازوکار تأمین بودجه را توصیه می کند.

۱. بودجه ابداعات فن آوری. ما برای اینکه در فضای مجازی، افراد را به ابداع و اختراع ترغیب کنیم، باید از خلاقیت و مهارت فنی بخش خصوصی استفاده کنیم. حکومت ایالات متحده باید با شرکت های پیشگام شریک شود تا در راستای این هدف، یک صندوق ابداعات فن آوری به سبک این کیوتل^۱ ایجاد کند. این کیوتل یک سازمان غیرانتفاعی است که برای پُر کردن شکاف بین نیازهای فن آوری جامعه اطلاعاتی ایالات متحده و سوداگری های تجاری به وجود آمده است. این سازمان بر روی استارت آپ هایی سرمایه گذاری می کند که به توسعه فن آوری های ابداعی حیاتی «زود بازده» (ظرف مدت ۳۶ ماه) بر جامعه اطلاعاتی می پردازند. به همین ترتیب، یک صندوق ابداعات مقابله با افراطگرایی خشونت طلب هم که حکومت با حمایت کنگره به راه انداخته باشد، ابداعات فن آوری ایالات متحده را وارد عرصه نبرد علیه تبلیغات و قرائت های افراطگرایان خشونت طلب خواهد کرد.

۲. کنسرسیوم خیریه خصوصی. دولت بعد باید امکان تأمین بودجه برای تلاش های جامعه محور مقابله با افراطگرایی خشونت طلب از سوی بخش خصوصی، بنیادها و خیریه های خصوصی را فراهم سازد. مخصوصاً «نیکوکاران خطرپذیر»^۲ که بیشتر شبیه سرمایه گذاران خطرپذیر^۳ عمل می کنند تا بنیادهای سنتی، باید هدف اصلی این ارتباط باشند. کارورزان میزان قابل ملاحظه ای از وقت و تلاش خود را صرف جمع آوری بهره های اندک بودجه های اهدایی از جانب اهداکنندگان مالی با رویه ها، برنامه های زمانی و استلزامات مختلف می کنند. بهتر است که این وقت صرف اجرای برنامه ها و حفاظت از اعضای جامعه در برابر گروه های افراطگرای خشونت طلب شود. کاخ سفید می تواند به سهام داران اجتماع^۴ کمک کند تا با صدور یک درخواست برای اقدام -مانند چالش محافظ برادر من^۵ که ۱ میلیارد دلار کمک از بخش خصوصی جمع آوری کرد- استفاده کارآمدتر از منابع برای بسیج بخش خصوصی و بودجه های خیریه و حمایت غیرنقدی کمک کند. دولت می تواند در تشکیل یک کنسرسیوم از این اهداکنندگان مالی خصوصی برای حفظ جریان جمع آوری اعانه و رویارویی اهداکنندگان با سازمان های

^۱ In-Q-Tel

^۲ Venture philanthropists

^۳ venture capitalists

سرمایه گذاری خطرپذیر که از آن با عنوان های «سرمایه گذاری جسورانه» یا «سرمایه گذاری کارآفرینی» نیز نام می برند، عبارت است از تأمین سرمایه لازم برای شرکت ها و کسب و کارهای نوپا (استارت آپ) و کارآفرین که مستعد جهش و رشد ارزش و البته ریسک فراوانی است.

^۴ community stakeholders

^۵ My Brother's Keeper

دارای پیشینه کاری در مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، نقشی تعیین کننده ایفا کند.^۱ این الگو به سازمان‌های جامعه محور کمک می‌کند تا بدون انگ دخالت حکومت در آنها، از منابع برخوردار باشند و همچنین این امر به اهداکنندگان خصوصی، امنیت بیشتری می‌دهد.^۲

وقت آن است که تلاش‌ها تقویت شده و سرمایه‌گذاری ایالات متحده در برنامه‌های موجود و افراد دوباره از سر گرفته شوند. لزومی به دوباره کاری وجود ندارد، ما باید از همه ابزارهای در اختیار خود اطلاع داشته و به بهترین شکل ممکن از آن‌ها استفاده کنیم.

۳. کمک هزینه‌های حکومت ایالات متحده. حتی با سرمایه‌گذاری فزاینده بخش خصوصی و نیکوکاران در مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، لزوم بودجه حکومتی همیشه وجود دارد. این کمیسیون از تلاش‌های حکومت ایالات متحده برای افزایش کمک هزینه‌های کوچک برای تلاش‌های داخلی و بین‌المللی حمایت می‌کند. خصوصاً، ما هم عقیده‌ایم که بودجه دفتر مشارکت اجتماعی در وزارت امنیت داخلی باید به ۱۰۰ میلیون دلار افزایش پیدا کند تا بحث اعطای کمک هزینه و هزینه‌های عملیاتی مرتبط را پوشش دهد. ما از ۱۷/۴ میلیون دلاری که وزارت دادگستری در بودجه سال ۲۰۱۷ برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب درخواست کرده، حمایت می‌کنیم.^۳ هم‌زمان، کمیسیون قویاً توصیه می‌کند که دیگر سازمان‌های داخلی مانند وزارت آموزش، وزارت بهداشت و خدمات انسانی و وزارت مسکن و توسعه شهری - با پیوندهای اجتماعی بیشتر - در مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، نقش بزرگ‌تری را برعهده بگیرند. همچنین، کمیسیون از تلاش‌ها در داخل وزارت امور خارجه، از جمله دایره ضد تروریسم و مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، مرکز تعامل جهانی، دایره دموکراسی، حقوق بشر و کار و دایره تبادلات آموزشی و فرهنگی و اداره توسعه بین‌المللی آمریکا برای تسریع اعطای کمک هزینه به سازمان‌های عادی و شبکه‌های پیشگام در مقابله با افراطگرایی خشونت طلب حمایت می‌کند. با این حال، حکومت ایالات متحده با تأمین منابع برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب باید حضور کم‌رنگ خود را حفظ کند؛ برای ارزیابی تأثیر این برنامه‌ها و ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی، ساز و کارهای ارزشیابی سختگیرانه تعبیه کند؛ برای تقویت توانایی و قابلیت شرکای خود، حمایت بلندمدت و محوری در اختیار بگذارد.

^۱ ۱۹، "Homeland Security Advisory Council."

^۲ این کنسرسیوم مکمل صندوق تعامل و انعطاف‌پذیری جامعه جهانی خواهد بود، شراکتی خصوصی که هدف از آن تقویت انعطاف‌پذیری در برابر برنامه‌های افراط‌گرایان خشونت طلب است. با این حال، برخلاف صندوق تعامل و انعطاف‌پذیری جامعه جهانی، حکومت‌ها درگیری مدیریت، تصمیم‌گیری یا نظارت بر کنسرسیوم نخواهند بود، جز حکومت ایالات متحده که نقش تسهیل‌گر ابتدایی کار را ایفا کرده است.

^۳ ۱۹، "Homeland Security Advisory Council."

نهادهای پژوهشی

نهادهای پژوهشی، از جمله اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها، نقشی مهم در ایجاد یک پایگاه تحلیلی و داده‌ای برای تمهیدات نتیجه‌بخش‌تر مقابله با افراطگرایی خشونت‌طلب ایفا می‌کنند. این نهادها باید بیش از پیش مورد استفاده قرار بگیرند تا برای انگیزه‌ها، محرک‌ها و فرایند رادیکال شدن و مداخلات کارآمد، پاسخ‌هایی پیدا کنند.

۱. ائتلاف پژوهشی عمومی-خصوصی. یکی از موانع عمده بر سر راه برنامه‌ریزی، شکاف بین حکومت‌ها و شرکت‌های فن‌آوری بوده که به داده‌ها دسترسی دارند و پژوهشگران برای انجام آزمایشات و پژوهش دقیق به این داده‌ها نیازمندند. برای مثال، پژوهشگران می‌توانند از این داده‌ها استفاده کنند تا متوجه شوند که کاربران پس از قرار گرفتن در معرض پیام‌های مخرب یا سازنده چه رفتاری از خود نشان می‌دهند و درباره تأثیر این تلاش‌ها به نتایجی رسیده و برای بهبود آن‌ها رهنمودهایی ارائه دهند. با این حال، این امر مستلزم آن است که حکومت و شرکت‌های فن‌آوری امکان دسترسی به این اطلاعات را فراهم سازند. به همین ترتیب، پژوهشگران باید پایگاه داده‌های خود را در اختیار حکومت و پژوهشگران دیگر بگذارند تا از دوباره کاری پرهیز شده و تکرار پژوهش‌های کمی ممکن شود. حکومت ایالات متحده باید با کمک شبکه ریزولف^۱ -شبکه‌ای جهانی از پژوهشگران که درباره محرک‌ها و راه‌کارهای مقابله با افراطگرایی خشونت‌طلب به انجام تحلیل محلی می‌پردازند- با دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها و بخش فن‌آوری، شراکت‌های پژوهشی ایجاد نماید.

تحقق این چشم‌انداز مستلزم آن است که ایالات متحده، هر ساله تقریباً ۱ میلیارد دلار هزینه کند. هرچند این رقم بسیار زیاد است و بودجه مقابله با افراطگرایی خشونت‌طلب را به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد، اما در عین حال این هزینه درمقابل تریلیون‌ها دلار لازم برای هزینه‌های نظامی و انتظامی و میلیاردها دلار مورد نیاز برای کمک‌های بشردوستانه در صورت جاذبه و کشش گروه‌های افراط‌گرای خشونت‌طلب، چیزی نیست.

۲. پایگاه داده‌های قابل برنامه‌ریزی. اهداکنندگان مالی و سیاست‌گذاران به خاطر بحث‌های طولانی درباره اینکه آیا سازمان‌های رقیبی برای انجام این کار وجود دارند و برنامه‌ها تفاوت چشمگیری ایجاد می‌کنند یا نه، تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری در بحث مقابله با افراطگرایی خشونت‌طلب نداشته‌اند. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی می‌تواند با ایجاد یک پایگاه داده‌ها از تمامی برنامه‌های مختص به مقابله با افراطگرایی خشونت‌طلب و معیارهای مشخص برای تأثیرگذاری که بتواند در طول زمان اندازه‌گیری شود، به پیشبرد این حوزه کمک کند. این مرکز مطالعات با استفاده از این پایگاه داده‌ها

^۱ RESOLVE

می‌تواند به تعیین ویژگی‌های برنامه‌های مؤثر و اشتراک گذاشتن بهترین رویه‌ها و رهنمودها برای تقویت و افزایش این تلاش‌ها بپردازد. این پایگاه داده‌ها می‌تواند نقش «استاندارد طلایی» برای ارزیابی کارایی برنامه‌های مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب در سرتاسر جهان را ایفا نماید.

بازیگران جامعه محور

جامعه مدنی و سازمان‌های جامعه محوری که بر روی پیشگیری، مداخله، رادیکال‌زدایی، ادغام دوباره و توانبخشی و ارتباطات استراتژیک کار می‌کنند، از بسیاری جهات، مهمترین بخش اکوسیستم مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب هستند. با این حال، این گروه‌ها معدودند و برای ایجاد قابلیت، نیازمند کمک از جانب هم‌تایان خود هستند.

۱. شبکه پیشگیری جامعه مدنی محور. کمیسیون از ایده یک شبکه جامعه مدنی محور در ایالات متحده «برای مهار تلاش‌های تعداد فزاینده جوامع و اهالی فن در کل کشور که علاقمند به کمک در پیشگیری از رادیکال شدن افراد در جوامع خود هستند» حمایت می‌کند، ایده‌ای که پروژه پیشگیری^۱ مطرح کرده است.^۲ این شبکه به تقویت تلاش‌ها برای برخورد با افراد در معرض خطر یا در جریان رادیکال شدن کمک خواهد کرد. همچنین سکویی برای تبادل اطلاعات بوده و بهترین رویه‌ها و درس‌هایی که از یکدیگر و کارورزان و تأمین‌کنندگان خدمات اجتماعی (مثلاً کسانی که در حوزه‌های مرتبط مانند پیشگیری و درمان مواد مخدر، نظارت بر سلامت روانی، پیشگیری و توانبخشی خشونت گروه‌های تبهکار) می‌آموزند، را در اختیار خبرگان حوزه مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب می‌گذارد.

۲. شبکه رهبران جوان. حکومت ایالات متحده از طریق برنامه‌های آموزشی و تبادل فرهنگی خود، رهبران جوان از سرتاسر جهان را شناسایی و بر آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده است. این افراد به خاطر توانایی و استعداد بالقوه خود به عنوان الگوهای رفتاری انتخاب شده بودند. حکومت باید از این سرمایه‌ها استفاده کرده و شبکه جهانی از رهبران جوانی که علاقمند به مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌طلب، انعطاف‌پذیری جامعه و حوزه‌های مرتبط هستند، ایجاد نماید. از طریق شبکه، هزاران بازیگر عادی می‌توانند اطلاعات و بهترین رویه‌ها را به اشتراک گذاشته و موانع موجود بر سر راه نسل جدیدی از کارورزان را برطرف کنند.

ظرفیت‌سازی و سازمان‌های واسطه‌ای

برای به بار نشستن تلاش‌های مبارزه با افراط‌گرایی خشونت‌طلب، ایالات متحده و متحدانش نیاز به سرمایه‌گذاری در سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی را دارند که واجد پیشینه مبارزه با افراط‌گرایی

^۱ The Prevention Project

^۲ Eric Rosand, "Communities First: A National Prevention Network to Defeat ISIS," The Hill, August ۲, ۲۰۱۶, <http://thehill.com/blogs/congress-blog/homeland-security/۲۹۰۰۴۶-communities-first-a-national-prevention-network-to>

خشونت طلب، شبکه‌ها و کار تشکیلاتی و ظرفیت بالا باشند. کمیسیون توصیه به سرمایه‌گذاری در چنین «سازمان‌های واسطه‌ای»^۱ می‌کند تا گام‌های بلندی در این زمینه برداشته شود و به عملی ساختن ظرفیت‌های سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران کمک کند.

۱. شتاب‌دهنده‌های مقابله با افراطگرایی خشونت طلب. ایالات متحده و متحدان آن و همچنین بخش خصوصی باید بر روی کانون‌ها و سازمان‌های موجودی که برای پروراندن و تسریع برنامه‌ها و کارزارهای روایتی^۲ «مبتنی بر شواهد»^۳ مقابله با افراطگرایی خشونت طلب از پژوهش، فن‌آوری و ذهنیت استارت‌آپی^۴ استفاده می‌کنند، سرمایه‌گذاری جدی انجام دهد. این سازمان‌ها در ایجاد فرصت برای کارآفرینان جهت طراحی و اجرای عملیات‌های موفق مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، نقشی محوری دارند. آن‌ها با پیشینه مشخص و برخورداری از اعتماد حکومت و جامعه مدنی، در ارائه برنامه‌های پیشگامانه مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، ابداع و توزیع کارزارهای پیام‌رسانی استراتژیک و بسیج نهضت‌های اجتماعی بر علیه افراطگرایی در فضای مجازی و واقعی نیز نقشی لازم و ضروری دارند.

۲. آکادمی‌های آموزشی مقابله با افراطگرایی خشونت طلب. آکادمی‌های آموزشی در ایالات متحده و خارج از مرزهای آن که سازمان‌های غیرحکومتی و بازیگران جامعه مدنی آن را اداره و حکومت بودجه آن را تأمین کند، می‌توانند خلاء دانش برای بازیگران حکومتی، مقامات انتظامی، سازمان‌های محلی، والدین، معلمان و مددکاران اجتماعی را پر کنند. مرکز تعالی جهانی هدایه^۵ که بنیادی مستقر در امارات متحده عربی جهت ایجاد ظرفیت و قابلیت برای بازیگران مقابله با افراطگرایی خشونت طلب در سراسر جهان است، یکی از این نمونه‌ها است. برنامه‌های آموزشی می‌توانند: خطرات و نشانه‌های هشدار رادیکال شدن؛ روش‌های کارآمد مشاوره و هدایت؛ پرورش ذهن کودک؛ نحوه استفاده افراط‌گرایان خشونت طلب از رسانه‌های اجتماعی؛ نحوه صحبت والدین و مددکاران اجتماعی درباره تبلیغات افراط‌گرایانه؛ و اصول ایجاد اعتماد و پیشگیری، از جمله نحوه برخورد با افراد در معرض خطر را

^۱ intermediary organizations

^۲ narrative campaigns

^۳ evidence-based

سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد به‌عنوان رویکرد جدیدی به چرخه سیاست‌گذاری عمومی در بسیاری از کشورها رواج یافته است و بر این فرض استوار است که تصمیم‌های سیاسی باید در کنار استفاده از قضاوت‌ها و نظرسنجی‌ها، با شواهد در دسترس و برپایه یک تجزیه و تحلیل منطقی اتخاذ شوند.

^۴ start-up mentality

استارت آپ واژه‌ای است که در سال‌های اخیر در اخبار دنیای فناوری به کرات شاهد استفاده از آن در توصیف کمپانی‌های نوپایی هستیم که راهکارهای جدیدی را برای حل مشکلات و مسائل موجود در دنیا مطرح می‌کنند. استارت‌آپ معمولاً طبق تعاریف به یک شرکت یا یک مشارکت و یا یک سازمان موقت گفته می‌شود که در جهت جستجوی راه حلی برای یک مدل کسب و کار قابل توسعه و تکرار پذیر راه اندازی می‌شود.

^۵ Hedayah International Center of Excellence

پوشش دهند. در حالت ایده آل، آکادمی‌های مقابله با افراطگرایی خشونت طلب، سیاست‌گذاران و کارورزان را با هم مرتبط ساخته و تعاملات در سطح جامعه درباره نحوه نمود افراطگرایی خشونت طلب و نحوه توقف آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

تأمین بودجه مقابله با افراطگرایی خشونت طلب

تحقق این چشم‌انداز مستلزم آن است که ایالات متحده و متحدانش، هر ساله تقریباً ۱ میلیارد دلار هزینه کنند. هرچند این رقم بسیار زیاد است و بودجه مقابله با افراطگرایی خشونت طلب را به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد، اما در عین حال این هزینه در مقابل تریلیون‌ها دلار لازم برای هزینه‌های نظامی و انتظامی و میلیاردها دلار مورد نیاز برای کمک‌های بشردوستانه در صورت جاذبه و کشش گروه‌های افراط‌گرای خشونت طلب، چیزی نیست. این رقم، کمترین میزان لازم برای تقویت تلاش‌ها برای مقابله با افراطگرایی خشونت طلب است تا با جدیت این تهدید جور درآمده و سرمایه‌گذاری بیشتر را تسریع نماید. ایالات متحده نمی‌تواند به تنهایی این کار را انجام دهد، اما این تعهد، اولین گام در مسیر صحیح است. کمیسیون برای تأثیرگذاری حداکثری این استراتژی بر کاهش رادیکال شدن و جذب نیروی افراد جوان در ایالات متحده و سرتاسر جهان، اختصاص بودجه‌های زیر را توصیه می‌کند.

اعطای کمک هزینه - ۵۵۰ میلیون دلار

بودجه ابداعات فن‌آوری (الگوی این کیوتل): ۱۵۰ میلیون دلار
کمک هزینه‌های کوچک داخلی و هزینه‌های عملیاتی: ۱۵۰ میلیون دلار
کمک هزینه‌های کوچک بین‌المللی و هزینه‌های عملیاتی: ۲۵۰ میلیون دلار

پژوهش - ۵۰ میلیون دلار

ائتلاف پژوهشی عمومی - خصوصی: ۱۰ میلیون دلار
پایگاه داده‌های قابل برنامه‌ریزی: ۵ میلیون دلار
پژوهش مستقل: ۳۵ میلیون دلار

بازیگران جامعه محور - ۶۵ میلیون دلار

برنامه‌های تبادل آموزشی و فرهنگی: ۴۵ میلیون دلار
شبکه اختصاصی - رهبران جوان: ۲۰ میلیون دلار

سازمان‌های ظرفیت‌سازی - ۸۵ میلیون دلار

شتاب‌دهنده‌های مقابله با افراطگرایی خشونت طلب: ۵۵ میلیون دلار
آکادمی‌های آموزشی (۳ تا ۱۰ میلیون دلار در سال): ۳۰ میلیون دلار

«گروه‌های پیشتاز» غیرنظامی - نظامی - ۲۵۰ میلیون دلار

هزینه‌های عملیاتی: ۲۵۰ میلیون دلار

هدف از سرمایه‌گذاری ایالات متحده در این حوزه‌ها، برطرف ساختن نیازی بزرگ نیست. در عوض، هدف از رهنمودهای کمیسیون، تحریک کشورها و سهامداران دیگر برای افزایش حمایت و تعهد خود به مقابله با افراطگرایی خشونت طلب است. وقتی این ارکان و منابع در جای خود قرار بگیرند، ما می‌توانیم شاهد کاهش چشمگیر حمایت از افراطگرایی خشونت طلب و حفاظت از این نسل و نسل‌های آتی باشیم.



**TURNING POINT:
A New Comprehensive Strategy for Countering
Violent Extremism**

**Center for Strategic
and
International Studies**

Translated By
Presidential Center for Strategic Studies

۲۰۱۷